

کریمه بنون

تعهد بین‌المللی برای مقابله
با آپارتاید جنسیتی در افغانستان

مترجم: محمد مختاری

کریمه بنون

تعهد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی در افغانستان

محمد مختاری

photo by: Sahraa Karimi



پیشگفتار نویسنده

از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم بابت ترجمه مقاله حاضر تحت عنوان «تعهد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی در افغانستان» که در ابتدا در مجله حقوقی حقوق بشر کلمبیا در دسامبر ۲۰۲۲ به نشر رسید. امیدوارم این مقاله بتواند هم‌زمان با جریان سرکوب و مقاومت در افغانستان، مورد توجه و برای خوانندگان فارسی‌زبان مفید واقع شود.

از زمانی که مقاله من برای اولین بار منتشر شد، تا اکنون اتفاقات زیادی در راستای پیشبرد چارچوب آپارتاید جنسیتی رخ داده است. در واقع این یک فرصت همراه با جنبه‌های مثبت و منفی برای کار روی این موضوع است. جنبه مثبت آن، سفر، نمایندگان، مقامات، مدافعان و کارشناسان بیشتر و بیشتر - از جمله آنتونیو گوترش^۱ دبیرکل سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان^۲ - چهارچوب آپارتاید جنسیتی را به رسمیت می‌شناسند و از آن استفاده می‌کنند. علاوه بر این، یک کمپین جهانی جدید برای پایان دادن به آپارتاید جنسیتی در تاریخ ۸ مارس ۲۰۲۳ به رهبری زنان مدافع حقوق بشر افغان، از جمله فوزیه کوفی، نماینده سابق پارلمان، و زنان مدافع حقوق بشر ایرانی از جمله شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، راه‌اندازی شد.^۳ این کمپین با تبلیغات گسترده‌ای در سراسر جهان روبرو بوده است. مدافعان در حال برنامه‌ریزی برای لابی کردن گنجاندن آپارتاید جنسیتی در کنوانسیون جنایات علیه بشریت هستند که امیدواریم تا سال ۲۰۲۴ از طریق سازمان ملل متحد تهیه شود. به طور خلاصه، ما در حال تجربه یک نقطه عطف در توسعه چهارچوب آپارتاید جنسیتی هستیم.

با این حال، هم زمان، ما شاهد گام‌های نگران‌کننده در جهت احتمال عادی‌سازی روابط با طالبان، علی‌رغم اعمال آپارتاید جنسیتی آن‌ها هستیم. این شامل اظهارات آمنه محمد^۴ معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در اپریل ۲۰۲۳، در مورد آنچه که او احتمال «به رسمیت شناختن اصولی» مقامات فعلی [طالبان] نامید، می‌شود. تنها چند هفته پس از ممنوعیت طالبان از کار کردن زنان در سازمان ملل سپری نشده که تیم‌های ساحوی سازمان ملل متحد در افغانستان تصمیم بر پیروی از این محدودیت می‌کنند.^۵ چنین تحولاتی، تعهدات اساسی در مورد عدم تبعیض، مندرج در منشور ملل متحد را زیر سؤال می‌برد.

^۱ اظهارات دبیرکل سازمان ملل متحد به شورای امنیت در مورد ترویج و تقویت حاکمیت قانون در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی: حاکمیت قانون در میان ملل [به دو زبان ارائه شده، برای انگلیسی به پایین صفحه رجوع شود] | دبیرکل سازمان ملل متحد.

^۲ سیزدهمین جلسه - پنجاه و دومین اجلاس شورای حقوق بشر | UN Web TV (۲۰۲۲-۲۰۲۳). |

^۳ به آپارتاید جنسیتی پایان دهید. |

^۴ اظهارات معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد به رسمیت شناختن طالبان واکنش‌هایی را در پی داشت - نیمرخ (nimrokhmedia.com).

^۵ سازمان ملل به زنان خیانت می‌کند (tortoisemedia.com).

با در نظر داشت همه این وقایع، مشخص می‌شود که این برهه از زمان به منظور استفاده از حرکت مثبت چند ماه اخیر، در زمینه شناخت مفهوم آپارتاید جنسیتی مهم و حیاتی است. باید سعی گردد تا از چارچوب آپارتاید به عنوان ابزاری برای جلوگیری از هر گونه تلاش جهت عادی سازی طالبان استفاده شود و این در حالی است که آنها تبعیض نهادینه شده و سیستماتیک علیه زنان افغان و سایر موارد نقض فاحش حقوق بشر را اعمال می‌کنند. مهم‌تر از همه امیدوارم که چهارچوب آپارتاید جنسیتی بتواند راه مؤثری برای حمایت از افغان‌هایی که جان و امنیت خود را در راستای تحقق برابری زنان در خط مقدم [در مقابل طالبان] به خطر می‌اندازند، عرضه نماید. به منظور ارائه یک پاسخ اصولی و موثر، جامعه بین المللی باید حداقل بخشی از جرأت خود را تبارز دهد.

کریمه بنون

۱۶ می ۲۰۲۳

|

پیشگفتار مترجم

خداوند را بی‌نهایت سپاسگزارم که بار دیگر توفیق حاصل شد تا با ترجمه یک اثر گران‌سنگ و بارزش در خدمت مردم و جامعه باشم. در عصر شکوفایی تکنولوژی، اینترنت و هوش مصنوعی که جهان به یک دهکده کوچک تبدیل شده و هیچ اتفاقی به‌دور از لنز دوربین‌ها و پرده نمایش مخفی نمی‌ماند، گروه طالبان با نادیده‌گرفتن حقوق تمام جمعیت کشور، خصوصاً از حیث برابری جنسیتی، جوامع و قوانین بین‌المللی را به تمسخر گرفته است.

کتاب حاضر تحت عنوان «تعهد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی در افغانستان»، حاصل تلاش شباروزی و خستگی ناپذیر خانم کریمه بنون استاد حقوق در دانشگاه میشیگان است که در مقابله با تبعیض سیستماتیک جنسیتی طالبان، این گروه تندرو اسلامی تألیف گردیده است.

نگاه اجمالی به برخی از ویژه‌گی‌های این کتاب:

شخص مناسب، در زمانی مناسب و اقدامی مناسب

پروفسور کریمه بنون با دانش عالی حقوقی، با ترکیبی از سال‌ها تجربه تدریس، تألیف آثار و مقالات متعدد در نشریات پژوهشی، فعالیت‌های علمی و اجرای وظایف متعدد حقوقی در سطح سازمان‌های بین‌المللی و عفو بین‌الملل و... با همه این اوصاف وی بهترین شخص برای تألیف چنین کتاب محسوب می‌شود.

در زمانی که تقریباً تمام دنیا فقط نظاره‌گر اعمال ضدانسانی و ضدبشریت گروه طالبان است و خلاء قانونی موجود در سیستم حقوق بین‌المللی مانع اقدامات و واکنش‌های مناسب حقوقی بین‌المللی می‌شود، اقدام به تألیف این اثر رمق تازه‌ای به روح سیستم حقوقی بین‌المللی بخشیده است.

این کتاب با استنباط دلایل قانونی و حقوقی مستدل از متن قوانین بین‌المللی، به اثبات، توجیه و ارائه پیشنهاد راه‌هایی برای انتقال چهارچوب قانونی آپارتاید نژادی به بافت آپارتاید جنسیتی می‌پردازد و این را تنها راه ممکن برای مقابله مؤثر با سوءاستفاده‌های سیستماتیک طالبان می‌داند.

روحیه مبارزه و خستگی ناپذیر نویسنده

همه‌انگهی، کمپین و ایجاد یک موج عظیم در سطح قوانین بین‌المللی و مبارزه با تبعیض سیستماتیک و آپارتاید جنسیتی کار ساده‌ای نیست، بر علاوه دانش و تجربه کافی مستلزم یک روح قوی و خستگی ناپذیر است. چنانچه در بخش یادداشت ۳۶۱ این کتاب وی اشاره داشته که در گذشته یک پدربزرگ و دو عموی خود را در راه مبارزه با استعمار از دست داده و پدرش هم در این راه زندانی و شکنجه شده است.

منابع و لینک پرما (Permalink)

تقریباً ۵۰ درصد محتویات این کتاب را پانوشته‌ها، منابع و مآخذ تشکیل می‌دهد که در آن استفاده از لینک پرما (Permalink) که پیوند دائمی با وبسایت‌ها را فراهم می‌نماید، بر اعتبار و غنای این اثر از لحاظ تحقیقات آکادمیک و علمی افزوده است.

ترجمه مناسب برای مخاطبین هر دو زبان فارسی و فارسی دری

از آن جایی که بخش قابل توجهی از مخاطبین این اثر را فعالان جامعه مدنی، زنان مدافع حقوق بشر، ژورنالیستان، اساتید دانشگاه، حقوق دانان، نمایندگان، سیاسیون، نخبگان و قشر روشنفکر جامعه افغانستان تشکیل می‌دهد، بنابراین ایجاب می‌نماید تا در کنار واژه‌های فارسی از اصطلاحات رایج در فارسی دری مانند: بیانیه دادستان [= قرار څارنوال] و دبیرستان [=لیسه] و... هم استفاده شود. در برخی قسمت‌ها تلاش به عمل آمده تا واژه‌هایی که به هر دو زبان قابل فهم باشد استفاده شود مانند: قاضی به جای دادرس، محکمه به جای دادگاه، جزایی به جای کیفری و...

بر خود لازم می‌دانم تا از انستیتوت محترم مطالعات استراتژیک افغانستان بابت حمایت از ترجمه، چاپ و نشر این اثر گران سنگ قدردانی کرده و از همه کسانی که در راستای تکمیل شدن ترجمه حاضر با بنده همکاری نمودند، اظهار سپاس و امتنان نمایم. از آن جایی که این ترجمه به هیچ وجه از عیب و نقص عاری نخواهد بود، تذکرات و راهنمایی‌های عالمانه دانشمندان و صاحب نظران را با جبین گشاده استقبال نموده و سعی در رفع نواقص و کمبودها خواهم نمود.

به امید اینکه این اثر، مقدمه‌ای برای ایجاد و توسعه قانون بین‌المللی آپارتاید جنسیتی و تأمین برابری جنسیتی نه تنها در افغانستان بلکه برای همه زنان در سراسر جهان باشد.

با احترام

مختار محمدی

۵ ژوئن ۲۰۲۳

تعهد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی در افغانستان

کریمه بنون*

چکیده

از ماه آگوست ۲۰۲۱، زمانی که طالبان به قدرت بازگشتند، مانند عملکردشان در دهه ۱۹۹۰، دوباره رژیم آپارتاید جنسیتی را در افغانستان، بر خلاف قوانین بین‌المللی تحمیل کردند. آپارتاید جنسیتی به طور فراگیر تبعیض‌آمیز بوده و مشکلات حقوق بشری خاصی را ایجاد می‌کند که نیاز به واکنش‌های ویژه و جدی دارد. نظام حکومتی مبتنی بر فرودستی زنان، تبعیض جنسیتی را در زیرساخت‌های سیاسی، قانونی و فرهنگی دولت نهادینه می‌کند که این امر مستلزم استراتژی‌های متقابل متفاوتی است.

این کتاب ساختار مفهومی را برای تحلیل و پاسخ به این جنبه از بحران کنونی افغانستان پیشنهاد می‌کند. مشخصاً، چهارچوب حقوقی قدرتمند بین‌المللی که برای پایان دادن به آپارتاید نژادی کمک کرد، باید فوراً برای رسیدگی به آپارتاید جنسیتی در افغانستان و هماهنگ نمودن واکنش‌های سایر کشورها نسبت به آن، تطبیق داده شود.

* کریمه بنون (Karima Bennoune)، استاد حقوق در دانشکده حقوق دانشگاه میشیگان است. او از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱، به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق فرهنگی فعالیت کرد. وی در سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۵ وظیفه حقیقت‌یابی برای سازمان عفو بین‌الملل در مناطق مختلف افغانستان انجام داد و همچنان در سال ۲۰۱۱ در حد توان شخصی خود در همین راستا فعالیت نمود. او از مگا بات، جیمز براون، هانا چو، کیتی کرافورد، مک‌کنزی دویچ، لوئیز وارجائو فیلهو، آلیسون فلمینگ، سارا گمبل، آلیسون لیم، آلتاموش سعید و آناون هرمان، بابت کمک‌های تحقیقاتی عالی‌شان تشکر می‌کند. علاوه بر این، وی از تمام مدافعان حقوق بشر افغان که با او صحبت کردند، قدردانی می‌کند. پنه لویه اندروز، مورین کارول، نیکلاس کورنل، دنیل کرین، استیفن فریور، فلیس گار، لیزا گورملی، مونیکا حکیمی، کاترین مک‌کینون، الهام مانع، آن مایر، جولیان مورتنسون، پراگنا پاتل، لیزا پرویت، استیون راتنر، متیوس ریمن، مایکل ریسمن، هنری ج. ریچاردسون سوم، گیتا ساگال، ماریز تادروس و کریستینا ویتمن، همگی سخاوتمندانه نظریات مفیدی ارائه کردند که او از این بابت سپاسگزاری می‌کند. همچنین از مری آنه کیس، تام گینزبورگ و شرکت‌کنندگان در کارگاه آموزشی تنظیم خانواده، روابط جنسی و جنسیت دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو به خاطر ارائه نظریات سازنده‌شان تقدیر می‌کند. |

سه استدلال عمده و اساسی با توجه به این رویکرد وجود دارد: (۱) برای اجرای تعهدات حقوقی بین‌المللی کشورها در قبال تبعیض جنسیتی مندرج در تمامی اسناد منشور بین‌المللی حقوق بشر و همچنین به منظور تحقق هدف مشخصی که در اسناد اهداف توسعه پایدار، برای دستیابی به برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰ تأیید کرده‌اند. (۲) هر موضع دیگری [غیر از این]، منجر به عدم توازن غیرقابل قبول در شیوه اجرای حقوق بین‌الملل در مورد تبعیض بر اساس جنسیت و نژاد می‌شود. (۳) این تنها راه ممکن برای مقابله مؤثر با سوءاستفاده‌های سیستماتیک طالبان است؛ چرا که این گروه عمیقاً متعهد به نقض حقوق زنان بوده و قبلاً توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تحریم شده است. چنین رویکردی امکانات جامعه جهانی را برای محدود کردن طالبان به کار می‌گیرد و بهترین امید برای اطمینان از اعتبار، مشروعیت و اثرگذاری واکنش‌های حقوقی بین‌المللی است.

فهرست مطالب

مقدمه	۴
I. معیارهای جهانی برای «پایان دادن به انحصار قدرت سیاسی سفید پوستان»: قانون بین‌المللی ضد آپارتايد ۱۷	
II. «انسانیتی کمتر از مردان»: آپارتايد جنسیتی و حقوق بین‌الملل	۲۳
الف. تعریف آپارتايد جنسیتی	۲۳
ب. «ناهنجار از دیدگاه حقوق بشر»: مخالفت اولیه با آپارتايد جنسیتی	۲۶
ج. آپارتايد جنسیتی در افغانستان	۲۹
۱. حکومت طالبان، دوره اول: ۱۹۹۶-۲۰۰۱	۲۹
۲. حکومت طالبان، دوره دوم: آگوست ۲۰۲۱ تاکنون	۳۳
۳. ارزیابی‌های زنان مدافع حقوق بشر افغان: «شروع از صفر با دستان خالی»	۴۱
د. واکنش دولت‌ها در قبال اعمال آپارتايد جنسیتی طالبان	۴۴
ه. نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به آپارتايد جنسیتی پاسخ می‌دهند	۴۸
و. درنظر گرفتن استدلال‌های متقابل و استراتژی‌های جایگزین	۵۱
ز. فواید امروزی رویکرد آپارتايد جنسیتی	۵۶
III. تبعیض جنسیتی و نژادی در حقوق بین‌الملل	۵۹
الف. «اعتقاد... به حقوق برابر زن و مرد» در حقوق بین‌الملل	۶۰
ب. سلسله‌مراتبی از تبعیضات؟	۶۴
IV. عدم پذیرش توجیهات نسبی‌گرایی فرهنگی برای آپارتايد جنسیتی	۶۹
الف. آیا فرهنگ افغانستان تبعیض علیه زنان را توجیه می‌کند؟	۶۹
ب. نسبی‌گرایی فرهنگی در مقابل حقوق فرهنگی	۷۲
V. استراتژی‌های تفسیری قواعد بین‌المللی برای مقابله با آپارتايد جنسیتی	۷۹
نتیجه‌گیری: «آپارتايد آینده‌ای ندارد»	۸۳

مقدمه

«طالبان به عنوان یک گروه آپارتاید جنسیتی شناخته شده‌اند. در قرن بیست و یکم فضایی برای هیچ نوع آپارتاید، از جمله آپارتاید جنسیتی وجود ندارد.»

حوریه مصدق

پژوهشگر سابق سازمان عفو بین‌الملل در افغانستان

و بنیان‌گذار شبکه قربانیان جنگ^۱

«اگر دولتی مایل نیست تا نیمی از جمعیت را به رسمیت بشناسد، ما هم باید تمایلی برای به رسمیت شناختن آنها نداشته باشیم. اگر همین محدودیت‌ها در قبال مردان یا بر اساس نژاد اعمال می‌شد، چه می‌کردیم؟»

شهرزاد اکبر

رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان^۲

امروز جهان شاهد تحمیل مجدد آپارتاید جنسیتی توسط طالبان، در افغانستان است.^۳ این کتاب توضیح می‌دهد که چرا جامعه بین‌المللی از نظر قانونی موظف است بیش از مشاهده صرف، اقدام نماید.

^۱ مصاحبه [از طریق نرم‌افزار] زوم با حوریه مصدق Horia Mosadiq؛ پژوهشگر سابق سازمان عفو بین‌الملل در افغانستان و بنیان‌گذار شبکه قربانیان جنگ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۱). |

^۲ مصاحبه [از طریق نرم‌افزار] زوم با شهرزاد اکبر Shaharзад Akbar، رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۱). |

^۳ متون قدیمی حقوق بین‌الملل حقوق بشر، از جمله کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW)، زمانی که آماده گردید (دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰) برای دهه‌ها با تأکید بر مقوله‌های بیولوژیکی زن و مرد مطابق با دیدگاه‌های رایج، همگی آن‌ها تبعیض بر اساس «جنسیت» را ممنوع کردند. مراجعه کنید به: قطعنامه A (III) 217 مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸) [از این پس به اختصار UDHR]؛ ماده اول میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده برای امضاء در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، سند اجرایی مجلس سنا، E, 95-2, 999 U.N.T.S. 171, 173 (از ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم الاجرا شد) [از این پس به اختصار ICCPR]؛ ماده اول کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ماده برای امضاء در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، سلسله معاهدات سازمان ملل متحد شماره 1249 U.N.T.S. 13, 14-16 (از ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم الاجرا شد) [از این پس به اختصار CEDAW]. از دهه ۱۹۹۰، استفاده فزاینده‌ای در اصطلاح حقوق بشری از «جنسیت» برای تأکید بر ساختار اجتماعی جنسیت صورت گرفته است. چنین استفاده‌هایی از «جنسیت» معانی جامعه‌شناسی مرد یا زن بودن، تمرکز دارد. به عنوان مثال، کنوانسیون ۲۰۱۱ استانبول، با الفاظی که توسط پژوهشگران حقوق بین‌الملل فمینیستی مانند کریستین چینگین تایید می‌شود، تصریح می‌کند که «جنسیت» به معنای نقش‌ها، رفتارها، فعالیت‌ها و ویژگی‌های ساخته‌شده اجتماعی است که یک جامعه معین برای زنان و مردان مناسب می‌داند. ماده ۳ کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، ماده برای امضاء در ۱۱ می ۲۰۱۱، C.E.T.S. شماره ۲۱۰ (از اول آگوست ۲۰۱۴ لازم الاجرا شد). با توجه به چنین توسعه‌ای در تعاریف، این کتاب از اصطلاح «آپارتاید جنسیتی»، (اصطلاح تخصصی در برخی از نوشته‌های فمینیستی)، به منظور تشریح پروژه‌های قانونی-اجتماعی که با هدف اعمال تبعیض جنسی سیستماتیک علیه زنان از طریق تفکیک و تمایز صورت

دعوی فمینیستی برای به رسمیت شناختن و پاسخ به آپارتاید جنسیتی در اولین باری که طالبان قدرت را به دست گرفت، مطرح شد^۴؛ اما وضعیت حقوقی بین‌المللی مرتبط، چنین نبود و این سهم ویژه‌ای است که این کتاب می‌خواهد انجام دهد.

با مشاهده سوابق ننگین گروه طالبان و اعلامیه‌های نقض‌کننده حقوق، می‌توان به ماهیت زیان‌بار حکومت آن‌ها در مورد حقوق بشر زنان اشاره و تصریح کرد. با این حال، روند خطرناک بین‌المللی برای کوچک‌شمردن این سوءاستفاده‌ها و عادی‌سازی فزاینده طالبان توسط برخی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی وجود دارد که بسیاری از افغان‌ها بیم دارند که این گروه بدون احراز شرایط حقوق بشر به رسمیت شناخته شود.^۵ بنابراین، باید ماهیت ایدئولوژی و شیوه‌های طالبان را بیان کرد، همان‌طور که این اثر در پی آن است. واقعیت ذیل به تنهایی، ضرورت ایجاد یک واکنش مؤثر بین‌المللی را بیان می‌کند: چنانچه مدافعان زنان افغان تأکید دارند، سازمانی که به طور کنایه‌آمیزی «دانشجویان [=طالبان]» نامیده می‌شوند، تنها گروه حکومتی در جهان است که اکثر زنان و دختران را به طور سیستماتیک از تحصیل در قلمرو تحت کنترل خود در اواخر قرن ۲۰ و اکنون در اوایل قرن ۲۱ محروم کرده است.^۶

می‌گیرد، استفاده می‌کند. واضح است که امروزه «جنسیت» معانی وسیع‌تری نیز دارد. به عنوان مثال، ویکتور مادرینگال بولوز (کارشناس مستقل حفاظت در برابر خشونت و تبعیض بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی) گزارش در مورد قانون شمولیت، (U.N. Doc. A/HRC/47/27 (June 3, 2021) |

^۴ به یادداشت‌های زیر ۹۵-۱۰۳ و متن ضمیمه آن مراجعه کنید.

^۵ مراجعه کنید به: طالبان ملاقات اسلو را «فی نفسه» یک موفقیت می‌دانند، EURACTIV (۲۵ ژانویه، ۲۰۲۲) <https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/taliban-hail-oslo-meet-as-> (success-in-itself/ [https://perma.cc/AA96-Z6FQ] (گزارش در مورد گفتگوهای طالبان و دیپلمات‌های ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، اتحادیه اروپا و ناروی)؛ بیانیه مشترک، سازمان VOICE و کمپین حمایت از زنان افغان، زنان افغان باید در مرکز همه گفتگوهای صلح آینده باشند. (۲۶ ژانویه، ۲۰۲۲)، <https://voiceamplified.org/afghan-women-peace-talks/> [https://perma.cc/YT4G-7F9A] (ایجاب می‌کند که جامعه بین‌الملل از طالبان بخواهد تا مجموعه‌ای از اقدامات را برای تضمین حقوق بشر زنان به عنوان پیش‌نیاز مذاکرات صلح آینده انجام دهد).

^۶ به یادداشت‌های زیر ۱۱۰-۱۱۳، ۱۴۲-۱۴۳ و متن همراه مراجعه کنید. برخی از دانشگاه‌ها بنا به گزارش‌ها با پیشنهادها تفکیک جنسیتی برای زنان بازگشایی شده‌اند، اگرچه مدافعان حقوق زنان از آزار و اذیت دانشجویان زن به دلیل پوشش آن‌ها گزارش می‌دهند و نگران این هستند که این دانشگاه‌ها دوباره تعطیل شوند. احسان پوپلزی، بازگشایی دانشگاه‌های افغانستان به روی دانشجویان دختر اما با قوانین سخت‌گیرانه در مورد اختلاط، CNN (۳ فوریه، ۲۰۲۲) <https://www.cnn.com/2022/02/03/asia/afghanistan-women-university-students-intl-> (hmk/index.html [https://perma.cc/AYK3-9YVR] پیگیری در مصاحبه تلفنی (۲) با زبیده اکبر، مسئول برنامه، Freedom Now (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲). همچنین مراجعه کنید به بحران آموزش افغانستان تحت حکومت طالبان، <https://giwps.georgetown.edu/> (۸ فوریه، ۲۰۲۲) GEO. INST. FOR WOMEN, PEACE & SEC event/afghanistans-education-crisis-under-the-taliban-ensuring-access-for-women/ [https://perma.cc/Y9DH-ZMKZ] طالبان مدعی شدند که مدارس برای برخی از دختران در بهار ۲۰۲۲ باز

حقوق بین‌الملل حرف چندان مؤثری برای گفتگوی مستقیم به بازیگرانی مانند طالبان که نشان‌دهندهٔ طرد آن‌ها باشد ندارد، این در حالی است که رهبری آنان از قبل در فهرست تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود داشت.^۷ یکی از تنها ابزارهای باقی‌مانده تغییر این است که دولت‌ها آن‌گونه که به ظاهر نسبت به حقوق و برابری متعهد شده‌اند، به سیاست‌های طالبان واکنش نشان دهند و این کار را مطابق با تعهدات حقوقی بین‌المللی خود انجام دهند.^۸

خواهند شد، اما این اتفاق نیفتاد. عدم بازگشایی مدارس دختران از سوی طالبان، به طور غیرقابل جبران بر آینده آن‌ها تأثیر می‌گذارد، عفو بین‌الملل (۲۸ مارس، ۲۰۲۲).

<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2022/03/afghanistan-talibans-backtrack-on-school-re-opening-for-girls-irreversibly-impacts-their-future/> [https://perma.cc/4AK6-TU2V].

^۷ تندروها در دولت جدید طالبان پست‌های کلیدی را دریافت می‌کنند، بی‌بی‌سی نیوز (۷ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.bbc.com/news/world-asia-58479750> [https://perma.cc/NLL7-XSV4]) هر دو «نخست‌وزیر» و «وزیر داخله» موقت در فهرست تحریم‌های قطعنامه ۱۹۸۸ شورای امنیت سازمان ملل هستند. محمدحسن آخوند، شورای سازمان ملل متحد (۴) آگوست ۲۰۱۴، <https://www.un.org/securitycouncil/sanctions/1988/materials/summaries/individual-mohammad-hassan-akhund> [https://perma.cc/E43R-NDNE]) سراج‌الدین جلال‌الدین حقانی، شورای سازمان ملل متحد (۱۳) سپتامبر ۲۰۰۷، <https://www.un.org/securitycouncil/sanctions/1988/materials/summaries/individual-sirajuddin-jallaloudine-haqqani> [https://perma.cc/7LXN-XWKZ]) این تحریم‌ها شامل مسدود شدن دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و تحریم تسلیحاتی است، قطعنامه ۱۹۸۸ شورای امنیت (۱۷ ژوئن ۲۰۱۱). طالبان در ابتدا در کنار القاعده بر اساس قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت تحریم شدند. (۱۵ اکتبر ۱۹۹۹). روش‌های تحریم برای این دو گروه در سال ۲۰۱۱ ظاهراً برای تسهیل مذاکرات با طالبان از هم جدا شدند. قطعنامه ۱۹۸۹ شورای امنیت (۱۷ ژوئن ۲۰۱۱). برای تحولات اخیر مراجعه کنید به: دینپنجان روی چاودری، همهٔ چشم‌ها به سوی اعلام تحریم‌های سازمان ملل بر رهبران ارشد طالبان، ECON. TIMES، (۲۲) آگوست ۲۰۲۱، <https://economictimes.indiatimes.com/news/india/all-eyes-on-un-sanctions-panels-moves-on-talibans-top-leaders/articleshow/85519099.cms?from=mdr> [https://perma.cc/3KCD-PMYW]) گروه‌های حقوق بشر خواستار توقف معافیت تحریم سفر آن عده از رهبران طالبان که در نقض حقوق زنان دست داشتند، شدند. عفو بین‌الملل، مرگ تدریجی: زنان و دختران تحت حکومت طالبان، AI Index ASA 11/5685/2022 94 (۲۷ جولای ۲۰۲۲) این معافیت‌ها به دلیل موضع اصولی ایرلند تمدید نشد. سازمان ملل به معافیت‌های ممنوعیت سفر طالبان پایان داد، DW، (۲۰) آگوست ۲۰۲۲ <https://www.dw.com/en/un-fails-to-reach-deal-to-extend-taliban-travel-ban-exemptions/a-62873851> [https://perma.cc/BX8S-LJWQ]

^۸ برخلاف این دیدگاه، هیران جو Hyeran Jo، دانشمند علوم سیاسی، استدلال می‌کند که طالبان (همراه با برخی دیگر از گروه‌های مسلح اسلام‌گرا) «مشروعیت خواه» هستند و بنابراین، انطباق آن‌ها با معیارهای بین‌المللی، حداقل به میزان کمی، می‌تواند از طریق تعامل مستقیم تغییر کند. هیران جو، شورشیان سازگار: گروه‌های شورشی و حقوق بین‌الملل در سیاست جهانی ۲۶۹-۲۷۲ (۲۰۱۵). با این حال، مثال‌هایی که او ارائه می‌کند، نشان می‌دهد که طالبان به اکثر تعهدات

از این رو، این اثر به دنبال ارائه ساختار مفهومی برای نزدیک شدن به این موضوع مورد اختلاف و تجویز آنچه نظام حقوقی بین‌المللی می‌تواند انجام دهد، است. با انجام این کار، تعهد حقوقی بین‌المللی سایر دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی را پیش‌بینی می‌کند تا با چنین پروژه‌ای شریک نشوند، زیرا این امر به منزله آپارتاید و جنایتی بین‌المللی است. چنین تحقیقی می‌تواند درک ما را از آنچه استیون راتنر به عنوان «وظیفه خودداری از... نزدیک شدن بیش از حد به رفتارهای نفرت‌انگیز» توصیف می‌کند، به نحو مؤثری گسترش دهد.^۹ بنابراین، قوانین بین‌المللی حقوق بشر می‌تواند پاسخ‌های احترام‌آمیز به حقوق را از سوی سایر دولت‌ها و جامعه بین‌المللی که ادعا می‌کنند به حقوق بشر احترام می‌گذارند و ارزش قائل‌اند، تقویت کند. اعلامیه‌های بین‌المللی حقوق و برابری، بدون اقدام عملی متناسب، پروژه حقوق بشر زنان را بی‌اعتبار می‌کند. زمانی که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان مثال: با فرستادن هیأت کاملاً مردانه به کابل، شروع به مشارکت در آپارتاید می‌کنند، این تأثیر نمایان‌تر می‌شود.^{۱۰} اتحاد جماهیر شوروی (در سال ۱۹۷۹) و ایالات متحده (در سال ۲۰۰۱) ادعای حمایت از حقوق زنان را به عنوان یکی از توجیهات استفاده از زور، در افغانستان داشتند، درحالی‌که دلایل دیگری هم برای مداخله [نظامی] داشتند.^{۱۱} ادعاهایی که برخی از آن انتقاد کرده‌اند،^{۱۲} اکنون این حقوق در تصمیم‌گیری‌ها، برای قدرت‌های جهانی اولویت ندارند.

وقتی در نظر می‌گیریم که چگونه دولت‌ها را در قبال واکنش‌هایشان به رژیم طالبان پاسخگو بدانیم، با کمبود معیارهای مربوط به مسئولیت دولت دوم، در خود قواعد بین‌المللی حقوق بشر مواجه می‌شویم.^{۱۳}

خود پایبند نیستند و هرگونه تغییری که انجام می‌شود احتمالاً در مورد موضوعاتی (مانند تجهیزات نظامی) است و برخلاف موضوع فرودستی زنان، در دستور کار طالبان قرار ندارد.

^۹ استیون راتنر (Steven Ratner)، مشارکت و سازش در قانون ملت‌ها، 10 CRIM. L. & PHIL. 559, 568 (2016).

^{۱۰} برای مشاهده همه عکس‌های این گردهمایی‌ها [اعم از زن و مرد]، شامل بیش از ۱۲ دولت و همچنین آژانس‌های سازمان ملل متحد و سازمان‌های امدادی معتبر، مراجعه کنید به: هیدر بار (heatherbarr1@) توییت (۵ اکتبر ۲۰۲۱، ۱۱:۲۱ بعدازظهر)، (<https://twitter.com/heatherbarr1/status/1445635293873205254?s=20>) ([<https://perma.cc/H4UU-3LWA>])

^{۱۱} رودریک بریث وایت (RODRIC BRAITHWAITE)، AFGANTSY: روس‌ها در افغانستان، ۱۹۷۹-۸۹، ۱۲۳ (۲۰۱۲).

^{۱۲} مراجعه کنید به جنین ریچ Janine Rich، «نجات» زنان مسلمان: فمینیسم، سیاست ایالات متحده و جنگ علیه ترور، INT'L AFF REV، پاییز ۲۰۱۴ (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا).

^{۱۳} رویکرد کلاسیک به مسئولیت حقوق بشر یک دولت، صرفاً بر منطقه «در قلمرو خود و تابع صلاحیت آن» متمرکز است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، یادداشت فوق ۳، ماده ۲. مایکل دنیس، کاربرد معاهدات حقوق بشر به صورت فراسرزمینی در زمان درگیری‌های مسلحانه، 99 AM. J. INT'L L. 119 (2005). حتی رویکردهای گسترده به «کنترل مؤثر» و «کنترل کلی» به دلیل «تعصب قلمرویی» در قوانین بین‌المللی حقوق بشر بسیار محدود و

قواعد حقوق بین‌الملل عمومی مندرج در «پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها»، در مورد این نوع مسئولیت، دولت دوم صرف محدود به پاسخ در قبال نقض قواعد آمره، بالاترین سطح قواعد در حقوق بین‌الملل است.^{۱۴} کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود این قواعد آمره را شامل «تبعیض نژادی و آپارتاید» برمی‌شمرد، اما هیچ اشاره خاصی به تبعیض جنسیتی نمی‌کند.^{۱۵}

با توجه به این خلأ، مفهوم آپارتاید جنسیتی نه تنها علاوه بر توصیفی واقعی و دقیق همراه با لکه ننگ، یک مکانیسم اساسی نیز برای ایجاد برخی مسئولیت‌های قانونی جهانی به خاطر بازگشت دوباره طالبان به قدرت - که یک فاجعه فراملی بود - ارائه می‌کند. به گفته شهرزاد اکبر، رئیس پیشین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، چهارچوب آپارتاید جنسیتی می‌تواند یک «ابزار بسیج نیرومند» باشد.^{۱۶}

هنگامی که کابل در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱ به دست طالبان افتاد، بسیاری از دست‌آوردهای مهم و حیاتی زنان افغان که در طی بیست سال برجامانده بود، در عرض چند هفته از بین رفت.^{۱۷} امروز در افغانستان، مقامات فعلی طالبان^{۱۸} هم جدایی جنسیتی و هم محرومیت زنان را با عواقب وخیم حقوق

مشروط است که در اینجا مفید نیست. جانا وسلز، مرزهای جهانی بودن - زنان مهاجر و خشونت خانگی در برابر محکمه استراسبورگ، ۳۷ NETHERLANDS Q. HUM. RTS. 336, 336-58 (۲۰۱۹).

برای بررسی مفید معیارهای مشارکت در حقوق بین‌الملل، مراجعه کنید به راتنر، یادداشت فوق ۹. «حقوق بین‌الملل هیچ معیار یا اصول منسجمی را مبنی بر اینکه چه زمانی یک دولت موظف است از اعمال شیطانی دیگران جلوگیری کند و نه این که این تعهد از نظر رفتار مورد نیاز دولت‌ها چقدر قاطعانه خواهد بود، نشان نمی‌دهد.» همان، ص ۵۶۹. با این حال، راتنر خاطرنشان می‌کند که «دولت طبق قوانین بین‌المللی موظف است جلوی آسیب‌های خاص را بگیرد، حتی اگر ارتباطش با آن‌ها از استاندارد قانونی که دولت را مستقیماً مسئول اعمال می‌داند، فاصله زیادی داشته باشد.» همان، ص ۵۷۰. هیچ یک از موقعیت‌های فهرست‌شده که در آن چنین وظایفی ایجاب می‌شود، مشابه الگوی واقعی مورد بحث در این کتاب نیست.

^{۱۴} پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال نادرست بین‌المللی، همراه با تفسیر، [۲۰۰۱] ۲ Y.B. Int'l L. Comm'n 63, U.N. Doc. A/CN.4/SER.A/20021/Add.1 [از این پس پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها].

^{۱۵} همان، ماده ۴۰ ¶ ۴، پیش‌نویس مواد پس از قرائت اول و دوم از ۱۹۵۵-۱۹۹۶ و ۱۹۹۸-۲۰۰۱ به تصویب رسید. هیچ زنی از هیچ کشوری تا سال ۲۰۰۱ در کمیسیون حقوق بین‌الملل تعیین نشده است. میگل د سرپا سوارس، معاون دبیر کل در امور حقوقی و مشاور حقوقی سازمان ملل متحد، سخنان افتتاحیه در میزگرد در مورد دستیابی به برابری جنسیتی در کمیسیون حقوق بین‌الملل: هفت زن در هفتادسال (۲۴ می ۲۰۱۸)،

https://legal.un.org/ola/media/info_from_lc/mss/speeches/MSS_ILC70_gender_side_event-24-May-2018.pdf [https://perma.cc/7H5K-URGE]

^{۱۶} مصاحبه زوم با شهرزاد اکبر، یادداشت فوق ۲.

^{۱۷} در مورد دکتترین عدم واپس‌گرایی در قوانین حقوق بشر، منع «گام‌های رو به عقب در حمایت از حقوق بشر» توسط مقامات، مراجعه کنید به: بن تی سی. وارویک، بازگشایی پسرقت: بررسی عملکرد کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، (2019) HUM. RTS. L. REV. 467, 467.

^{۱۸} «مقامات فعلی طالبان» یا ساده‌تر «مقامات بالفعل»، اصطلاحی است که در حال حاضر توسط سازمان ملل استفاده می‌شود. به معاونت عالی سازمان ملل برای حقوق بشر مراجعه کنید، به روزرسانی شفاهی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد (۱۴ دسامبر ۲۰۲۱) (<https://www.ohchr.org/>)

بشری اعمال می‌کنند.^{۱۹} طبق گزارش‌ها، قوانین حمایت از حقوق زنان که در اثر کار و تلاش مخاطره‌آمیز زنان مدافع حقوق بشر و زنان اصلاح‌گر قانون،^{۲۰} طی ۲۰ سال گذشته تصویب شده بود، لغو شدند.^{۲۱} نهادهایی که زنان برای حمایت از حقوق خود ساخته‌اند، برچیده شد. وزارت امور زنان به وزارت امر به معروف و نهی از منکر تبدیل شد.^{۲۲} امدادگران مرد نمی‌توانند وارد چادرها در کمپ‌ها شوند؛ چراکه ۸۰

-
- en/statements/2021/12/oral-update-situation-human-rights-afghanistan
[https://perma.cc/Q2T3-E88L] (از این پس به‌روزرسانی شفاهی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان).
- ^{۱۹} به عنوان مثال: یک دختر ۱۶ ساله در ۸ دسامبر ۲۰۲۱، در حالی که یکی از مقامات طالبان ممنوعیت تحصیل در دبیرستان [=لیسه] برای دختران را تایید کرد، به بی‌بی‌سی گفت: «محرومت از تحصیل مانند مجازات اعدام است.» هوگو ویلیامز و علی همدانی، *افغانستان: دختران با ممنوعیت تحصیل دوره متوسطه توسط طالبان ناامید شدند*، اخبار بی‌بی‌سی (۸ دسامبر ۲۰۲۱)، (https://www.bbc.com/news/world-asia-59565558)
- [https://perma.cc/N9ZY-2NXZ]
- ^{۲۰} تفسیر اعلامیه سازمان ملل متحد در مورد مدافعان حقوق بشر از اصطلاح «مدافعان حقوق بشر زنان» برای اشاره به هر کسی استفاده می‌کند که «به صورت فردی یا همراه با دیگران، برای ترویج یا حمایت از حقوق بشر، از جمله حقوق زنان، اقدام می‌کنند ... همچنین ... مسائل جنسیتی عموماً بیش‌تر». گزارشگر ویژه در مورد وضعیت مدافعان حقوق بشر، سازمان ملل متحد، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، *تفسیر اعلامیه حقوق و مسئولیت افراد، گروه‌ها و ارگان‌های جامعه برای ترویج و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به رسمیت شناخته‌شده جهانی*، U.N. Doc. A/RES/53/144، ۷ (جولای ۲۰۱۱) (https://www.ohchr.org/sites/default/files/ Documents/Issues/Defenders/CommentarytoDeclarationondefendersJuly2011.pdf)
- [https://perma.cc/XHN7-PW84] (بنیادگرایی‌های مذهبی متنوع مشکلات خاصی را برای مدافعان حقوق بشر زنان ایجاد می‌کنند و به ویژه برای مقابله خطرناک هستند. کاساندرای بالچین، نهادهایی برای حقوق زنان در توسعه، تواردسا، به سوی آینده‌ای بدون بنیادگرایی: تحلیل راهبردهای بنیادگرایانه مذهبی و پاسخ‌های فمینیستی (۲۰۱۱).
- ^{۲۱} میرا پاتل Mira Patel، توضیح داد: طرح طالبان برای تصویب «موقت» بخش‌هایی از قانون اساسی ۱۹۶۴؛ معنای آن چه می‌تواند باشد، THE INDIAN EXPRESS (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱)، (https://indianexpress.com/article/explained/taliban-plan-to-temporarily-adopt-parts-of-1964-constitution-what-it-could-mean-7542412/ [https://perma.cc/5FKD-9WSM])
- ^{۲۲} فرود بیژن Frud Bezhan، پناهگاه‌های زنان افغان تحت حکومت طالبان تخریب می‌شوند، گندهارا (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱)، (https://gandhara.rferl.org/a/afghanistan-taliban-women-shelters-) (disappearing/31477947.html [https://perma.cc/N965-UXUL])

درصد از میلیون‌ها آواره، زنان و دختران هستند.^{۲۳} زنان از محل کار خود به خانه فرستاده می‌شوند^{۲۴} و در نتیجه درآمد ضروری و مایحتاج برای تغذیه خانواده خود را در میانه یکی از بدترین بحران‌های بشردوستانه در جهان از دست می‌دهند.^{۲۵} بیش‌تر دختران بالای کلاس ششم ممکن است به مدرسه نروند.^{۲۶} تحصیلات دانشگاهی در صورت وجود، تفکیک شده است.^{۲۷}

^{۲۳} پیگیری توسط مصاحبه تلفنی دوم با زبیده اکبر، یادداشت فوق ۶، تأثیر این امر به ویژه زمانی که امدادگران زن قادر به کار نیستند شدیدتر می‌شود. *افغانستان: طالبان امدادگران زن را از کار منع کردند*، دیدبان حقوق بشر (۴ نوامبر ۲۰۲۱) (<https://www.hrw.org/news/2021/11/04/afghanistan-taliban-blocking-female-aid-workers> [<https://perma.cc/6ZFR-3V96>]) در مورد تعداد افراد آواره، مراجعه کنید به: *افغانستان: ۲۷۰ هزار تن تازه آواره شده در سال جاری*، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل هشدار می‌دهد، اخبار سازمان ملل (۱۳ جولای ۲۰۲۱)، (<https://news.un.org/en/story/2021/07/1095782> [<https://perma.cc/J7YL-Y8XL>])، ۲۷۰ هزار تن افغانان تنها در شش ماه اول سال ۲۰۲۱ آواره شده‌اند، همان. در مورد جنسیت افراد آواره، به بیانیه مطبوعاتی دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد مراجعه کنید. افغانستان: کارشناسان سازمان ملل خواستار اقدام سریع جهانی برای محافظت از حقوق بشر و جلوگیری از «کشتار غیرنظامیان» شدند، (۱۶ آگوست ۲۰۲۱)، (<https://www.ohchr.org/en/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=27384&LangID=E> [<https://perma.cc/6CGB-6T77>]) [از این پس کشتار غیرنظامیان].

^{۲۴} افغانستان: *طالبان به زنان کارگر می‌گویند که در خانه بمانند*، بی‌بی‌سی نیوز (۲۴ آگوست ۲۰۲۱) (<https://www.bbc.com/news/world-asia-58315413> [<https://perma.cc/CBS6-3VG7>])، معاون کمیساریای عالی سازمان ملل در بیانیه‌ای در دسامبر ۲۰۲۱ به مقیاس آسیب‌های ناشی از آن اشاره کرد: «شرکای سازمان ملل تخمین زده‌اند که محدود کردن زنان برای کار می‌تواند به ضرر اقتصادی فوری تا یک میلیارد دلار آمریکا یا تا ۵ درصد کاهش تولید ناخالص داخلی کشور منجر شود ... هر چه بیشتر ... دختران عقب نگه‌داشته شوند و بیش‌تر عقب رانده شوند، آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی برای نسل‌های آینده انباشته خواهد شد.» به‌روزرسانی شفاهی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، یادداشت فوق ۱۸.

^{۲۵} یلدا حکیم، *خاطرات یلدا حکیم: رژیم جدید افغانستان، مقاومت فمینیستی و وحشت از قحطی*، THE NEW STATESMAN (۱ دسامبر ۲۰۲۱)، (<https://www.newstatesman.com/afghanistan/2021/12/yalda-hakims-diary-afghanistans-new-regime-the-feminist-resistance-and-the-horror-of-famine> [<https://perma.cc/P9SW-RKC6>])

^{۲۶} ویلیامز و همدانی Williams & Hamedani، یادداشت فوق ۱۹.

^{۲۷} *طالبان می‌گویند زنان می‌توانند در دانشگاه‌ها با در نظر داشت تفکیک جنسیتی تحصیل کنند*، الجزیره (۱۲ سپتامبر ۲۰۲۱)، (<https://www.aljazeera.com/news/2021/9/12/taliban-say-women-can-study-in-gender-segregated-universities> [<https://perma.cc/REH7-J5TS>]) [از این پس بازگشت دانشجویان افغان]؛ سامیه کولاب Samya Kullab *دانشجویان افغان به دانشگاه کابل برگشتند؛ اما با محدودیت*، ASSOCIATED PRESS (۲۶ فوریه، ۲۰۲۲) (<https://apnews.com/article/afghanistan-education-higher-education-kabul-taliban.e57683e739550cb4a14687a96d5191dc> [<https://perma.cc/R63W-2ZEE>])

گزارش شده است که انتقاد از طالبان، رسماً به جرمی قابل مجازات تبدیل گردیده است.^{۲۸} در این محیط خصمانه، مدافعان حقوق زنان افغان تلاش کرده‌اند تا کار خود را در این زمینه ادامه دهند و تظاهراتی را حتی در زیر باران گلوله انجام دهند، اما فضا برای چنین مخالفتی به‌طور فزاینده‌ای محدود می‌شود.^{۲۹} زنانی که در تظاهرات شرکت می‌کنند و گاه اعضای خانواده‌های آن‌ها، با دستگیری، شکنجه، بدرفتاری و حبس بدون دسترسی به وسایل ارتباطی، مواجه می‌شوند.^{۳۰}

جامعه بین‌الملل موظف است برای مقابله با چنین پسریتی در قبال حقوق زنان قاطعانه واکنش نشان دهد. استفاده از چهارچوب آپارتاید - که بر واکنش‌های سیاست خارجی دولت‌های دوم و جامعه بین‌المللی تأکید دارد - برای توصیف وضعیت، می‌تواند به تحریک چنین واکنش‌هایی کمک کند. با توجه به ماهیت سیستماتیک محرومیت از حقوق، علل فراملی بحران و لاینحل بودن وضعیت، اکنون تمام امکانات و منابع حقوق بین‌الملل باید ارتقاء یافته و به‌طور کامل به کار گرفته شود. این برای افغان‌ها بسیار مهم است، اما برای اعتبار پروژه حقوق بین‌الملل و سیستم سازمان ملل در آینده نیز حیاتی است.

^{۲۸} به عنوان مثال، مراجعه کنید به: فرود بیژن (@FrudBezhan)، توییت (۲۲ جولای، ۲۰۲۲، ۲:۳۹ قبل از ظهر)، <https://twitter.com/FrudBezhan/status/1550387635297947648>)
 [https://perma.cc/5BTC-3PVN]، گزارش می‌دهد که طالبان با صدور فرمان جدیدی انتقاد از رهبران و علمای اسلام را ممنوع کردند. فرود بیژن (@FrudBezhan)، توییت (۲۲ جولای، ۲۰۲۲، ۶:۵۳ قبل از ظهر)، <https://twitter.com/FrudBezhan/status/1550448938788028416>)
 [https://perma.cc/AZ75-UKQQ]، شهرزاد اکبر (@ShaharZadAkbar)، توییت (۲۲ جولای، ۲۰۲۲، ۳:۰۸ قبل از ظهر)، <https://twitter.com/ShaharZadAkbar/status/1550392209991782404>)
 [https://perma.cc/22CG-PR3C]، با انتشار این ماده در دسامبر ۲۰۲۲، طالبان اخیراً اعمال مجازات شرعی را اعلام کرده‌اند. رهبر طالبان دستور مجازات شرعی را صادر می‌کند، اخبار بی‌بی‌سی (۱۵ نوامبر ۲۰۲۲) <https://www.bbc.com/news/world-asia-63624400> (در پرونده بررسی حقوق بشر کلمبیا)
^{۲۹} زیبا صدیقی و پرنیان زمیریالی، اعتراضات برای زنان افغان در میان خطرات و تشریفات اداری سخت‌تر می‌شود، رویترز (۴ اکتبر ۲۰۲۱)، <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/protests-get-harder-afghan-women-amid-risks-red-tape-2021-10-04> [https://perma.cc/S5QK-SPAC]
^{۳۰} مأموریت کمک سازمان ملل متحد در افغانستان، خدمات حقوق بشری، حقوق بشر در افغانستان: ۱۵ آگوست ۲۰۲۱-۱۵ ژوئن ۲۰۲۲، ۲۴-۲۵ (۲۰۲۲)؛ عفو بین‌الملل، یادداشت فوق ۷ ص ۶۸-۷۹. مدافعان حقوق زنان پیشنهاد می‌دهند که نقض شناخته‌شده حقوق زنان، مانند ممنوعیت تحصیل دختران، باید در چهارچوب سایر سوءاستفاده‌های گسترده که اخیراً مستند شده است، درک شود. در میان این آزارهای گزارش‌شده، ناپدید شدن، قتل، شکنجه و بازداشت خودسرانه زنان و مردان، از جمله افرادی است که از اقلیت‌ها هستند یا ادعا می‌شود مرتبط با مقاومت در برابر طالبان هستند.... مأموریت کمک سازمان ملل متحد در افغانستان، خدمات حقوق بشری، حقوق بشر در افغانستان: ۱۵ آگوست ۲۰۲۱-۱۵ ژوئن ۲۰۲۲، ۲۴-۲۵ (۲۰۲۲)؛ عفو بین‌الملل، یادداشت فوق ۷.

این مقاله که به رسم معمول حقوق بین‌الملل فمینیستی نوشته شده است،^{۳۱} از ادبیات آکادمیک و هنجارها و رویه قضایی بین‌المللی در مورد برابری زنان و آپارتاید نژادی و همچنین از یک سلسله

^{۳۱} حقوق بین‌الملل فمینیستی نوعی از علم حقوقی بین‌المللی است که از دهه ۱۹۹۰ رشد کرده است. هیلاری چارلز ورث و کریستین چینکین در مقاله بنیادین خود در سال ۱۹۹۳ در این بخش، *قاعده آمره جنسیت*، اصرار داشتند که «مطالعات جنسیتی باید برای تحلیل قوانین بین‌المللی حقوق بشر اساسی باشد.» هیلاری چارلز ورث و کریستین چینکین، *قاعده آمره جنسیت*، ۱۵. HUM. RTS. Q. 63, 63-76 (1993). این یکی از اصول محوری این گروه از علمای حقوق است. کار آن‌ها در درجه اول بر تحقق وعده‌های حقوق بین‌الملل در مورد جهانی بودن و برابری متمرکز است. «معیارهای اساسی که برای محافظت از افراد طراحی شده‌اند، باید در کاربرد و همچنین لفاظی واقعاً جهانی باشند و برای محافظت از مردان و زنان در برابر آسیب‌هایی که در واقع به احتمال زیاد رخ می‌دهند، عمل کنند. آن‌ها باید حقوق واقعی بشر باشند، نه حقوق مردان.» همان ص ۷۵.

سؤالات اساسی که توسط حقوق بین‌الملل فمینیستی در زمینه حقوق بشر مطرح می‌شود این است که آیا قوانین بین‌المللی حقوق بشر در حال حاضر یا تاکنون جنسیت شمول بوده یا نه و چگونه می‌توان آن را در این زمینه تقویت کرد تا بر خلاف که چارلز ورث و چینکین به عنوان «ناهماهنگی بین تجارب زنان و اصول حقوقی بین‌المللی» تشخیص داده‌اند، غلبه کنیم. همان.

بر اساس تحلیل‌های حقوق‌دانان بین‌المللی فمینیست، برخی از رویکردهای کلاسیک به حقوق بین‌الملل حقوق بشر نگرانی‌های زنان را نادیده گرفته‌اند، از جمله در شمارش جنسیتی که قواعد تا سطح قاعده آمره افزایش می‌یابند، یا از یک طبقه بندی خصوصی/عمومی معیوب استفاده می‌کنند که باعث تنزل حقوق زنان می‌شود. حوزه‌ای که بسیاری از زنان در آن بیشتر زندگی خود را سپری می‌کنند و به دلیل خارج شدن از هسته اصلی نگرانی‌های حقوقی بین‌المللی با آزار و اذیت مواجه می‌شوند. استانداردهای بین‌المللی خانواده را با طیف وسیعی از پیامدهای مثبت و منفی متمرکز کرده است. به اعلامیه جهانی حقوق بشر، یادداشت فوق ۳، ماده ۱۶ مرجمه کنید. (فهرست حقوق ازدواج و تشکیل خانواده)؛ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۰، برای امضا در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶، 993 U.N.T.S. 3, 7 (از ۳ ژانویه، ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد). [آزاین پس ICESCR]. (حق زندگی خانوادگی را تشریح می‌کند).

حقوق بین‌الملل فمینیستی با موفقیت زیادی هم در دانشگاه و هم در سازمان‌های بین‌المللی و مکانیسم‌های حقوق بشر تلاش کرده است تا با هر یک از این نقص‌ها در مجموعه حقوق بین‌الملل و نحوه تفسیر آن مقابله کند. به عنوان مثال، وکلای بین‌المللی فمینیست با میراث مسلمانان، نگرانی‌های حقوق بشری از جمله آزادی بیان و اعدام‌های خارج از محکمه را تعیین جنسیت کرده‌اند. به عنوان مثال، ایرن خان (گزارشگر ویژه در مورد آزادی عقیده و بیان)، گزارش در مورد عدالت جنسیتی و آزادی بیان، U.N. Doc. A/76/258 (۳۰ جولای، ۲۰۲۱) (گزارش در مورد موانع خاص برای برخورداری از آزادی بیان که زنان با آن روبرو هستند و استدلال می‌کند که «برابری جنسیتی در آزادی بیان، یک هدف دور باقی مانده است»). اسما جهانگیر (گزارشگر ویژه اعدام‌های غیرقانونی، کوتاه مدت یا خودسرانه)، گزارش اعدام‌های غیرقانونی، کوتاه مدت یا خودسرانه، 74-75، U.N. Doc.E/CN.4/1999/39، (۶ ژانویه، ۱۹۹۹) (به رسمیت شناختن «قتل‌های ناموسی» به عنوان قتل‌های فراقانونی). در نهایت، هیلاری چارلز ورث، یکی از بنیان‌گذاران حقوق بین‌الملل فمینیستی، در سال ۲۰۲۱ به عضویت محکمه بین‌المللی عدالت (ICJ)، قوی‌ترین نهاد قضایی بین‌المللی، انتخاب شد، اخبار سازمان ملل (۵ نوامبر ۲۰۲۱) [https://perma.cc/4FQK-GE6S] [https://news.un.org/en/story/2021/11/1105002] این نشان دهنده آن است که این مکتب فکری به طور فزاینده‌ای به عنوان یک رویکرد اصلی در رویه قضایی بین‌المللی پذیرفته شده است. برای بررسی به روز شده توسعه حقوق بین‌الملل فمینیستی، به سمپوزیوم، رویکردهای فمینیستی به حقوق بین‌الملل سی سال بعد: هنوز اسکار را بیگانه می‌کنید؟، AJIL UNBOUND 259 (۱۷ نوامبر ۲۰۲۱) مراجعه کنید. برای دیگر کارهای بنیادی در این زمینه، توسط محققان از سراسر جهان، به عنوان مثال، پنلوپه اندروز، از کیپ‌تاوون تا کابل: بازنگری استراتژی‌ها برای پیگیری حقوق بشر زنان (۲۰۱۲) را ببینید. هیلاری چارلز ورث و کریستین چینکین،

مصاحبه‌هایی که از سپتامبر ۲۰۲۱ تا فوریه ۲۰۲۲ با مدافعان حقوق بشر زنان افغانستان از راه دور صورت گرفته، انجام شده است.^{۳۲} حقوق بین‌الملل فمینیستی این پرسش را مطرح کرده است که آیا قواعد

مرزهای حقوق بین‌الملل: یک تحلیل فمینیستی (۲۰۰۰)، دوریندا جی. دالمایر، درک مجدد واقعیت: زنان و حقوق بین‌الملل (۱۹۹۳)؛ اسما محمد عبدالحلیم، چالش‌های اعمال حقوق بشر بین‌المللی زنان در سودان، در حقوق بشر زنان: دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی ۳۹۷ (ربکا جی. کوک، ویرایش، ۱۹۹۴). چالوکا بیانی، به‌سوی تضمین مؤثرتر حقوق زنان در سیستم حقوق بشر آفریقا، در حقوق بشر زنان: دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی ۲۸۵ (ربکا جی. کوک، ویرایش، ۱۹۹۴). رادیکا کوماراسوامی، نعره کشیدن مانند گاو: زنان، قومیت و گفتمان حقوق، در حقوق بشر زنان: دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی ۳۹ (ربکا جی. کوک، ویرایش، ۱۹۹۴). کاترین آ. مکینون، آیا زنان انسان هستند؟ و دیگر گفتگوهای بین‌المللی، ۴۱-۴۳ (۲۰۰۷)؛ سیسیلیا مدینه، به‌سوی تضمین مؤثرتر بهره‌مندی زنان از حقوق بشر در نظام بین‌المللی، در حقوق بشر زنان: دیدگاه‌های ملی و بین‌المللی ۲۵۷ (ربکا جی. کوک، ویرایش، ۱۹۹۴). روبا صالح، به‌سوی درک فراملیتی و جنسیت، در جنسیت و حقوق بشر ۲۳۱ (کارن ناپ ویرایش، ۲۰۰۴)؛ و فریده باندا، جنسیت، دین و حقوق بشر در آفریقا، در حقوق زنان و حقوق دینی: دیدگاه‌های داخلی و بین‌المللی ۴۵ (فریده باندا، لیزا فیشباین جوف، ویرایش ۲۰۱۶)

^{۳۲} هفده مصاحبه برای این مطالعه با شانزده زن مدافع حقوق بشر افغان و یک مرد مدافع حقوق بشر انجام شد. چندین مصاحبه بعدی [برای پیگیری] نیز انجام شد. مصاحبه‌ها در حالی صورت گرفت که برخی از آن‌ها که هنوز در خانه خود در افغانستان بودند، برخی آواره در داخل کشور و برخی در تبعیدی [خارج از کشور] به سر می‌برد. آن‌ها شامل افرادی از مناطق مختلف و از اقوام مختلف چون: هزاره‌ها، پشتون‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها و سایر هویت‌های مختلط بودند. بحث‌ها بر روی زوم، تلفن و سیگنال، در برخی موارد از طریق مترجمان انجام شد. به همه مصاحبه‌شوندگان این فرصت داده شد تا مصاحبه‌های ناشناس [با نام مستعار] انجام دهند. مصاحبه‌شوندگان در ده کشور مختلف از جمله در خانه‌های امن در داخل افغانستان، مراکز و کمپ‌های پناهندگان در خارج از کشور و حتی در قرنطینه قرار داشتند. تمام مصاحبه‌ها نزد نویسنده و درج شده در پرونده است.

اگرچه کار میدانی به ندرت در این رشته انجام می‌شود، اما می‌تواند نقش مهمی در پژوهش و نظریه‌پردازی حقوق بشر داشته باشد و نظریه و عمل را در کنار هم قرار دهد. در رابطه با زنان افغان، این روش کمتر از گذشته مورد انتقاد واقع می‌شود. (معمولاً توسط غیرافغان‌ها، مراجعه کنید به: لیلیا ابو لقود، آیا زنان مسلمان نیاز به نجات دارند؟). این امر می‌تواند تا حدودی به سوی اجرای تعهدات حقوق بشر، جهت مشاوره و مشارکت کسانی که بیش‌تر آسیب دیده‌اند، پیش برود. به روز جهانی معلولان ۲۰۰۴ مراجعه کنید: هیچ چیز درباره ما، بدون ما، U.N. DEP'T OF ECON. & SOC. AFF (۲۰۰۴) (https://www.un.org/development/desa/disabilities/international-day-of-2004-persons-with-disabilities-3-december/international-day-of-disabled-persons-2004-nothing-about-us-without-us.html [https://perma.cc/47AV-RVXW]). همچنین راهی برای

انعکاس دیدگاه‌های به حاشیه رانده شده به‌طور فراگیرتر در زمینه حقوق بین‌الملل است. آنجلا هریس به‌طور کلی استدلال می‌کند که «برای نیرو بخشیدن به نظریه حقوقی، باید آن را با روایت‌ها و داستان‌ها، گزارش‌هایی از موارد خاص، متفاوت و آنچه تاکنون خاموش شده بود، درهم بیامیزیم». آنجلا پی. هریس، نژاد و ذات‌گرایی در نظریه حقوقی فمینیستی، ۴۲ (1990) STAN. L. REV. 581, 615. این مجموعه از مصاحبه‌ها حاوی بینش‌های مفیدی است که استدلال‌های موجود در مقاله را بیان می‌کند، اما مجموعه کوچکی است که منعکس‌کننده بخش خاصی از مدافعان حقوق زنان افغانستان است.

در مورد پرسش‌های روش‌شناسی و ملاحظات اخلاقی مربوط به تحقیقات حقوق بشر مبتنی بر مصاحبه، به دنيسا کوستویکوا و الینور نات، آسیب، تغییر و پیش‌بینی‌ناپذیری: اخلاق مصاحبه‌ها در تحقیقات متعارض، ۲۲، تحقیقات کیفی، ۵۶ (۲۰۲۲)؛ فصل ۱۱: مصاحبه، در کتابچه راهنمای نظارت بر حقوق بشر (نسخه تجدیدنظرشده) دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد (۲۰۱۱).

حقوقی بین‌المللی به اندازه کافی جوابگوی تجارب زنان است، برای تفاسیر فراگیر جنسیتی بیش‌تر تلاش می‌کنند و مفروضات جنسیتی را در زمینه حقوق بشر به چالش می‌کشند، مانند تفکیک عمومی و خصوصی که بسیاری از تجارب زنان از نقض [حقوق] را خارج از محدوده قواعد بین‌المللی قرار داده است.^{۳۳} این اثر این وظایف را در رابطه با وضعیت کنونی زنان در افغانستان که از دیدگاه‌های مدافعان حقوق زنان مصاحبه‌شده، انجام می‌دهد.

برای انجام این کار، مقاله استراتژی را به کار می‌برد که در یک بخش بنیادین در سال ۱۹۹۰، با عنوان حقوق زنان از حیث حقوق بشر: به سوی بازنگری حقوق بشر، توسط پروفیسور راتگرز، شارلوت بانچ، مشخص شده است.^{۳۴} بانچ چهار روش کلیدی را برای پیشبرد حقوق زنان در سیستم بین‌المللی حقوق بشر شناسایی کرد: (۱) تشبیه حقوق زنان به مفاهیم تثبیت‌شده در حقوق مدنی و سیاسی، (۲) تناسب نگرانی‌های حقوق بشر زنان در الگوهای پذیرفته‌شده حقوق اقتصادی و اجتماعی، (۳) ایجاد سازوکارهای حقوقی بین‌المللی جدید برای مقابله با تبعیض جنسی و (۴) مشارکت در تحول فمینیستی حقوق بین‌الملل.^{۳۵} طرفداران حقوق بشر زنان اغلب از یک رویکرد با نگرش کلی استفاده می‌کنند که بین همه این‌ها در نوسان است، استراتژی‌هایی که همپوشانی دارند و مکمل یکدیگر هستند. هدف این پروژه این است که دقیقاً همین کار را انجام دهد تا به سیاست‌های طالبان و تقویت‌کنندگان بین‌المللی آن‌ها پاسخ قوی دهد. همچنین برای شکل‌دادن به یک چهارچوب حقوقی بین‌المللی قوی‌تر و مرتبط‌تر، به واکنش‌های پیشرفته‌تری نیاز است.

مفاهیم موردنیاز از قبل در حقوق بین‌الملل وجود دارند و می‌توانند برای پوشش این وضعیت به‌روزرسانی و مقایسه شوند. این ابزار قانونی رایجی^{۳۶} است که در رویکردهای اول و دوم شارلوت بانچ

^{۳۳} سلینا رومانی Celina Romany، مسئولیت دولتی خصوصی می‌شود: نقد فمینیستی تمایز عمومی و خصوصی در حقوق بین‌المللی حقوق بشر، در حقوق بشر زنان، یادداشت فوق ۳۱، ص ۸۵؛ دونا سالیوان، تمایز عمومی/ خصوصی در حقوق بین‌الملل حقوق بشر، در حقوق بشری حقوق زنان: دیدگاه‌های بین‌المللی فمینیستی ۱۲۶ (جولی پیترز و آندریا ولپر، ویرایش، ۱۹۹۵).

^{۳۴} شارلوت بانچ Charlotte Bunch، حقوق زنان به‌عنوان حقوق بشر: به سوی بازبینی حقوق بشر، ۱۲، HUM. RTS. Q. 486 (۱۹۹۰).

^{۳۵} همان، ص ۹۸-۴۹۳. نمونه‌هایی از هر روش در زیر بررسی شده است. به یادداشت‌های ۳۴۰-۵۰ به متن زیر مراجعه کنید.

^{۳۶} به عنوان مثال، حقوق بین‌الملل حقوق بشر مفهوم «دقت عمل» را از حوزه‌های حقوق شرکت‌ها و قوانین فراملی در مورد مسئولیت دولت به غیر شهروندان برای پاسخ به سوءاستفاده‌های بازیگران غیردولتی، به عاریه می‌گیرد. ماریا مانهایمر، تعهدات احتیاط در حقوق بین‌الملل حقوق بشر ۷۸-۱۱۵ (۲۰۲۱). مثال دیگر ایجاد اصطلاح «زن کشی» برای تصحیح حذف زنان، به عنوان یک مقوله حمایت‌شده، در کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی است. راشل فیلیپس، به سوی جامعه‌ای امن‌تر: پاسخ گواتمالا به زن‌کشی، ۳۳، N.Y. INT'L L. REV. 45, 47-53 (۲۰۲۰).

قرار می‌گیرد. این شامل ایجاد دسته‌بندی‌ها از نقض‌ها و راه‌حل‌های موجود در حقوق بین‌الملل حقوق بشر است که شامل جنسیت می‌شود. این اهداف همچنین می‌توانند از طریق رویکرد سوم بانچ، ایجاد مکانیسم‌های حقوقی بین‌المللی جدید، امکانی که در زیر مورد بحث قرار می‌گیرد، محقق شود. با این حال، دومی مسیر دشوارتری است. الگویی که حقوق بین‌الملل برای مقابله با آپارتاید دارد، صراحتاً برای پاسخگویی به آپارتاید نژادی تنظیم شده است و برای پرداختن به آپارتاید جنسیتی به کار گرفته نشده است، اما این اثر استدلال می‌کند که باید به کار گرفته شود. چنین تحول فمینیستی حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم ضروری است.

برای این منظور، قسمت اول این کتاب، رژیم حقوقی بین‌المللی در مورد آپارتاید نژادی و اعمال آن قوانین در آفریقای جنوبی را بررسی می‌کند. این قسمت ارزیابی می‌کند که چرا آپارتاید نژادی یک جنایت بزرگ تلقی می‌شد و مشارکت بین‌المللی با آن ممنوع بود و چرا رویکردهای قدرتمندی در قبال تعهدات دولت‌های دوم ایجاد کرد. این رویکردها یکی از شاخه‌های یک واکنش مؤثر بین‌المللی بود که به پایان دادن به این رویه کمک کرد^{۳۷} و به همین ترتیب قوانین بین‌المللی را تغییر داد.

با تکیه بر این چهارچوب، قسمت دوم مفهوم و عملکرد آپارتاید جنسیتی را توضیح می‌دهد - استفاده از تفکیک سیستماتیک جنسیت‌ها که از طریق قانون و سیاست به عنوان ایدئولوژی حاکم تحمیل می‌شود. در این ساختار، جداسازی گاهی با طرد کلی زنان همراه است. بخش دوم، پیامدهای اعمال آپارتاید جنسیتی را برای حقوق بشر زنان، عمدتاً از طریق اعلامیه‌ها و فرامین طالبان افغانستان، طی دوره‌های اول و دوم حکومت آنان در نظر می‌گیرد. در مرحله بعد، واکنش‌های بین‌المللی چنین اقداماتی را بررسی می‌کند. این بخش از کتاب به بررسی تحقیقات و حمایت‌های پیشگامانه درباره این موضوع در دهه ۱۹۹۰ می‌پردازد، از جمله توسط زنان مسلمانی که نه تنها هدف این اثر بلکه قهرمانان آن بودند. این بر اساس استدلال‌هایی است که تعداد کمی از مدافعان حقوق زنان در مورد آپارتاید جنسیتی، در طول دوره اول حکومت طالبان، ارائه کردند، رویکردی که جامعه بین‌المللی به اندازه کافی از آن استقبال نکرد. این اثر با تأیید تحلیل‌های آن پیشگامان فمینیست جهانی، مبنای حقوقی بین‌المللی را با استدلال‌های آن توسعه می‌دهد، آن‌ها را در پرتو ۲۰ سال پیشرفت، در این زمینه تازه کرده و تأکید می‌کند که اکنون زمان آن فرارسیده تا به‌طور کامل آن‌ها را تأیید کنیم.

این کتاب با پیشنهاد راه‌هایی برای انتقال چهارچوب قانونی آپارتاید نژادی به بافت آپارتاید جنسیتی در بخش‌های آغازین خود، به محتمل‌ترین استدلال‌های متقابل پاسخ می‌دهد. این استدلال‌های

^{۳۷} هنری جی. ریچاردسون Henry J. Richardson, ۳، حقوق بین‌الملل و ادامه تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی، 3 (1989) TEMPLE INT'L. & COMP L.J. 249.

متقابل عبارت‌اند از: (۱) این مفهوم که تبعیض جنسیتی با تبعیض نژادی در حقوق بین‌الملل متفاوت است، بنابراین شایسته یک رویکرد متمایز است. (۲) در همین راستا، این ادعا که فرهنگ برای آپارتاید جنسیتی بهانه ارائه می‌دهد؛ و در نهایت، (۳) نگرانی از این که حقوق بین‌الملل فاقد پشتوانه متنی صریح برای به رسمیت‌شناختن مفهوم آپارتاید جنسیتی و مقابله با ارتکاب آن است. همان‌طور که در بخش‌های بعدی این کتاب توضیح داده خواهد شد، می‌توان پاسخ‌هایی را در خود حقوق بین‌الملل برای مقابله با همه این پاسخ‌ها یافت.

بخش سوم ممنوعیت‌های حقوق بین‌الملل در مورد تبعیض سیستماتیک بر اساس نژاد و جنسیت را مقایسه می‌کند و پیامدهای این مقایسه را در نظر می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که هیچ توجیه منطقی برای عدم استفاده از رویکرد تشدید شده مبارزه با حکومت تبعیض نژادی سیستماتیک، برای اعمال مشابه بر اساس جنسیت، وجود ندارد.

متعاقباً، قسمت چهارم با نسبی‌گرایی فرهنگی و بهانه‌های فرهنگی که توسط طالبان و دیگر طرفداران آپارتاید جنسیتی مطرح می‌شود، مقابله می‌کند. این‌ها در برخی از بخش‌های غربی، از جمله بخش‌هایی از آکادمی، مد تلقی می‌شوند.^{۳۸} چنین استدلال‌هایی موانع مهمی در راه به‌کارگیری کامل ساختار آپارتاید جنسیتی هستند. با این حال، همان‌طور که این بخش از کتاب نشان می‌دهد، حقوق بین‌الملل به طور قاطعانه چنین تلاش‌هایی را برای توجیه نابرابری بر اساس جنسیت رد می‌کند، همان‌طور که برای آسیب‌های نژادی انجام داد. در نهایت، با وجود همه این بلوک‌های سازنده و پاسخ‌های متقابل، در قسمت پنجم، اثر استراتژی‌های تفسیری برای مقابله با آپارتاید جنسیتی با قوانین بین‌المللی در حکومت دور دوم طالبان در افغانستان ارائه می‌کند.

^{۳۸}ایزابیل آر. گانینگ Isabelle R. Gunning، مفهوم استکبار، فمینیسم جهانگردی و چند فرهنگی: قضیه جراحی‌های تناسلی زنان، 23 (1992) COLUM. HUM. RTS. L. REV. 189, 190؛ ابولقود، یادداشت فوق ۳۲.

I. معیارهای جهانی برای «پایان دادن به انحصار قدرت سیاسی سفید پوستان»^{۳۹}: قانون بین‌المللی ضد آپارتاید

برای در نظر گرفتن این که یک ساختار مفهومی جدید در مورد آپارتاید جنسیتی در حقوق بین‌الملل چه سهمی می‌تواند ارائه دهد، کتاب اکنون به نمونه مثبت واکنش این مجموعه قانون به آپارتاید نژادی می‌پردازد که از تلاش‌های مخالفان محلی و بین‌المللی آپارتاید حمایت می‌کرد. حقوق بین‌الملل باید از موفقیت‌های گذشته خود درس بگیرد.

«آپارتاید» یک کلمه آفریقایی به معنای جدایی یا تفکیک است، عبارتی که توسط نخست‌وزیر آفریقای جنوبی دانیل مالان «برای نشان دادن سیاست‌های آفریقای جنوبی مبنی بر تفکیک نژادی بین سفیدپوستان و گروه‌های مختلف نژادی غیر سفید»، ابداع شده است.^{۴۰} نلسون ماندلا خاطرنشان کرد که: «آپارتاید یک اصطلاح جدید اما ایده‌ای قدیمی بود، چیزی که کم‌وبیش بالفعل موجود بود و سریع تبدیل به قانون شد.»^{۴۱} در آفریقای جنوبی، آپارتاید نه تنها به یک عمل بلکه به ایدئولوژی و چهارچوب قانونی حاکم از ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۰ تبدیل شد و در برخی از کشورهای همسایه آفریقای جنوبی نیز به کار گرفته شد.^{۴۲}

قانون تمام جنبه‌های جامعه آفریقای جنوبی را بر اساس نژاد ساختار می‌دهد، همان‌طور که ساختار طالبان بر اساس جنسیت سازمان‌دهی شده است. همچنین افرادی را که «بانته‌ها»، اقوام خاصی از سیاه‌پوستان [«رنگین‌پوست» و «سفید»]^{۴۳} می‌دانستند، از هم جدا می‌کرد، چنانچه طالبان زنان و مردان را تفکیک می‌کنند، حتی اگر جغرافیای جداسازی مکانی متفاوت باشد. در آپارتاید آفریقای جنوبی،

^{۳۹} نلسون ماندلا Nelson Mandela، نطق ماندلا پس از آزادی از زندان (۱۱ فوریه ۱۹۹۰)، در منتخب گفتارها و نوشته‌های نلسون ماندلا: پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی ۱۴۱ (۲۰۱۰).

^{۴۰} کریستین بایرون CHRISTINE BYRON، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در اساسنامه رم محکمه جزایی بین‌المللی ۲۳۹ (۲۰۰۹).

^{۴۱} نلسون ماندلا Nelson Mandela، پیاده‌روی طولانی تا آزادی: زندگینامه نلسون ماندلا ۹۷ (۱۹۹۷).

^{۴۲} مر/جعه کنید به پیامدهای قانونی برای کشورها از حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا (آفریقای جنوب غربی) علی‌رغم قطعنامه ۲۷۶ شورای امنیت (۱۹۷۰)، نظر مشورتی، ۱۹۷۱ I.C.J. 16, ¶ 130 (۲۱ ژوئن) [از این پس نظریه نامیبیا] «این غیرقابل انکار است و به‌طور کامل توسط اسناد ضمیمه بیانیه مکتوب آفریقای جنوبی در این محاکمه حمایت می‌شود و سیاست رسمی دولتی که توسط آفریقای جنوبی در نامیبیا دنبال می‌شود، به هدف تفکیک فیزیکی کامل نژادها و گروه‌های قومی در مناطق جداگانه تحت قلمرو آن است.»

^{۴۳} نانسی ال. کلارک و ویلیام اچ. ورگر NANCY L. CLARK & WILLIAM H. WORGER، آفریقای جنوبی: ظهور و سقوط آپارتاید ۴۹ (کلایو امسلی و گوردون مارتل، ویرایش دوم، ۲۰۱۱) البزابت اس. لندیس، قانون آپارتاید، ۴ AFR. TODAY 45, 46 (۱۹۵۷).

مجموعه‌ای از قوانین، مناطق عمومی و مسکونی را بر اساس نژاد جدا می‌کرد و بیش‌تر زمین‌های کشور را به سفیدپوستان اختصاص می‌داد.^{۴۴} برای اجرای این محدودیت‌ها، «قوانین عبور» غیرسفیدپوستان را ملزم می‌کرد که اسنادی را که اجازه حضور در مناطق سفیدپوستان را می‌داد، همراه داشته باشند.^{۴۵} آپارتاید نژادی همچنین بر بخش‌های استخدام و آموزش حاکم بود، همان‌گونه‌ای که آپارتاید جنسیتی در حکومت طالبان صورت می‌گیرد. در آفریقای جنوبی، مکاتب دولتی برای کودکان سیاه‌پوست ایجاد شد (به آن‌ها کارهای خانگی و دستی آموزش داده می‌شد) و غیرسفیدپوستان از ورود به اکثر دانشگاه‌ها منع شدند.^{۴۶}

با اذعان به این‌که چنین استفاده از تبعیض به عنوان یک مدل حکومتی؛ منشور اخیراً تصویب‌شده سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR) را نقض می‌کند،^{۴۷} مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۲ با پیروی شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از سال ۱۹۶۰^{۴۸} سالانه شروع به نکوهش آپارتاید کرد (که تا سال ۱۹۹۰ انجام می‌شد). تحت تأثیر فشارهای سیاسی و تقویت‌شده توسط چهارچوب حقوقی در حال ظهور، در دهه ۱۹۷۰ شورای امنیت شروع به تصویب یک سلسله قطعنامه‌ها «منع هر گونه کمک یا حمایت در حفظ رژیم آپارتاید غیرقانونی» کرد.^{۴۹}

اراده سیاسی بین‌المللی و مبارزه سیاسی محلی، تسریع‌کننده‌های اساسی برای تغییر بودند. کشورهای تازه استعمارزدایی‌شده نقش رهبری را ایفا کردند و این موضوع را بخشی حیاتی از یک مبارزه بزرگ‌تر برای تکمیل استعمارزدایی و دستیابی به تعیین سرنوشت می‌دانستند. کنگره ملی آفریقا به عنوان ناظر در سازمان ملل متحد تعیین شد و سیاست خارجی موفق خود را اجرا کرد.^{۵۰} انتشار گسترده

^{۴۴} کلارک و ورگر CLARK & WORGER، یادداشت فوق ۴۳، ص ۵۱.

^{۴۵} همان، ص ۴۹-۵۹؛ قانون آپارتاید ۱۸۵۰-۱۹۷۰، S. AFR. HIST. ONLINE (https://www.sahistory.org.za/article/apartheid-legislation-1850s-1970s [https://perma.cc/XT37-WC3F])

^{۴۶} همان؛ لندیس، یادداشت فوق ۴۳.

^{۴۷} به یادداشت‌های فوق ۲۴۵-۲۵۰ و متن همراه بحث مراجعه کنید.

^{۴۸} جان دوگارد John Dugard، کنوانسیون سرکوب و مجازات جنایت آپارتاید، U.N. AUDIOVISUAL LIBR. OF INT'LL (اگوست ۲۰۰۸) (https://legal.un.org/avl/ha/cspca/cspca.html [https://perma.cc/65RF-K44Z])

^{۴۹} کمیسیون حقوق بین‌الملل قطعنامه‌های مربوطه را این‌گونه توصیف می‌کند. پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، یادداشت فوق ۱۴، ماده ۴۱ نظریه ۱۲، مراجعه کنید به قطعنامه ۴۱۸ شورای امنیت (۴ نوامبر ۱۹۷۷) (تحمیل تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی)؛ قطعنامه ۵۶۹ شورای امنیت (۲۶ جولای ۱۹۸۵) (از کشورهای عضو می‌خواهد روابط اقتصادی، ورزشی، فرهنگی و سایر روابط با آفریقای جنوبی را محدود کنند).

^{۵۰} دیوید ولش و جی. ای. اسپنس DAVID WELSH & J.E. SPENCE، پایان آپارتاید ۱۷۷-۱۸۱ (۲۰۱۱)؛ قطعنامه مجمع عمومی ۳۲۸۰ (XXIX)، همکاری بین سازمان ملل متحد و سازمان آفریقای متحد [= فعلاً اتحادیه آفریقا]، ¶ ۶ (۱۰)

جنایات آفریقای جنوبی، مانند سرکوب قیام سووتو در سال ۱۹۷۶، افکار و اقدامات بین‌المللی را برانگیخت.^{۵۱} واکنش سازمان ملل و معیارهای بین‌المللی تنها یکی از مؤلفه‌های ابتکارات هماهنگ جهانی ضد آپارتاید به رهبری جنوب بود و با ایجاد یک ابزار حمایتی قدرتمند به تحریک رسوایی جهانی سیاست آفریقای جنوبی از جمله به شکستن بن‌بست تحریم‌ها کمک کرد.^{۵۲} همان‌طور که محققین دیوید والش و جی. اسپنس در بررسی عوامل خارجی مربوطه نتیجه می‌گیرند:

تلاش برای سنجش دقیق هر یک از این عوامل... دشوار خواهد بود: این اثر تجمعی آن‌ها بود که در نهایت... آپارتاید... را از بین برد. آنچه با اطمینان می‌توان ادعا کرد این است که تغییراتی که در قواعد حاکم بر رفتار دولت رخ داده... بسیار مهم بوده است. مشخصاً دولت‌های غربی، باید حداقل به این معیارهای جدید احترام می‌گذاشتند که این عمل به آفریقای جنوبی موقعیت منحصر به فردی در کشورهای جامعه جهانی می‌داد.^{۵۳}

در واقع، با تکیه بر استانداردهای قبلی که تبعیض نژادی را ممنوع می‌کرد، معیارهای بین‌المللی منع آپارتاید در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد که مستلزم پاسخ‌های با احترام به حقوق از سوی دولت‌های دوم بود. مهم‌ترین این استانداردهای جدید، کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید («کنوانسیون آپارتاید») بود که در سال ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد.^{۵۴}

جان دوگارد، کارشناس آفریقای جنوبی، آن را «گام نهایی در محکومیت آپارتاید» توصیف کرد.^{۵۵} دلیل وجودی این کنوانسیون، طبق مقدمه آن، به فعلیت رساندن ممنوعیت‌های قبلی آپارتاید بود. هدف

دسامبر ۱۹۷۴) قطعنامه مجمع عمومی ۳۴۱۲ (XXX)، همکاری بین سازمان ملل متحد و سازمان آفریقای متحد، ¶ ۷ (۲۸ نوامبر ۱۹۷۵).

^{۵۱} همان، ص ۸۶-۹۲.

^{۵۲} انوگا ردی Enuga Reddy، مبارزه علیه آپارتاید: درس‌هایی برای دنیای امروز، UN CHRON. 27 ژوئن ۲۰۱۳.

^{۵۳} ولش و اسپنس، یادداشت فوق ۵۰، ص ۱۹۰.

^{۵۴} کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، برای امضا در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ (که در ۱۸ جولای ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد) [از این پس کنوانسیون آپارتاید]. مجمع عمومی کنوانسیون آپارتاید را در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ با ۹۱ رأی موافق، چهار رأی مخالف (پرتغال، آفریقای جنوبی، بریتانیا و ایالات متحده) و ۲۶ رأی ممتنع تصویب کرد. دوگارد، یادداشت فوق ۴۸، ص ۱. در حال حاضر دارای ۱۰۹ کشور عضو است که آخرین عضویت آن در سال ۲۰۱۴ است. آفریقای جنوبی پس از آپارتاید هرگز عضو کنوانسیون نشد. کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، مجموعه معاهدات سازمان ملل،

https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-

(7&chapter=4&clang=_en [https://perma.cc/WG5N-EKQN]

^{۵۵} دوگارد، یادداشت فوق ۴۸، ص ۱.

آن «امکان دادن اقدامات مؤثرتر در سطوح بین‌المللی و ملی به منظور منع و مجازات جنایت آپارتاید است.»^{۵۶} این دقیقاً همان چیزی است که در مورد آپارتاید جنسیتی مورد نیاز است.

این کنوانسیون آپارتاید را این‌گونه تعریف می‌کند: «اعمال غیرانسانی که به منظور ایجاد و حفظ سلطه یک گروه نژادی از افراد بر هر گروه نژادی دیگر و سرکوب سیستماتیک آن‌ها انجام می‌شود.»^{۵۷} فهرست «اعمال غیرانسانی» در این تعریف شامل «انکار حق زندگی و آزادی یک فرد برای عضو یا اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی»، «قتل اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی»، «تحمیل عمدی شرایط زندگی به یک گروه یا گروه‌های نژادی که باعث تخریب فیزیکی آن به طور کامل یا جزئی می‌شود»، تدابیر قانونی و سایر اقدامات با هدف «جلوگیری از مشارکت گروه یا گروه‌های نژادی در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و ایجاد عمدی شرایطی که مانع از توسعه کامل چنین گروه یا گروه‌هایی شود»، اقداماتی برای «تقسیم‌بندی جمعیت بر اساس خطوط نژادی» و آزار سازمان‌ها یا افراد به دلیل مخالفت با آپارتاید.^{۵۸} به گونه‌ای که در زیر بیان خواهد شد، اگر جنس یا جنسیت جایگزین نژاد شود، هر یک از این عناصر در هر دو دوره سیاست حکومت طالبان در مقابل زنان وجود دارد.^{۵۹}

به رسمیت شناختن آپارتاید به عنوان نقض‌کننده منشور سازمان ملل، در نتیجه عمل غیرقانونی و کنوانسیون آن را جرم تلقی می‌کند.^{۶۰} ماده ۳ مسئولیت کیفری بین‌المللی را به مرتکبان اعمال غیرانسانی ناشی از آپارتاید نسبت می‌دهد. متعاقباً، ماده ۴ مسئولیت‌های دولت‌های عضو را در واکنش به عمل آپارتاید توسط دولت دیگر بیان می‌کند: آن‌ها باید «اقدامات قانونی یا سایر اقدامات لازم برای سرکوب و همچنین جلوگیری از هر گونه تشویق به جنایت آپارتاید و سیاست‌های جدایی‌طلبانه مشابه یا مظاهر آن‌ها را اتخاذ کنند؛ و افرادی که مرتکب آن جرم شده‌اند را مجازات نمایند.»^{۶۱} دولت‌ها همچنین باید «تدابیر قانونی، قضایی و اداری برای تعقیب، محاکمه و مجازات بر اساس صلاحیت قضایی خود با افرادی که مسئول یا متهم به اعمالی هستند که توسط کنوانسیون ممنوع شده است، داشته باشند.»^{۶۲} سرانجام، این معاهده پیش‌گام به دنبال تسریع بیش‌تر اقدام سازمان ملل متحد است، با تشخیص اینکه هر طرف می‌تواند از نهادهای سازمان ملل متحد درخواست کند تا اقدامات مبتنی بر منشور را برای

^{۵۶} کنوانسیون آپارتاید، یادداشت فوق ۵۴، مقدمه.

^{۵۷} همان، ماده ۲.

^{۵۸} همان، ماده II بند (d)–(a)، (f).

^{۵۹} به یادداشت‌های زیر ۱۱۱–۱۶۳ و متن ضمیمه بحث مراجعه کنید.

^{۶۰} دوگارد، یادداشت فوق ۴۸، ص ۱. آر. اس. کلارک، جنایت آپارتاید، در حقوق جزایی بین‌المللی ۲۹۹ (م. شریف بسینوی، ویرایش، ۱۹۸۶)؛ گلر بچر، پیامدهای قانونی برای دولت‌های غیرقانونی آپارتاید، ۸ HUM. RTS. Q. 404 (۱۹۸۶)

^{۶۱} کنوانسیون آپارتاید، تبصره فوق ۵۴، ماده IV بند (a).

^{۶۲} همان، ماده IV بند (b).

جلوگیری و منع جنایت آپارتاید^{۶۳} و با دادن تعهدات شدید به کشورهای عضو برای اجرای قطعنامه مربوطه سازمان ملل انجام دهند.^{۶۴}

دوگارد بر اهمیت این واقعیت تأکید می‌کند که کنوانسیون آپارتاید، تعقیب اتباع خارجی که اعمال جرمی را در قلمرو کشور غیرعضو مرتکب شده و در محدوده صلاحیت یک دولت دیگر عضو پیدا شود، امکان‌پذیر می‌کند. این هم نوآورانه و هم از نظر نمادین مهم بود. با این حال، او خاطرنشان می‌کند: «هیچ‌کس از آن زمان تا به حال در آفریقای جنوبی به دلیل ارتکاب جرم آپارتاید تحت تعقیب قرار نگرفته است.»^{۶۵} این تا حدی به این دلیل بود که آفریقای جنوبی به جای تعقیب افراد، کمیسیون حقیقت و آشتی را به عنوان بخشی از انتقال دموکراتیک خود انتخاب کرد.^{۶۶} با وجود این، کنوانسیون ابزار حمایتی انتقادی برای مخالفان آپارتاید فراهم کرد؛^{۶۷} از آن به عنوان معیاری برای قضاوت در مورد واکنش‌های ملی استفاده شد و در مناظرات سازمان ملل به طور مرتب به آن اشاره شد و دیدگاه رژیم آپارتاید را به عنوان وضعیتی غیرقانونی که باید به آن پایان داد،^{۶۸} به جای یک هدف قابل قبول «تعامل سازنده» به صورت تدریجی، مدون کرد.^{۶۹}

پس از تصویب این کنوانسیون، در سال ۱۹۷۶، کمیسیون حقوق بین‌الملل آپارتاید را به عنوان یک جنایت بین‌المللی به رسمیت شناخت و ممنوعیت آن را یک «التزام بین‌المللی بااهمیت اساسی برای

^{۶۳} همان، ماده VIII.

^{۶۴} همان ماده VI.

^{۶۵} دوگارد، یادداشت فوق ۴۸، ص ۲.

^{۶۶} مر/جمع کنید به: قانون ۳۴ ترویج وحدت ملی و آشتی سال (۱۹۹۵) (آفریقای جنوبی) (تأسیس کمیسیون حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی) برای دیدگاه‌های گوناگون درباره این تحول مر/جمع کنید به: الکس بورین، کشوری بدون نقاب: در داخل آفریقای جنوبی، کمیسیون حقیقت و آشتی (۲۰۰۰)؛ ریچارد ویلسون، سیاست حقیقت و آشتی در آفریقای جنوبی: مشروعیت بخشیدن به دولت پس از آپارتاید (۲۰۰۱)؛ و سازمان مردم‌آزانی (AZAPO) و دیگران علیه رئیس‌جمهور جمهوری آفریقای جنوبی (۱۹۹۶) (آفریقای جنوبی) (SA 672 (CC) [4]، رد درخواستی مبنی بر اعلام دستور خلاف قانون اساسی، بخش ۲۰ قانون ترویج وحدت و آشتی ملی که شامل عفو عمومی می‌شود.

^{۶۷} هنری ریچاردسون Henry Richardson، تعهد خروج از به رسمیت شناختن پرتوریا به عنوان دولت آفریقای جنوبی، ۱ TEMPLE INT'L. & COMP. L.J. 153 (۱۹۸۷)

^{۶۸} این موضوع برگرفته از موضع دیوان بین‌المللی عدالت در مورد نظریه نامیبیا است، یادداشت فوق ۴۲.

^{۶۹} استنفورد جی. آنگر و پیترو وال Sanford J. Ungar & Peter Vale، آفریقای جنوبی: چرا تعامل سازنده شکست خورد؟ ۶۴ (1985) FOREIGN AFF. 234 (https://www.foreignaffairs.com/articles/south-africa/1985-12-01/south-africa-why-constructive-engagement-failed [https://perma.cc/8V48-P325])

حفاظت از انسان» تلقی کرد.^{۷۰} در سال ۱۹۷۷، پروتکل الحاقی ۱ کنوانسیون ژنو سال ۱۹۴۹ آپارتاید را یک «نقض فاحش»^{۷۱} «بدون هیچ‌گونه محدودیت جغرافیایی» توصیف کرد.^{۷۲} همه این پیشرفت‌های قانونی به حرکتی کمک کرد که شورای امنیت را برای اعمال یک سلسله تحریم‌ها علیه آفریقای جنوبی از سال ۱۹۷۷ تشویق کرد.^{۷۳}

معیارهای خاص در مورد آپارتاید در زمینه‌های خاص مانند کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۸۵ علیه آپارتاید در ورزش، نیز به تصویب رسید.^{۷۴} این کنوانسیون تصدیق می‌کند که تعاملات ورزشی با «تیم‌هایی که بر اساس آپارتاید انتخاب شده‌اند، مستقیماً ارتکاب جرم آپارتاید را تشویق می‌کند»^{۷۵} ارتباط ورزشی با کشورهایی که مرتکب آپارتاید می‌گردند، «آپارتاید را می‌پذیرند و تقویت می‌کنند»^{۷۶}، بنابراین نقض اصول المپیک و ورزش‌های بین‌المللی است.^{۷۷} دولت‌های دیگر نمی‌توانند با آن‌ها مشارکت کنند.^{۷۸}

^{۷۰} ماده ۱۹- جنایات بین‌المللی و جرائم بین‌المللی، (۱۹۷۶) Y.B. Int'l L. Comm'n 95-96, U.N. Doc. ۲ A/CN.4/SER.4/1976/Add.1

^{۷۱} پروتکل الحاقی به کنوانسیون ژنو، ۱۲ آگوست، ۱۹۴۹ و مربوط به حمایت از قربانیان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، ماده ۸۵، ¶ ۴(c)، ۸ ژوئن، ۱۹۷۷، U.N.T.S. 3, 42 ۱۱۲۵ (در ۷ دسامبر ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد). [از این پس «پروتکل»]

^{۷۲} دوگارد، یادداشت فوق ۴۸، ص ۲.

^{۷۳} به عنوان مثال، قطعنامه ۴۲۱ شورای امنیت (۹ دسامبر، ۱۹۷۷) (توسط قطعنامه ۹۱۹ شورای امنیت فسخ شد. ۲۶ می، ۱۹۹۴))

^{۷۴} کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش، برای امضا در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۵، U.N.T.S. 25822 (از ۱ آوریل، ۱۹۸۸ لازم‌الاجرا شد). زنان و مردان در بسیاری از موارد به‌عنوان یک عمل عادی و غیرنقض‌کننده حقوق بشر به‌طور جداگانه ورزش می‌کنند. ممنوعیت آپارتاید در دوش باهدف نقض حقوق محرومیت و تفکیک بر اساس نژاد انجام شد. سیاست ورزشی آپارتاید آفریقای جنوبی بخشی جدایی‌ناپذیر از سیستم آپارتاید حذف غیرسفیدپوستان از مشارکت کامل و برابر در جامعه بود. ریچارد ای. لاپچیک، *آفریقای جنوبی: ورزش و سیاست آپارتاید*، ۴۴۵، مسائل روز ورزش، ۱۵۵ (۱۹۷۹). با اعمال سیاست اعلام‌شده طالبان، شرایط در افغانستان حتی انحصاری تر است زیرا زنان به‌طور کامل از شرکت در ورزش منع شده‌اند. به یادداشت زیر ۱۴۸، بحث و متن ضمیمه آن مراجعه کنید.

^{۷۵} کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش، یادداشت فوق ۷۴، در مقدمه.

^{۷۶} همان.

^{۷۷} المپیسیم چیست؟ انجمن جهانی المپیک، (<https://olympians.org/woa/olympism/>) ([<https://perma.cc/4YED-6FUN>])

^{۷۸} به موازات تحولات معیارها در ممنوعیت آپارتاید، یک سلسله مکانیسم‌های اجرایی ایجاد شد. مراجعه کنید به: کمیسیون حقوق بشر، *مطالعه راه‌ها و روش‌های تضمین اجرای اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون منع و مجازات جنایات آپارتاید*، U.N. Doc. E/CN.4/1426 (۱۹ ژانویه، ۱۹۸۱)؛ همچنین مراجعه کنید به: قطعنامه مجمع عمومی (XVII) (۶ نوامبر، ۱۹۶۲) (تشکیل کمیته ویژه برای بررسی دوره‌ای سیاست‌های نژادی در آفریقای جنوبی). کمیسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر، قطعنامه XXIII (۱۹۶۷) (ایجاد گروه‌های کاری موقت در مورد نقض حقوق بشر در جنوب آفریقا)

پس از پایان آپارتاید در آفریقای جنوبی، اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ تصریح کرد که عملکرد آن در هر کجا ممکن است به سطح جنایت علیه بشریت برسد.^{۷۹} در واقع، قوانین بین‌المللی آپارتاید مبتنی بر بینش ساختارهایی مانند جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی است که پاسخ‌های بین‌المللی شدیدی را به جنایات گسترده و سیستماتیک علیه کل جمعیت یا گروه ارائه می‌کند و آسیب منحصر به فرد و فراگیر آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد.^{۸۰} در نهایت، منع آپارتاید توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر مواد پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در سال ۲۰۰۱ به عنوان ارتقای سطح قواعد آمره،^{۸۱} بالاترین سطح قواعد در زمینه حقوق بین‌الملل که معیارها و اسناد متناقض را نادیده می‌گیرند.^{۸۲} با توجه به این وضعیت، این کتاب اکنون امکانات به کارگیری رویکردی قوی و مشابه، برای پایان دادن تبعیض علیه زنان، به عنوان طرحی حکومتی می‌پردازد.

II. «انسانیتی کمتر از مردان»^{۸۳}: آپارتاید جنسیتی و حقوق بین‌الملل

الف. تعریف آپارتاید جنسیتی

این بخش از کتاب با تکیه بر چهارچوب حقوقی بین‌المللی آپارتاید نژادی، مفهوم آپارتاید جنسیتی را توضیح می‌دهد و این‌که چگونه عمل آن به همین ترتیب معیارهای اساسی حقوق بین‌الملل در مورد

^{۷۹} اساسنامه رم از محکمه جزیایی بین‌المللی، ماده ۷ بند (۱) فقره (j)، برای امضا در ۱۷ جولای، ۱۹۹۸، 2187 U.N.T.S 90, 93 (از ۱ جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد). [از این پس اساسنامه رم].

^{۸۰} در مورد نسل‌کشی، مراجعه کنید به: کنوانسیون نسل‌کشی: فعالیت‌های مقدماتی (هیراد ابطی و فیلیپا وب، ویرایش، ۲۰۰۹). همچنین مراجعه کنید به: آنا کریستینا رودریگز پیندا، مسابقه انتقالی تعریف جنایات علیه بشریت: از محاکم بین‌المللی تا پیش‌نویس مواد، فقط امنیت (۲۷ سپتامبر، ۲۰۲۱) (<https://www.justsecurity.org/78360/the-relay-race-of-defining-crimes-against-humanity-from-the-international-tribunals-to-the-draft-articles/> [<https://perma.cc/PE7K-9SLV>]) («این ماهیت گسترده یا سیستماتیک آن‌هاست که جنایات خاص (که در اصل خود وحشتناک است) را به جنایاتی ارتقا می‌دهد که وجدان جامعه بین‌المللی را شوکه می‌کند و توهین به مفهوم انسانیت است.»).

^{۸۱} طبق کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، یک قاعده آمره «به عنوان قاعده‌ای که هیچ‌گونه انحرافی از آن مجاز نیست و تنها با قاعده‌ای متعاقب حقوق بین‌الملل عمومی با همان ویژگی قابل تغییر است، توسط جامعه بین‌المللی دولت‌ها به عنوان قاعده‌ای کامل پذیرفته و به رسمیت شناخته می‌شود.» کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات ماده ۲۶ و ۵۳، برای امضا در ۲۳ می، ۱۹۶۹، ۱۱۵۵ U.N.T.S. 331, 339, 334 (از ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰ لازم‌الاجرا شد).

^{۸۲} پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، یادداشت فوق ۱۴، در ماده ۴۰. ¶ ۴.

^{۸۳} مصاحبه زوم با شهرزاد اکبر، یادداشت فوق ۲.

برابری و عدم تبعیض را نقض می‌کند. سپس تأثیرات مشخص حکومت دوره اول و دوم طالبان را به عنوان نمونه‌های الگویی بر حقوق بشر ارائه می‌دهد.

مشابه آپارتاید نژادی، آپارتاید جنسیتی یک سیستم حکومتی مبتنی بر قوانین و یا سیاست‌ها است که تفکیک سیستماتیک زنان و مردان را تحمیل می‌کند و همچنین ممکن است به‌طور سیستماتیک زنان را از مکان‌ها و حوزه‌های عمومی طرد کند.^{۸۴} تبعیت زنان را در نقض «اصول اساسی به رسمیت شناخته‌شده بر اساس حقوق بین‌الملل»^{۸۵}، تدوین می‌کند، همان‌طور که کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، حقوق برابر مردان و زنان برای برخورداری از همه حقوق بشر را مشخص می‌کند.^{۸۶} به همان اندازه که آپارتاید نژادی با اصول مشابه منع تبعیض نژادی تضعیف می‌شود، آپارتاید جنسیتی نیز با این قواعد اساسی حقوق بین‌الملل تناقض دارد.^{۸۷} در نهایت، همانند آپارتاید نژادی برای سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی، آپارتاید جنسیتی نابودکننده انسانیت زنان است. همه جوانب موجودیت زن کنترل و بررسی می‌شود. در همه نهادها و مکان‌ها؛ عمومی و خصوصی نفوذ می‌کند. از آپارتاید جنسیتی هیچ راه‌گریزی نیست. راه‌حل نمی‌تواند خروج نیمی از جمعیت کشور باشد.^{۸۸}

آپارتاید جنسیتی نه صرفاً تفکیک زنان و مردان بلکه یک سیستم سلسله‌مراتبی است که حقارت زنان و برتری مردان را حفظ می‌کند. همانند آپارتاید جنسیتی، آپارتاید نژادی مبتنی بر تبعیض است، اما آنچه درک آن ضروری به نظر می‌رسد ماهیت ترکیبی و سیستماتیک آن است. همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد آپارتاید نژادی در تفسیر پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها اشاره کرد: «رفتار تجمعی ماهیت عمل نادرست را تشکیل می‌دهد.»^{۸۹} کارشناسان بر «فراگیری» آپارتاید

^{۸۴} آپارتاید جنسیتی اغلب به‌طور قابل‌توجهی حقوق زنان را در حوزه خصوصی محدود می‌کند. دانشمندان فمینیست تفکیک عمومی و خصوصی را که به‌طور کلاسیک در قوانین حقوق بشر به کار می‌رود، به چالش کشیده‌اند. محدودیت‌ها در زندگی عمومی و خصوصی به یکدیگر وابسته هستند و تأثیرات آن‌ها درهم‌تنیده شده است. رومانی، یادداشت فوق ۳۳. هنگامی که زنان نمی‌توانند به‌صورت برابر به حوزه‌های عمومی دسترسی پیدا کنند، نمی‌توانند راه‌حلی برای آسیب‌های خانواده بیابند و بالعکس.

^{۸۵} کمیسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۶: حق برابر زن و مرد برای برخورداری از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ¶ ۱، U.N. Doc. E/C.12/2005/4 (۱۱ آگوست، ۲۰۰۵) از این پس توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۶.]

^{۸۶} برای بررسی این معیارها به یادداشت‌های ۲۴۳-۵۱ مراجعه کنید.

^{۸۷} به یادداشت‌های زیر ۲۴۰-۲۹۰ و متن ضمیمه آن مراجعه کنید.

^{۸۸} علاوه بر این، محدودیت‌های آپارتاید مانع از خروج زنان می‌شود. کتی گانون، مقامات: طالبان زنان بدون همراه را از پروازها منع کردند، PBS NEWS، (۲۶ مارس ۲۰۲۲، ۱۱:۲۹ قبل از ظهر) (<https://www.pbs.org/newshour/world/officials-taliban-blocked-unaccompanied-women-from-flights>) ([\[https://perma.cc/5FW5-DNP5\]](https://perma.cc/5FW5-DNP5))

^{۸۹} پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، یادداشت فوق ۱۴، ماده ۱۵، توضیحات ۴.

نژادی و نحوه عملکرد آن به عنوان یک «سیستم نقض فاحش حقوق بشر» تأکید کرده‌اند.^{۹۰} این در مورد آپارتاید جنسیتی نیز صادق است و به وضوح در قبال طالبان افغانستان قابل شناسایی است. به‌طور عمدی، سیستماتیک و فراگیر، تبعیض‌آمیز است. هیچ‌چیز اتفاقی یا افسانه‌ای در مورد تخلفات ناشی از آن وجود ندارد. این موضوع مشکلات حقوق بشری خاصی را ایجاد می‌کند که نیازمند پاسخ‌های ویژه و شدید است.^{۹۱} علی‌رغم چهارچوب اصولی قوی بین‌المللی و این واقعیت که توسط اسناد اساسی نظم حقوقی جهانی معاصر منع شده است، تبعیض علیه زنان در عمل به عنوان یکی از فراگیرترین موارد نقض حقوق بشر در سراسر جهان باقی‌مانده است.^{۹۲}

با این حال، ایجاد یک سیستم حکومتی با چنین شیوه‌ها و طراحی به منظور تحمیل آن‌ها، میزان سوءاستفاده را به سطح بالاتری افزایش می‌دهد. این امر تبعیض جنسیتی را در میان زیرساخت‌های سیاسی، قانونی و فرهنگی دولتی نهادینه می‌کند - مشکلی که از هنجارهای اجتماعی رایج‌تر مردسالارانه که در بیش‌تر جوامع به درجات مختلف یافت می‌شود، متمایز است و نیاز به ضد استراتژی‌های متفاوتی دارد.

در زمینه‌ای طالبان، اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» بیانگر این موضوع است که در آن تبعیض به جای انحراف، خودش به بخشی از سیستم حکومتی تبدیل شده که هدف دولت و سیاست عمومی در آن تبعیض است. این امر رابطه ملت و دولت (نهادی که عملاً کنترل می‌کند) را با اعمال شیوه‌های تبعیض‌آمیز تغییر می‌دهد، طوری که به موتور تبعیض تبدیل می‌شود. همچنین روش‌هایی را که ممکن است انتقاد و بررسی حقوق بشر بتواند بر آن‌ها تأثیر بگذارد تغییر می‌دهد. تصادفی نیست که طالبان در این زمینه به فشارها پاسخ حداقلی داده‌اند. نفرت اعمال شده آن‌ها از زنان قلب بنیاد حکومت آن‌هاست.

^{۹۰} آنتونی لوستد ANTHONY LÖWSTEDT، آپارتاید - باستان، گذشته و حال: نقض فاحش حقوق بشر در یونانی - روم، مصر، آفریقای جنوبی، اسرائیل / فلسطین و فراتر از ۱۶۴، ۲۳۰ (۲۰۱۶).

^{۹۱} این توضیح می‌دهد که چرا سازمان ملل صرفاً بر سوءاستفاده‌های ناشی از آپارتاید تمرکز نکرد بلکه به دنبال حذف خود ایده برتری نژادی بود. مراجعه کنید به: قطعنامه مجمع عمومی ۳۹۵ (V)، مقدمه (۲ دسامبر ۱۹۵۰) («سیاست تفکیک نژادی» (آپارتاید) لزوماً مبتنی بر آموزه‌های تبعیض نژادی است). در مقدمه کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی، کشورهای عضو متعهد به پیشگیری و مبارزه با «دکترین‌های نژادپرستانه» هستند. کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، مقدمه، برای امضاء در ۷ مارس ۱۹۶۶، S. Exec. Doc. C, 95-2, at 2 (1978), 660 U.N.T.S. 195, 212-16 (در ۴ ژانویه ۱۹۶۹ لازم‌الاجرا شد). [از این پس ICERD].

^{۹۲} اجرایی شدن همچنان یک چالش مهم در زمینه حقوق بین‌الملل به‌طور کلی و در حقوق بین‌الملل حقوق بشر به‌طور خاص است. با این حال، پیشرفت‌های قابل‌توجهی در این زمینه صورت گرفته است که اغلب نادیده گرفته می‌شوند. لری اف. دامروش، اجرای حقوق بین‌الملل از طریق اقدامات غیر قهری، در ۲۶۹ دوره گردآوری‌شده آکادمی قانون حقوق بین‌الملل، ۹ (۱۹۹۷)؛ دیوید بالوارت و کریستین ام. دیووس، OPEN SOC'Y FOUND، از قضاوت تا عدالت: اجرای تصمیمات بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر (۲۰۱۰).

همه این‌ها روشن می‌کند که چرا قوانین عادی حقوق بشر و هنجارهای عدم تبعیض مؤلفه‌های مهم انتقاد از آپارتاید هستند؛ اما برای پرداختن به آن نیز کافی نیستند. مشکل خاصی که آپارتاید بر اساس نژاد یا جنسیت ایجاد می‌کند، برخلاف سایر اشکال تبعیض عملی یا دوره‌ای، روشی است که مفروضات قانون حقوق بشر را تغییر می‌دهد. معاهدات حقوق بشر، دولت را در مرکز قرار داده و آن را به عنوان نهادی برای تحقق برابری خطاب می‌کنند.^{۹۳} زمانی که دستگاه دولت سازمان‌دهی می‌شود تا نابرابری سیستماتیک را اجباری کند و قانون یا سیاست آن تبعیض را به عنوان هنجار تدوین کند، مدل حقوق بین‌المللی حقوق بشر نمی‌تواند کارساز باشد. دولت به منبع اولیه تبعیض تبدیل می‌شود و عملکرد آن را در جامعه تقویت می‌کند. این توهین به اصول حاکمیت قانون است. بررسی دقیق بین‌المللی و مشارکت جهانی برای تحقق اهداف اساسی حقوق بین‌الملل در چنین زمینه‌ای کاملاً ضروری است. در واقع، بدون آن‌ها یا بدون تغییر سیستمی در داخل کشور که مطابق با قوانین بین‌الملل ایجاد شود،^{۹۴} دستیابی به آن اهداف غیرممکن خواهد بود.

ب. «ناهنجار از دیدگاه حقوق بشر»: مخالفت اولیه با آپارتاید جنسیتی

در دهه ۱۹۹۰، کارزار علیه تکرار دوباره آپارتاید جنسیتی در افغانستان، مدافعان حقوق بشر زن افغان و شرکای فمینیست جهانی را گرد هم آورد تا تلاش کنند که پاسخی مؤثر به حکومت اول طالبان ارائه کنند. آن‌ها خطرات افغانستان تحت حاکمیت طالبان را قبل از جنایات ۱۱ سپتامبر، در زمانی که دولت‌ها با گروه مسلح مماشات می‌کردند و شرکت‌های نفتی به دنبال معاملات سودآور با آن بودند، تشخیص دادند.^{۹۵} این مدافعان حقوق زنان در نتیجه قوانین بین‌الملل را به چالش می‌کشیدند تا به وعده‌های

^{۹۳} برای خلاصه و نقد این دیدگاه، مراجعه کنید به: ربکا کوک، مسئولیت‌پذیری در حقوق بین‌الملل برای نقض حقوق زنان توسط بازیگران غیردولتی، DALLMEYER، یادداشت فوق ۳۱، ص ۹۳-۱۱۶.

^{۹۴} چنین تغییری در حال حاضر در افغانستان عملاً غیرممکن به نظر می‌رسد. مداخله نظامی قبلاً امتحان شده است. حمایت محلی از حقوق بشر مهم اما ناکافی است. یک احتمال واقع‌بینانه در افق سیاسی، تغییر به رژیمی حتی بدتر نزدیک به دولت موسوم به «دولت اسلامی» در صورت سقوط حکومت طالبان است. ویکتور جی بلو و همکاران، داعش تهدیدی روبرشد برای دولت جدید طالبان در افغانستان است، نیویورک تایمز (۳ نوامبر، ۲۰۲۱) (<https://www.nytimes.com/2021/11/03/world/asia/isis-afghanistan-taliban.html>) ([<https://perma.cc/Z6GG-MUW3>])

^{۹۵} دن مورگان و دیوید بی. اوتاوی Dan Morgan & David B. Ottaway، خشم زنان همسو با توقف خط لوله نفت توسط طالبان، واشنگتن پست، (۱۱ ژانویه، ۱۹۹۸) (<https://www.washingtonpost.com/archive/politics/1998/01/11/womens-fury-toward-taliban-stalls-pipeline/8a3d9be1-33ee-4922-84bd-3840baa95f13/>) ([<https://perma.cc/5X2Y-XVNO>])

اساسی خود عمل کنند و دولت‌ها را در لفاظی‌های خود در مورد [حق] برابری دخیل بسازند. همان‌طور که نانسی گالاگر توضیح داد:

تبعیض جنسیتی هرگز موضوع اصلی سیاست خارجی بین‌المللی نبوده است، اما فمینیست‌ها و فعالان حقوق بشر اکنون خواستار پاسخی بین‌المللی به طالبان، مشابه واکنش بین‌المللی به دولت آپارتاید آفریقای جنوبی شدند. از این رو اصطلاح جدید «آپارتاید جنسیتی» و ایده کمپینی بین‌المللی ضد آپارتاید جنسیتی به وجود آمد.^{۹۶}

زنان مسلمانی که قبلاً در مبارزات محلی و فراملی علیه بازیگران دولتی و غیردولتی بنیادگرایی مسلمان شرکت کرده بودند، اغلب در خط مقدم پیشبرد چنین تحلیلی بودند.^{۹۷} مهناز افخمی، مدافع حقوق زنان ایرانی در سال ۲۰۰۱ نوشت که «احیای مجدد افکار بنیادگرایانه اسلامی» در برخی از کشورهای اکثریت مسلمان به دنبال ایجاد «درجات مختلف آپارتاید جنسیتی در جوامع مسلمان» است - از تصویب لایحه جداسازی بیمارستان‌ها در ایران تا «تفکیک کامل» جامعه که توسط طالبان در افغانستان ترویج می‌شود.^{۹۸} این کار موفقیت حقوق بین‌الملل در مقابله با آپارتاید نژادی را در ذهن داشت و به دنبال به‌کارگیری درس‌هایی از آن تجربه بود.

یکی از کارشناسان سرشناس حقوق بشر سازمان ملل در مورد میراث اسلامی که مشخص کرد این بحث در مورد انتخاب‌های سیاسی با تأثیرات جدی بر زنان است، نه صرفاً در مورد مذهب یا فرهنگ، نیز مایل به استفاده از این رویکرد بود. در دوران حکومت اول طالبان، عبدالفتاح آمور که در آن زمان منصب گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد از بین بردن تعصب و هر نوع تبعیض بر اساس مذهب یا اعتقاد را بر عهده داشت، به‌طور خاص ادعا کرد که زنان افغان در معرض نوعی «آپارتاید» قرار می‌گیرند.^{۹۹} در بیانیه مطبوعاتی سازمان ملل در ارتباط با گزارش خود، او با نگرانی شدید تأکید کرد که

^{۹۶} نانسی گالاگر Nancy Gallagher، کمپین بین‌المللی علیه آپارتاید جنسیتی در افغانستان، ۵ INT'L J. UCLA L. & FOREIGN AFF. 367, 378 (2000).

^{۹۷} به عنوان مثال، مراجعه کنید به: لیزا ام. ایوب، بحران در افغانستان: چه زمانی آپارتاید جنسیتی پایان خواهد یافت؟، ۷ TULSA J. COMP. & INT'L L. 513 (۲۰۰۰).

^{۹۸} مهناز افخمی، آپارتاید جنسیتی و گفتمان نسبیت حقوق در جوامع مسلمان، در مبانی دینی و حقوق بشر زنان ۶۷، ۶۸ (کورتنی دبلیو. هاولند، ویرایش ۱۹۹۹).

^{۹۹} طالبان «نظام آپارتاید» را برای زنان ایجاد کرده‌اند: گزارش سازمان ملل، آژانس مطبوعاتی فرانسه (۱۲ مارس، ۱۹۹۹) (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا). بیانیه مطبوعاتی، کمیسیون حقوق بشر، گزارشگران ویژه در مورد تعصب مذهبی و استقلال قضایی، کارشناس مستقل در مورد جبران خسارت کمیسیون آدرس حقوق بشر، بیانیه مطبوعاتی سازمان ملل متحد HR/CN/99/32 (۱۲ آوریل، ۱۹۹۹) (<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2009/10/special-rapporteurs-religious-intolerance-and-judicial-independence> [<https://perma.cc/HJ43-7565>])

«زنان در معرض نوعی آپارتاید مذهبی بودند و به عنوان مثال در افغانستان، از بنیادگرایی مذهبی رنج می‌بردند.»^{۱۰۰}

طالبان بر اساس تفسیر خود از اسلام، آنچه را که در واقع نظام آپارتاید در رابطه با زنان است، معرفی کرده است که شامل: محرومیت زنان از جامعه، اشتغال و مدارس، الزام زنان به پوشیدن برقع درملاءعام و محدودیت در سفر با مردانی غیر از اعضای خانواده می‌شود. گزارشگر ویژه معتقد است که حفظ آشکار و علنی یک سیاست آپارتایدی با این ماهیت از دیدگاه حقوق بشر غیرعادی است.^{۱۰۱}

سخنان او در برابر پس‌زمینه ادعاهای عمومی‌تر که مکانیسم‌های سازمان ملل امروز مطرح می‌کنند، قابل توجه است.^{۱۰۲} آن مایر، محقق برجسته اسلام و حقوق بشر، به درستی توضیح می‌دهد که «عبدالفتاح آمور به عنوان مسلمانی از تونس، کشوری مسلمان که در آن قوانین مترقی عموماً برابری زنان را در حقوق قائل است، می‌تواند دلایل اسلامی ارائه شده برای رفتار تحقیرآمیز طالبان با زنان را بررسی کند و رد کند.»^{۱۰۳}

با توجه به چنین وضوح مفهومی و رهبری حقوق بشر، تعجب‌آور است که از آن زمان تاکنون چقدر از اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» در اصطلاحات حقوقی بین‌المللی، از جمله در سیستم حقوق بشر کم استفاده شده است. مایر استدلال کرد که آپارتاید جنسیتی به عنوان یک آپارتاید نسبتاً «بی‌خطر» تلقی شده است زیرا به نظر نمی‌رسد که پیوندی مشابه با آپارتاید نژادی با استعمار داشته باشد، این امر مشمول توجیهات نسبی‌گرایی فرهنگی است^{۱۰۴} و به نظر او لحن زبان کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد («CEDAW»)، نسبتاً ضعیف است.^{۱۰۵}

دیدگاه‌هایی که مایر مورد انتقاد قرار می‌دهد را می‌توان با استفاده از ابزار حقوق بین‌الملل فمینیستی قرن بیست و یکم حذف کرد. این امر مستلزم انجام سه‌گام کلیدی است: (۱) تشخیص این‌که

^{۱۰۰} بیانیه مطبوعاتی، گزارشگران ویژه در مورد تعصب مذهبی و استقلال قضایی، کارشناس مستقل در مورد جبران خسارت آدرس کمیسیون حقوق بشر، بیانیه مطبوعاتی سازمان ملل متحد HR/CN/908 (۱۳ آوریل، ۱۹۹۹).

^{۱۰۱} عبدالفتاح آمور Abdelfattah Amor (گزارشگر ویژه در مورد رفع تعصب و همه اشکال تبعیض بر اساس مذهب یا اعتقاد)، حقوق مدنی و سیاسی، از جمله تعصب مذهبی، ¶ ۲۶، U.N. Doc. E/CN.4/1999/58 (۱۱ ژانویه، ۱۹۹۹).

^{۱۰۲} به یادداشت‌های زیر ۲۰۱-۲۰۸ و متن ضمیمه آن مراجعه کنید.

^{۱۰۳} آن الیزابت مایر Ann Elizabeth Mayer، آپارتاید «خوش‌خیم»: چگونه آپارتاید جنسیتی منطقی شده است؟ ۵ UCLA J. INT'L L. & FOREIGN AFF. 237, 237-388 (۲۰۰۰).

^{۱۰۴} این استدلال متقابل در قسمت چهارم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

^{۱۰۵} مایر، یادداشت فوق ۱۰۳.

تعهدات در حقوق بین‌الملل برای پایان دادن به تبعیض جنسیتی به اندازه تعهدات مربوط به استعمارزدایی قوی است،^{۱۰۶} (۲) امتناع از تداوم نسخه جهانی تفکیک عمومی - خصوصی که تبعیض نژادی سیستماتیک را به عنوان مسأله‌ای بین‌المللی و در نتیجه برای شدیدترین سرزنش مناسب می‌داند و تبعیض جنسی را به عنوان مسأله‌ای داخلی و در نتیجه مشمول واکنش بین‌المللی با ملایمت بیش‌تر نشان می‌دهد و (۳) تفسیر جسورانه کنوانسیون CEDAW برای قرن بیست و یکم. هر یک از جنبه‌های این رویکرد در زیر بررسی شده است. در همین حال، توضیحات زیر از حکومت طالبان در افغانستان در دهه ۱۹۹۰ و امروز، واقعیت آپارتاید جنسیتی و نیاز به چنین واکنش حقوقی بین‌المللی را بیش‌تر نشان می‌دهد.

ج. آپارتاید جنسیتی در افغانستان

۱. حکومت طالبان، دوره اول: ۱۹۹۶-۲۰۰۱

درک تأثیر حکومت آپارتاید جنسیتی طالبان بر زنان، مستلزم توجه به تاریخ زنان افغانستان در قرن بیستم است. برخلاف وضعیت کنونی، زنان افغانستان در بیش‌تر قرن بیستم تا سال ۱۹۷۹ مسیر حقوقی مثبتی را تجربه کردند.^{۱۰۷} این در زمان یک سلسله از پادشاهان اصلاح‌طلب و اولین رژیم کمونیستی (اگرچه رژیم دوم نیز درگیر سرکوب سیاسی فزاینده بود) رخ داد. پس از تهاجم غیرقانونی شوروی در سال ۱۹۷۹، با مداخله متقابل ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی،^{۱۰۸} از گروه‌های

^{۱۰۶} استانداردهای مربوطه در مورد هر موضوع در منشور ملل متحد، در معاهدات متعدد و در اعلامیه‌های مکرر مجمع عمومی سازمان ملل آمده است. اسناد کلیدی سازمان ملل در رابطه با استعمارزدایی، DAG HAMMARSKJÖLD LIBRARY، <https://research.un.org/en/docs/decolonization/keydocs> [https://perma.cc/D6PL-SWJK]

^{۱۰۷} هما احمد قوش Huma Ahmed-Ghosh، تاریخ زنان در افغانستان، ۴، J. INT'L WOMEN'S STUD. 1، 5-7 (۲۰۰۳).

^{۱۰۸} متأسفانه، طالبان در اعمال تبعیض قانونی گسترده و سیستماتیک علیه زنان تنها نبوده‌اند. پادشاهی عربستان سعودی، حامی ثروتمند گروه‌های مجاهدین و یکی از تنها سه کشوری است که مقامات حکومت اول طالبان را به رسمیت می‌شناسد، همین کار را نیز انجام می‌دهد. یکی از کشورهای عضو کنوانسیون CEDAW از سال ۲۰۰۰، زنان را از رانندگی تا سال ۲۰۱۷ منع کرد. جیمی تارابی، زنان در عربستان سعودی هنوز این کارها را انجام داده نمی‌توانند، CNN (۶ دسامبر، ۲۰۱۷، ۴:۲۳ قبل از ظهر)، <https://www.cnn.com/2017/09/27/middleeast/saudi-women-still-cant-do-this/index.html> [https://perma.cc/RB55-DUEQ]

پادشاهی عربستان هنوز تبعیض جنسی گسترده را اعمال می‌کند، سیستم سرپرستی مردان در بخش‌های اجازه زنان برای سفر، انتخاب محل اقامت یا دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی که به آن‌ها نیاز دارند را حفظ می‌کند. کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان، مشاهدات پایانی در مورد گزارش‌های دوره‌ای ترکیبی سوم و چهارم عربستان سعودی، 15، 61 (۱۹۹۱) U.N. Doc. CEDAW/C/SAU/CO/3-4 (۱۴ مارس، ۲۰۱۸)

مجاهدین از جمله افراط‌گرایان حمایت کردند. خروج شوروی در سال ۱۹۸۹ راه را برای درگیری فاجعه‌بار بین این گروه‌های مجاهد در دهه ۱۹۹۰ هموار کرد. در این موقعیت، طالبان در سال ۱۹۹۴ با حمایت سرویس امنیتی پاکستان یا (ISI) متشکل از یتیمان جنگی که در مدارس افراطی (مدارس مذهبی) تربیت شده بودند و احتمالاً با زنان ارتباط کم یا اصلاً ارتباط نداشتند،^{۱۰۹} ظهور کردند. در جریان یک جنگ راکتی جهنمی، طالبان کابل را در آگوست ۱۹۹۶ فتح کرد و اکثریت کشور را تحت کنترل خود در آورد.^{۱۱۰}

حکومت اول طالبان شاهد تحمیل آپارتاید جنسیتی سیستماتیک، از جمله پایان تحصیل برای زنان و دختران، در کنار سایر موارد نقض گسترده حقوق بشر بود.^{۱۱۱} سیاست‌های طالبان آنچه از حقوق

کمسیون بدنام امر به معروف و نهی از منکر عربستان یا پلیس مذهبی (Mutawa) حتی به فروشگاه‌ها دستور داده است که دیوارهای تفکیک جنسی در محل کار بسازند. «Wall-Mart؟» [بازار دیواری؟] فروشگاه‌های سعودی دیوارهای جدا سازی جنسی می‌سازند، اخبار العربیه (۲۹ ژانویه، ۲۰۱۳) (<https://english.alarabiya.net/articles/2013/01/29/263211> [https://perma.cc/U6EW-6EX4])

در مکان‌های عمومی، زنان باید از ورودی‌های مجزای کناری استفاده کنند و تنها در صورتی می‌توانند به آنجا مراجعه کنند که بخش خانوادگی جدا از مردان مجرد باشد. هنری هنکس، استقبال زنان در فروشگاه استاریاکس عربستان سعودی پس از ممنوعیت موقت، CNN، (۸ فوریه، ۲۰۱۶) (<https://www.cnn.com/2016/02/07/world/saudi> [https://perma.cc/VU9C-EA98].) starbucks-women-ban-fe at/index.html

اخیراً، عربستان سعودی گام‌های متواضعی را در جهت از بین بردن رژیم آپارتاید جنسیتی خود برداشته است، چیزی که مدافعان حقوق زن افغان با آن‌ها به عنوان یک نکته مثبت اشاره کردند.

با این حال، جامعه بین‌المللی به دلیل ثروت و قدرت کسانی که آن را مرتکب می‌شوند، با این نسخه شیک آپارتاید جنسیتی موافقت کرده است. مراجعه کنید به: بحث در مورد مشکلات ناشی از کمک‌های داوطلبانه عربستان سعودی به سازمان ملل، کریستینا بی داوگیرداس، تأمین مالی حکومت جهانی، ۲۹ (2021) 639, 646-47 N.Y.U. ENV'T L.J. سخت است که طالبان را متقاعد کنیم که تغییر کنند، زمانی که یک متحد غربی دست به اعمالی می‌زند که شبیه آن‌هاست. دولت عربستان سعودی در حالی که از طالبان که عمدتاً زنان و دختران را از بخش‌هایی مانند آموزش محروم می‌کند، متمایز است، به‌طور فعال تفکیک جنسیتی را در سایر زمینه‌های اکثریت مسلمان خارج از مرزهای خود ترویج می‌کند. مراجعه کنید به: کریمه بنون، فتوای شما در این‌جا اعمال نمی‌شود. ۱۰۵-۰۶ (۲۰۱۳)

^{۱۰۹} احمد رشید، طالبان: اسلام مبارز، نفت و بنیادگرایی در آسیای مرکزی ۱۷-۳۰ (۲۰۱۰).
^{۱۱۰} توجه داشته باشید که طالبان کرسی افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل را ندارند. در عوض، ائتلاف شمال که نماینده دولت سابق بود و برخی از مناطق را تحت کنترل داشت، کرسی را حفظ کرد. میشل نیکولز، فرستاده نام نهاد طالبان در افغانستان از سازمان ملل درخواست می‌کند تا با رهبران جهانی صحبت کند، رویترز (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱، ۴:۱۹ بعدازظهر)، (<https://www.reuters.com/world/asia-pacific/exclusive-taliban-names-afghan>) (un-envoy-asks-speak-world-leaders-2021-09-21) (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا)

^{۱۱۱} مری ملیسی و هر تلی بلیکیک Meri Melissi Hartley-Blecic. حذف زنان: ظلم و ستم طالبان به زنان در افغانستان، ILSA J. INT'L & COMPAR. L. 553 ۷ (۲۰۰۱). بر اساس گزارش‌ها، تعداد کمی از مدارس دخترانه در دو منطقه از کشور بازمانده است. پیگیری تلفنی مصاحبه دوم با زبیده اکبر، یادداشت فوق ۲۳.

بشر زنان پس از هفده سال جنگ باقی مانده بود را از بین برد.^{۱۱۲} آن‌ها حذف حضور زنان را از تمام عرصه‌های اجتماعی نظام‌مند کردند. رژیم طالبان پس از به دست گرفتن قدرت، یک سیستم آپارتاید جنسیتی را ایجاد کرد که زنان افغانستان را به‌طور مؤثر در حالت حبس خانگی مجازی قرارداد. تحت حکومت طالبان، زنان از همه حقوق بشر - کار، دیده‌شدن، فرصت برای آموزش، صدا، مراقبت‌های بهداشتی و تحرک محروم بودند.^{۱۱۳}

فرمان‌های خاص طالبان زنان را از کار منع کردند، زنان و دختران را از مکاتب و دانشگاه‌ها اخراج کردند،^{۱۱۴} زنان را از ترک خانه‌های خود بدون داشتن خویشاوند نزدیک مرد یا محرم منع کردند (محدودیتی که اثرات آن در کشوری پر از بیوه‌های جنگی تشدید شد)^{۱۱۵} و حتی «زنان و دختران را از معاینه توسط پزشکان مرد منع کرد و در عین حال پزشکان و پرستاران زن را از کار منع کرد.»^{۱۱۶} این سیاست‌ها پیامدهای شدیدی داشت که منجر به یکی از بالاترین نرخ‌های مرگ‌ومیر مادران در جهان شد^{۱۱۷} و «در واقع زنان بیوه و فرزندان‌شان را به گرسنگی محکوم می‌کند.»^{۱۱۸} شیشه‌های خانه‌های زنان

^{۱۱۲} آناستیازا تلیسیتسکی Anastasia Telesetsky، در سایه‌ها و پشت حجاب: زنان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان ۱۳ BERKELEY WOMEN'S L.J. 293, 296-98 (۱۹۹۸). لیندسی ام. گری، تغییر قانون پناهندگی برای زنان افغان تحت حکومت طالبان: زمان‌های درماندگی، اقدامات میانه‌رو، ۴۰ BRANDEIS L.J. 557, 557-60 (۲۰۰۱). ویدنی براون و لورا گرنفل، جنایت بین‌المللی آزار و اذیت جنسیتی و طالبان، ۵ MELB. J. INT'L L. 347, 350-51 (۲۰۰۳).

^{۱۱۳} طالبان و زنان افغان، اکثریت فمینیست پیدا شد، (<https://feminist.org/our-work/afghan-women-and-girls/the-taliban-afghan-women/>) [<https://perma.cc/H3RB-T8LX>]

^{۱۱۴} زنان مدافع حقوق بشر طرح مفصلی از مکاتب مخفی طراحی کردند و به‌خاطر انجام این کار با خطر مجازات شدید مواجه شدند. لطیفه، چهره ممنوعه من: بزرگ‌شدن زیردست طالبان (ترجمه لیندا کاوردیل، ۲۰۰۱).

^{۱۱۵} مراجعه کنید به: وزارت امور خارجه ایالات متحده، دفتر دموکراسی، حقوق بشر و آزمایشگاه، گزارش در مورد جنگ طالبان علیه زنان (۲۰۰۱) «حدود ۵۰ هزار زن که شوهران و دیگر خویشاوندان مذکر خود را در طول جنگ داخلی افغانستان از دست داده‌اند. بسیاری از آن‌ها برای سیرکردن خانواده‌هایشان مجبور به فروش تمام دارایی خود، گدایی در خیابان‌ها و یا بدتر از آن شدند.»

^{۱۱۶} مراجعه کنید به: طالبان و زنان افغان، یادداشت فوق ۱۱۳؛ گزارش در مورد جنگ طالبان علیه زنان، یادداشت فوق ۱۱۵. باگذشت زمان، به چند زن پزشک و پرستار اجازه داده شد در بخش‌های جدا کار کنند. با این حال، زنان و دختران به دلیل عدم رسیدگی پزشکی به دلیل این محدودیت‌ها جان خود را از دست دادند.

^{۱۱۷} گزارش در مورد جنگ طالبان علیه زنان، یادداشت فوق ۱۱۵.

^{۱۱۸} جان آر. آلن و واندال فلباب براون John R. Allen & Vanda Felbab-Brown، سرنوشت حقوق زنان در افغانستان، BROOKINGS INST (2020). (<https://www.brookings.edu/essay/the-fate-of-womens-rights-in-afghanistan>) [<https://perma.cc/4RL8-HASN>]

را سیاه کرده بودند که دیده نشوند،^{۱۱۹} نقض قوانین با ضرب و شتم، شلاق، اعدام و حتی سنگسار مواجه می‌شد.^{۱۲۰}

برای کسانی که استدلال می‌کنند که طالبان می‌توانند تغییر کنند، شایان ذکر است به ارزیابی سازمان مبارزاتی معروف به «اکثریت فمینیستی» از حکومت این گروه در دهه ۱۹۹۰ توجه شود:

حتی پس از محکومیت بین‌المللی، طالبان فقط تغییرات جزئی ایجاد کردند. زمانی که طالبان به چند زن دکتر و پرستار اجازه کار دادند، برخی معتقد بودند که پیشرفتی صورت گرفته است، در حالی که حتی برای زنان در شفاخانه‌ها بخش‌های مجزا داشتند. در کابل و سایر شهرها، چند مکتب خانگی دخترانه به صورت مخفی کار می‌کردند. زنانی که این مکاتب خانگی را اداره می‌کردند، خطر مرگ یا ضرب و شتم شدید را به جان خریده بودند.^{۱۲۱}

تأثیرات گسترده سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان بر حقوق بشر زنان، خشونت علیه زنان را در برمی‌گرفت و به قدری گسترده بود که بسیاری از خانواده‌ها دختران خود را برای امنیت خود به پاکستان یا ایران فرستادند.^{۱۲۲} نرخ بالای خودکشی و افسردگی در میان زنان ناشی از همین سیاست‌ها و پیامدهای آن بود. یک بیوه ۳۵ ساله افغان وخامت اوضاع را چنین خلاصه بیان داشت: «ما در خانه محبوسیم و خورشید را نمی‌بینیم.»^{۱۲۳} علی‌رغم این واقعیت تلخ و حمایت از مدافعان بین‌المللی و محلی حقوق زنان، جامعه بین‌المللی نتوانست واکنش جدی در قبال آپارتاید جنسیتی نشان دهد و آن را به عنوان «علامت خطر»^{۱۲۴} وحشت بیش‌تر، نادیده گرفت. این وضعیت تا زمانی ادامه داشت که ایالات متحده با حمایت ائتلاف‌های بین‌المللی و افغان، حکومت اول طالبان را پس از حمله ۱۱ سپتامبر سرنگون کرد، حمله‌ای که این گروه اجازه داد تا از قلمرو آن‌ها برنامه‌ریزی شود.^{۱۲۵}

^{۱۱۹} گزارش در مورد جنگ طالبان علیه زنان، یادداشت فوق ۱۱۵.

^{۱۲۰} تأثیر این مجازات توسط نویسندگان افغان به تصویر کشیده شد، خالد حسینی، هزار خورشید تابان (۲۰۰۸) و مریم محبوب، گم [=ناپدید] (۱۹۹۹).

^{۱۲۱} طالبان و زنان افغان، یادداشت فوق ۱۱۳.

^{۱۲۲} گزارش در مورد جنگ طالبان علیه زنان، یادداشت فوق ۱۱۵.

^{۱۲۳} همان.

^{۱۲۴} سازمان‌های حقوق بشر، از جمله سازمان‌های میراث اسلامی، نسبت به عواقب وخیم ناتوانی جامعه بین‌المللی در جدی گرفتن خشونت بنیادگرایان علیه زنان به عنوان «علامت خطر» هشدار داده‌اند. عایشه امام، جنی مورگان و نیرا یووال دیویس، علائم خطر اصول‌گرایی: زنانی که تحت قوانین اسلامی زندگی می‌کنند (۲۰۰۴).

^{۱۲۵} برخلاف جنگ عراق در سال ۲۰۰۳، می‌توان دلیل محکمی برای قانونی بودن مناقشه‌ای که طالبان را سرنگون کرد، مطرح نمود. مونیکا حکیمی، نیروی دفاعی در برابر بازیگران غیردولتی: وضعیت بازی، J. INT'L L. STUD. 1, 9-1491.

۲. حکومت طالبان، دوره دوم: آگوست ۲۰۲۱ تاکنون

درست مانند ظهور دوره اول، رژیم جدید طالبان که در حال حاضر کنترل کشور را در سال ۲۰۲۱ به دست گرفت، باید در پرتو خط سیر حقوق زنان در چهارچوب زمانی قبلی در نظر گرفته شود. پس از سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱، پیشرفت قابل توجهی برای زنان افغان حاصل شد، اگرچه همه زنان از

(2015) زمانی که در سال ۲۰۰۵ از افغانستان بازدید کردم، از میزان حمایتی که برای این مداخله وجود داشت، از کابل تا قندهار، شگفت زده شدم.

با این حال، در رابطه با *قانون بین‌المللی جنگ*، شواهد معتبری وجود دارد که نشان می‌دهد ایالات متحده و دیگر بازیگران بین‌المللی در جریان جنگ، مقررات حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را نقض کرده‌اند و رنج بسیاری را به بار آورده‌اند، حتی در حالی که به‌طور موجه به دنبال نگه‌داشتن طالبان در منطقه بوده‌اند. شهرزاد اکبر، *پایان‌دادن به جنگ برای همیشه، اما به‌جا گذاشتن معافیت از مجازات در افغانستان*، JUST SECURITY (۳۰ ژوئن، ۲۰۲۱)، [https://www.justsecurity.org/77207/ending-the-forever-war-but-leaving-a-legacy-of-](https://www.justsecurity.org/77207/ending-the-forever-war-but-leaving-a-legacy-of-impunity-in-afghanistan/)

<https://perma.cc/2ZN4-WXV8> [impunity-in-afghanistan/]; دفتر دادستانی [خارنوال]، محکمه جزیبی بین‌المللی، وضعیت در افغانستان: خلاصه درخواست دادستان [خارنوال] برای صدور مجوز یک تحقیق بر اساس ماده ۱۵ (۲۰۱۷). اگرچه هیچ توجیهی برای سوءاستفاده از سوی دیگر بازیگران ارائه نمی‌دهد اما داده‌ها نشان می‌دهد که جنایات جنگی طالبان بسیار گسترده‌تر بوده و در بسیاری از شرایط یک تاکتیک عمدی بوده است. *تلفات غیرنظامی در سال ۲۰۲۱ به اوج بی‌سابقه‌ای خواهد رسید، مگر اینکه اقدام فوری برای جلوگیری از خشونت انجام شود، گزارش سازمان ملل، یوناما* (۲۶ جولای، ۲۰۲۱)، [https://unama.unmissions.org/civilian-casualties-set-hit-unprecedented-](https://unama.unmissions.org/civilian-casualties-set-hit-unprecedented-highs-2021-unless-urgent-action-stem-violence-%E2%80%93-un-report)

<https://perma.cc/XTS7-BGC2> [highs-2021-unless-urgent-action-stem-violence-%E2%80%93-un-report]; در این مدت، طالبان حملات هدفمند زیادی - شامل بمب‌گذاری و حتی اسیدپاشی - بر زنان و دختران، از جمله بر زنان مدافع حقوق بشر و مدارس دخترانه انجام دادند. آن‌ها خشونت خاصی را علیه زنان گروه‌های اقلیت، مانند هزاره‌ها، انجام دادند. نجیم رحیم و دیوید زوجینو، *حملات به مدارس دخترانه در حال افزایش است در حالی که طالبان سود می‌برند، نیویورک تایمز* (۲۰ می، ۲۰۱۹)، <https://www.nytimes.com/2019/05/21/world/asia/taliban-girls-schools.html> (در پرونده بررسی حقوق بشر کلمبیا)، تنها در سال ۲۰۱۶، ۱۸۵ حمله به مدارس دخترانه صورت گرفت. آلی ترگان، *حملات اسیدی، سم: دختران افغان با رفتن به مدرسه چه خطری را به جان می‌خرند؟*، CNN (۱۷ مارس، ۲۰۱۶)، [https://www.cnn.com/2012/08/02/world/meast/cnnheroes-jan-afghan-](https://www.cnn.com/2012/08/02/world/meast/cnnheroes-jan-afghan-school/index.html)

<https://perma.cc/3UT7-XRKK> [school/index.html]. تقریباً مصونیت کامل همه این سوءاستفاده‌ها توسط همه بازیگران وجود داشته است. اندرو هایلند و کاترینا گیلندر، *محکمه جزیبی بین‌المللی و افغانستان*، JUST SECURITY (۳ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.justsecurity.org/78080/the-international-criminal-court-and-afghanistan/> [https://perma.cc/N7NF-FQ7F]

این پیشرفت یکسان برخوردار نبودند^{۱۲۶} و تهدیدهای جدی علیه حقوق زنان همچنان ادامه داشت.^{۱۲۷} در دوران دولت ترامپ، طالبان با موفقیت از مذاکره برای صلح به عنوان یک سلاح استفاده کردند و توافق

^{۱۲۶} برای مثال، زنان شیعه تحت قانون احوال شخصیه اهل تشیع در افغانستان به صورت جداگانه و به شدت مورد انتقاد قرار گرفتند که در سال ۲۰۰۹ تصویب شد. مراجعه کنید به: تحلیل دنیز کندیوتی، تفکیک جنسیتی و سیاست‌ها: برابری جنسیتی کجاست؟، 11۴۲ IDS BULLETIN ، (ژانویه ۲۰۱۱) (https://opendocs.ids.ac.uk/opendocs/bitstream/handle/20.500.12413/7566/IDSB_42_1_10.1111-j.1759-5436.2011.00195.x.pdf. [<https://perma.cc/C99V-7B82>].)

زنان روستایی افغانستان غالباً از پیشرفتهایی که در سطح ملی انجام شده بود، بهره‌مند نبودند، همچنان با سلطه مردان و تأثیرات شدید درگیری‌های جاری با طالبان و در بخش‌هایی از قلمرو، حکومت واقعی طالبان مواجه بودند. در پاییز ۲۰۲۱، مقاله‌ای که به‌طور گسترده در نیویورکر خوانده شد، حقوق زنان شهری افغان را در مقابل زنان روستایی قرار داد (که عمدتاً بر اساس یک مصاحبه با یک زن در ولایت هلمند است)، نشان می‌دهد که حقوق زنان در شهرها به قیمت رنج و درد مرد روستاها خریداری شده است. آناند گوپال، *سایر زنان افغان*، نیویورکر (۶ سپتامبر ۲۰۲۱).

(<https://www.newyorker.com/magazine/2021/09/13/the-other-afghan-women>) (<https://perma.cc/6MMT-YWJP>), درحالی‌که یادآوری مهمی از تفاوت‌ها در میان زنان افغان بود، اما به شیوه‌های تأسفباری با دیدگاه طالبان که «زنان در مناطق شهری کافر هستند» همخوانی داشت. گفتگوی زوم با شهرزاد اکبر، یادداشت فوق ۲.

برخی از زنان مدافع حقوق بشر افغان به شدت به ارزیابی گوپال پاسخ دادند اما بدون داشتن مخاطبین برابر. ابعاد محدودی گزارش کردند که کارهای مشخصی با زنان در روستاها انجام شده است اما با توجه به شرایط جدید اکنون خدمات خود را از دست داده‌اند و بسیاری گزارش کردند که هنوز مخاطبانی وجود دارد که از آن‌ها کمک می‌خواهند، لیکن آن‌ها حالا قادر به ارائه خدمات نیستند. زبیده اکبر تأکید کرد که مدافعان حقوق زنان در هلمند فعالانه تلاش می‌کنند تا زمینه تعلیم دختران را در منطقه مهیا کنند، اما برای مقاله نیویورکر مصاحبه‌ای با آن‌ها صورت نگرفته است. زوم، پیگیری مصاحبه اول با زبیده اکبر (۹ دسامبر ۲۰۲۱). همان‌طور که سمیرا حمیدی، مدافع حقوق زنان می‌نویسد، این مقاله اختلافات بین زنان افغان را برجسته می‌کند و می‌گوید که ما کاری برای ولایات انجام ندادیم؛ اما نگفت که چرا نتوانستیم به ولایات برویم. عدم دسترسی ما اغلب به دلیل خشونت طالبان در آن مناطق بود. گفتگوی زوم با سمیرا حمیدی، فعال و مسئول جنوب آسیا، سازمان عفو بین‌الملل (۸ اکتبر ۲۰۲۱).

شهرزاد اکبر در مورد این مقاله توضیح داد:

زنان افغان یک گروه منسجم نیستند. آیا این به آن معناست که نبرد برای حقوق زنان ایده‌ای منزوی است؟ من مخالفم. در مورد زنان هزاره‌جات چطور؟ [منطقه کوهستانی و عمدتاً روستایی که جمعیت آن اقلیت شیعه هزاره است که با تبعیض و هدف قرار گرفتن توسط طالبان مواجه شده‌اند] در آن‌جا زنانی با والدین بی‌سواد به ارتش و پلیس می‌پیوندند و تحصیلات خود را علی‌رغم جنگ، دنبال می‌کردند. بسیاری از زنان تغییر کردند، از جمله زنان در مناطق روستایی مانند هلمند و قندهار که می‌خواهند پیلوت و انجینیر شوند. اکثریت خواهان زندگی متفاوت از مادرانشان هستند. اکنون، برجسته‌ترین فعالان در خارج از کشور هستند، اما زنان همچنان تظاهرات می‌کنند.

گفتگوی زوم با شهرزاد اکبر، یادداشت فوق ۲.

^{۱۲۷} اشلی لندرمین Ashley Lenderman، *ما همه فرخنده هستیم: بررسی رفتار با زنان در سیستم حقوقی رسمی افغانستان*، ۳ IND. J. CONST. DESIGN 1 (۲۰۱۸)؛ سوسن فاروقی، *زن‌ستیزی و بی‌قانونی در افغانستان: مبارزه زنان برای حقوق برابر*، ۳۲ J.C.R. & ECON. DEV. 105 (۲۰۱۸)؛ بی‌نظیر روشن، هر چه چیزها بیش‌تر تغییر کنند، بیش‌تر همان‌ها می‌مانند: وضعیت بد زنان افغان دو سال پس از سرنگونی طالبان، ۱۹ BERKELEY WOMEN'S L.J. 270

دوحه را به عنوان پاداش به دست آوردند.^{۱۲۸} بازیگران بین‌المللی مایل بودند حقوق زنان را کنار بگذارند و در عین حال افسانه‌هایی در مورد توانمندسازی به زبان بیاورند.^{۱۲۹} مذاکرات بین‌المللی دولت منتخب و دموکراتیک را به حاشیه راند، روحیه و مورال نیروهای دولتی به دلیل تلفات قابل توجه تضعیف یافت، از سوی دیگر طالبان با بهره‌مندی از آزادی یک‌طرفه زندانیان که جنگجویان را آزاد کردند، در نتیجه تسخیر قلمرو توسط طالبان تسریع شد.^{۱۳۰} شهر کابل در نهایت در ۱۵ آگوست ۲۰۲۱، بیست و پنج سال پس از اولین بار که به قدرت رسیده بودند، به دست این گروه مسلح افتاد.

این واقعه منجر به تلاش‌های وحشتناک توده‌ای برای فرار از کشور شد، زیرا کشورهای خارجی تخلیه شهروندان خود و تعداد کمی از افغان‌هایی را که با آن‌ها کار کرده بودند در اولویت قرار دادند.^{۱۳۱} این نوع عقب‌نشینی مبتنی بر سیاست دوحزی در ایالات متحده بود که توسط دولت بایدن انجام شد.^{۱۳۲} در اوایل سال ۲۰۱۳، هارولد کوه، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه در آن زمان، از آنچه او آن را

J. GENDER RACE ۱۸ (۲۰۰۴)؛ شفیقه احمدی، تئوری در مقابل عمل: حقوق زنان و برابری جنسیتی در افغانستان، ۱۸ JUST. 361 & (۲۰۱۶)؛ مارک ای. درومبل، حقوق، فرهنگ و جنایت: نقش حاکمیت قانون برای زنان افغانستان، ۴۲ COLUM. J. TRANSNAT'L L. 349, 356 (۲۰۰۴).

^{۱۲۸} مخفی عزیزی Makhfi Azizi، دیدگاه‌های افغان‌ها در مورد روند صلح دوحه و بررسی دولت بایدن از توافقنامه صلح ایالات متحده و طالبان، شورای آتلانتیک (۲۵ فوریه ۲۰۲۱)، <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/southasiasource/what-do-afghans-think-of-the-ongoing-doha-peace-process-as-well-as-the-us-taliban-peace-deal-and-what-do-they-expect-from-the-biden-administrations-review/> [https://perma.cc/KSK3-73V2]

^{۱۲۹} مراجعه کنید به: سارا کوو و کوری لوین Sari Kouvo & Corey Levine، چه کسی خطوط قرمز را تعریف می‌کند: چشم‌انداز حفاظت از حقوق زنان و تأمین آینده آن‌ها در افغانستان پس از انتقال، کتاب راهنمای جنسیت و درگیری مسلحانه آکسفورد ۴۸۵ (فیونولا نی اولین، ویرایش ۲۰۱۸)

^{۱۳۰} مراجعه کنید به: عزیزی، یادداشت فوق ۱۲۸؛ پاتریشیا گوسمن، ایالات متحده باید به همکاران جامعه مدنی افغانستان در معرض خطر قراردارند کمک کند، دیدبان حقوق بشر (۱۳ جولای، ۲۰۲۱) <https://www.hrw.org/news/2021/07/13/us-should-help-afghan-civil-society-partners-risk> [https://perma.cc/LU4A-WQ96]

^{۱۳۱} صنم ن. اندرلینی Sanam N. Anderlini، چرا زندگی افغان‌ها مهم نیست؟ نیوزویک (۳ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.newsweek.com/why-dont-afghan-lives-matter-opinion-1625563>

^{۱۳۲} [https://perma.cc/F8ZR-87FW] نحوه انجام تخلیه از افغانستان به آسیب‌های روحی و روانی افزود. همان‌طور که یکی از مصاحبه‌ها با مدافعان حقوق زنان این تأثیر را بازگو کرد: شیوه تخلیه شخصاً روی من تأثیر گذاشت. در حال حاضر دو تعریف از شخصیت من وجود دارد، قبل از تخلیه و بعد از آن! مصاحبه زوم با زبیده اکبر (۹ اکتبر ۲۰۲۱). در مورد تعهدات دولت‌ها برای خروج از درگیری‌های مسلحانه به نحوی که از نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر جلوگیری شود، مراجعه کنید به: پل استراچ و بتریس والتون، قوانین جنگ و حقوق بین‌المللی بشردوستانه: تعهدات دولت‌ها هنگام خروج از درگیری‌های مسلحانه، ۱۰۲ INT'L REV. RED CROSS 923, 947 (۲۰۲۰).

^{۱۳۳} عزیزی، یادداشت فوق ۱۲۸.

«مصالحه» با «طالبان میانه‌رو»^{۱۳۳} خواند، در حالی که ایالات متحده به دنبال راهی برای خروج از افغانستان بود، دفاع کرد. در آگوست ۲۰۲۱، رسانه‌های غربی داستان‌های زیادی را در مورد طالبان ظاهراً جدید و میانه‌رو منتشر کردند.^{۱۳۴}

آموزنده است که این قضیه را با دیدگاه‌های مصاحبه‌شده مدافعان حقوق زنان در این اثر مقایسه کنیم. یکی از من درباره این ساختار در سال ۲۰۱۱ در کابل پرسیده بود: «اگر آن‌ها میانه‌رو هستند، پس چرا طالبان هستند؟»^{۱۳۵} یکی دیگر از مدافعان حقوق زنان، زبیده اکبر، ناامیدی خود را در مورد استفاده از اصطلاح «طالبان تغییر یافته» که برخی از دولت‌ها و حتی نهادهای کمک‌رسان «بدون فکر کردن به هزینه‌های انسانی این کار» می‌خواهند با این گروه کار کنند، ابراز کرد^{۱۳۶} او از این که بستر و زمینه‌های قابل توجهی برای تقویت این دیدگاه به طالبان داده شد، متعجب بود. برخی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند که طالبان «جدید» «حتی بدتر از طالبان قبلی بود، زیرا طالبان جدید از تکنولوژی علیه افغان‌ها استفاده می‌کند».^{۱۳۷}

^{۱۳۳} دونالد فرانسیس دونووان Donald Francis Donovan، *مروری بر حقوق بین‌الملل در دولت اول اوباما*، ۱۰۷ ASIL PROC. 131, 144, 150 (۲۰۱۳)، *مروری بر حقوق بین‌الملل در اولین دولت اوباما*، یوتیوب (۴ آوریل، ۲۰۱۳)، (<https://www.youtube.com/watch?v=2Dx7ucfmBKs> [<https://perma.cc/ER8N-4F72>])

^{۱۳۴} الکس کرافورد Alex Crawford، *افغانستان: جنگجویان طالبان ادعا می‌کنند که «تغییر کرده‌اند» و افغانستان اکنون «امن‌ترین کشور جهان» است*، اسکای نیوز (۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱)، (<https://news.sky.com/story/afghanistan-taliban-fighters-claim-they-have-changed-and-afghanistan-now-safest-country-in-the-world-12404378> [<https://perma.cc/VRW8-SAH6>])

^{۱۳۵} امن‌ترین کشور در جهان - ۱۲۴۰۴۳۷۸ [<https://perma.cc/VRW8-SAH6>]؛ گاوین کوردون، *افغانستان می‌تواند تحت رهبری طالبان «همه‌شمول» باشد*، رئیس *اتحادیه مسلح انگلستان* می‌گوید، EVENING STANDARD (۹ نوامبر ۲۰۲۱)، (<https://www.standard.co.uk/news/uk/nick-carter-afghanistan-taliban-british-kabul-b965302.html> [<https://perma.cc/RN8K-Z6SK>])

^{۱۳۶} بنون، یادداشت فوق ۱۰۸، ص ۲۵۹.

^{۱۳۷} مصاحبه زوم با زبیده اکبر، یادداشت فوق ۱۳۱. به عنوان مثال، به بازگشایی فوق‌العاده صفحات روزنامه نیویورک تایمز به روی یکی از رهبران طالبان که توسط سازمان ملل متحد تحریم شده بود، توجه کنید که ادعا می‌کرد سازمانش در دفاع از خود عمل کرده است. بدون به رسمیت شناختن جنایات یا نقش آن در تروریسم. سراج‌الدین حقانی، *آنچه ما از طالبان می‌خواهیم*، نیویورک تایمز (۲۰ فوریه، ۲۰۲۰)، (<https://www.nytimes.com/2020/02/20/opinion/taliban-afghanistan-war-haqqani.html>)

(در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا)

^{۱۳۸} مصاحبه سیگنال با زهرا سپهر، روزنامه‌نگار و بنیان‌گذار توسعه و حمایت از زنان و کودکان افغان (۴ نوامبر ۲۰۲۱).

مریز تادروس، دانشمند علوم سیاسی مصری، استفاده از اصطلاح «طالبان بهبودیافته» را برخلاف تاریخ اخیر کشور خود و همچنین ایران، تونس و ترکیه دانست.^{۱۳۸} تحقیقات او نشان داد که روایت خوش‌بینانه در مورد مسیر رو به بهبود طالبان و این که تندروها با تطبیق ایدئولوژی‌های خود با حکومت انعطاف‌پذیرتر می‌شوند، در مورد گروه‌های بنیادگرا صدق نمی‌کند.^{۱۳۹} «در سراسر طیف‌های سیاسی جنبش‌های اسلام‌گرا که قدرت را به دست می‌گیرند، چه «میان‌روها» یا «افراطی‌ها»، پس از به قدرت رسیدن، تمایل به اتخاذ یک موضع ایدئولوژیک تندرو است.»^{۱۴۰}

مطابق با این تحلیل، حکومت دوم طالبان یک اداره موقت تمام‌مردانه را افتتاح کرد که اعضای اندکی از اقلیت‌ها در آن حضور داشتند و از تخصص کمی در حکومت برخوردار بودند.^{۱۴۱} زنان دوباره از اشتغال و دختران پس از کلاس ششم از تحصیل محروم شدند.^{۱۴۲} یکی از مدافعان حقوق بشر افغان از قندهار اشاره کرد که گزارش‌هایی شنیده است که در جنوب، دختران جوان‌تر نیز به دلیل ترس از امنیت‌شان در خانه نگه داشته می‌شوند و عملاً تحصیلات دختران متوقف می‌شود.^{۱۴۳} یک مدافع حقوق بشر زنان از شمال توضیح داد که «آزادی زنان در مکان‌های عمومی، از جمله در شهرها و مناطق روستایی، دیگر وجود ندارد. طالبان در نماز جمعه پوسترها و بروشورهایی را بین مردان توزیع می‌کردند که به زنان دستور می‌داد بدون محرم از خانه بیرون نروند و اینکه چگونه لباس بپوشند.»^{۱۴۴}

در دسامبر ۲۰۲۱، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش داد:

زنان، بجز برخی از معلمان، کارکنان صحن و غیردولتی تا حد قابل توجهی از کار منع می‌شوند و ممکن است به دلیل بسته شدن بازارهای تحت مدیریت زنان توسط مقامات محلی، محصولات خود را به بازار عرضه نتوانند. بسیاری از زنان و دختران افغان در حال

^{۱۳۸} مریز تادروس Mariz Tadros، چه کسی از طالبان می‌ترسد، INST. OF DEV. STUD. (۱۹ آگوست ۲۰۲۱) <https://www.ids.ac.uk/opinions/who-is-afraid-of-the-taliban/> [https://perma.cc/7C4G-(YH77)]

^{۱۳۹} همان.

^{۱۴۰} همان.

^{۱۴۱} تندروها پست‌های کلیدی را در دولت جدید طالبان به دست می‌آورند، یادداشت فوق ۷.

^{۱۴۲} همان، بر اساس گزارش‌ها، برخی از زنان بعد از فوریه ۲۰۲۲ به صنف‌های جداگانه دانشگاه بازگشته‌اند. بازگشت

دانشجویان افغان، یادداشت فوق ۲۷.

^{۱۴۳} مصاحبه زوم با ناشناس [نام مستعار] ۱ (۹ نوامبر ۲۰۲۱).

^{۱۴۴} مصاحبه زوم با کبری بلوچ، مدیر انجمن جامعه مدنی افغانستان در ولایت بلخ (۱۶ اکتبر ۲۰۲۱).

حاضر هرگاه که محل سکونت خود را ترک می‌کنند، باید با یکی از محارم خود همراه شوند. این امر در بعضی جاها به شدت اجرا می‌شوند اما نه در همه جا.^{۱۴۵}

علاوه بر این، سخنگویان طالبان طرح‌هایی را برای از بین بردن کل ساختار قانونی حقوق زنان، از جمله لغو قانون اساسی ۱۴۶۲۰۰۴ و قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۱۴۷،۲۰۰۹ و همچنین ممنوعیت ورزش زنان و دختران^{۱۴۸} را پیشنهاد کرده‌اند. به نظر می‌رسد اقداماتی مانند فرمان عمومی

^{۱۴۵} به‌روزرسانی شفاهی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، یادداشت فوق ۱۸. این موارد نقض موقتی نیست، بلکه اجرای ایدئولوژی طالبان است. به گفتهٔ وحید الله هاشمی یکی از مقامات ارشد طالبان: «ما تقریباً ۴۰ سال است که برای آوردن نظام شرعی به افغانستان جنگیده‌ایم... شریعت... اجازه نمی‌دهد زن و مرد دورهم جمع شوند یا زیر یک سقف باهم بنشینند.» الاسدیر پال، اختصاصی: زنان افغان نباید در کنار مردان کار کنند، چهرهٔ ارشد طالبان می‌گوید، رویترز (۱۳ سپتامبر ۲۰۲۱)، (<https://www.reuters.com/world/asia-pacific/exclusive-afghan-women-should-not-work-alongside-men-senior-taliban-figure-says-2021-09-13/>), (<https://perma.cc/V2MA-MGJY>)

در نوامبر ۲۰۲۲، طالبان ورود زنان به پارک‌های عمومی را ممنوع کرد. وزارت امر به معروف و نهی از منکر می‌گوید که طالبان زنان را از پارک‌ها منع کرده است، رویترز (۱۱ نوامبر ۲۰۲۲)، (<https://www.reuters.com/world/asia-pacific/taliban-ban-women-parks-morality-ministry-says-2022-11-11/>) [<https://perma.cc/K2VR-CV3Q>]

^{۱۴۶} پس از سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱، دولت افغانستان، علی‌رغم این که ناقص بود، فضایی را برای پیشرفت‌های قضایی و عملی، مانند تصویب یک چارچوب جدید قانون اساسی در سال ۲۰۰۴ که برابری زنان را تضمین می‌کرد، ایجاد کرد. از معاهدات بین‌المللی به‌طور هم‌زمان کنوانسیون CEDAW را بدون محدودیت قید و شرط تصویب کرد. ایوا هرزر، حقوق برابر برای زنان در افغانستان، (89 WOMEN LAW. J. 11 (2004)). قانون اساسی ۲۰۰۴ فراتر از قانون اساسی قبلی در خصوص تضمین زنان بود و تصریح کرد که «شهروندان افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون از حقوق و وظایف برابر برخوردارند.» قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ۲۶ ژانویه ۲۰۰۴، ماده ۲۲. این هم برای زنان و هم برای اعضای اقلیت‌هایی مانند هزاره‌ها مهم بود. این مبحث را در آن و فیلباب براون، یادداشت فوق ۱۱۸ تعقیب کنید.

راضیه صیاد در نوامبر ۲۰۲۱ استدلال کرد که طالبان هنوز در مورد سیستم حقوقی افغانستان تصمیم نگرفته‌اند و آن‌ها معتقدند که «قوانین ما اسلام است.» مصاحبهٔ زوم با راضیه صیاد، کمیشنر سابق انجمن کودکان و کارشناس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان (۳ نوامبر ۲۰۲۱). وی در ادامه خاطرنشان کرد که پیشنهاد لغو قانون اساسی سال ۲۰۰۴ به نفع قانون اساسی ظاهر شاه از سوی سرپرست وزارت عدلیه طالبان آمده بود که بعداً توسط این گروه رد شد. ما نمی‌توانیم نظام حقوقی افغانستان را بر اساس صحبت چند ملا تحلیل کنیم، همان.

^{۱۴۷} قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۲۰۰۹، انواع خاصی از خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان را ممنوع کرد. با گسترش چنین اقداماتی، این امر منجر به افزایش گزارش‌ها گردید. قانون منع خشونت علیه زنان، جریدهٔ رسمی شماره ۹۸۹ سال ۱۳۸۸ (افغانستان). در مورد تأثیر آن، مراجعه کنید به: دیده‌بان حقوق بشر، «من فکر کردم که زندگی ما ممکن است بهتر شود»، اجرای قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان (۲۰۲۱)، ([https://www.hrw.org/report/2021/08/05/i-thought-our-life-might-get-better/](https://www.hrw.org/report/2021/08/05/i-thought-our-life-might-get-better/implementing-afghanistans-elimination)) (<https://perma.cc/ZN8H-XBQ8>)

^{۱۴۸} بیانیهٔ مطبوعاتی، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، افغانستان: کارشناسان سازمان ملل از ممنوعیت ورزش زنان ابراز تأسف می‌کنند، خواستار واکنش شدید (۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱)، (<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2021/09/afghanistan-un-experts-deplore-women-sports-ban-call-vigorous->

مورخ ۳ دسامبر ۲۰۲۱ در مورد حق رضایت زنان برای ازدواج،^{۱۴۹} که به حقوق آن‌ها برای کار یا تحصیل و یا به رسمیت شناختن برابری آن‌ها نمی‌پردازد، به نظر می‌رسد تا حد قابل توجهی برای تحت‌تأثیر قراردادن مخاطبان بین‌المللی طراحی شده است تا پیشرفت حقوق زنان در خانه.^{۱۵۰} زنان و دختران علی‌رغم این فرمان تحت ازدواج اجباری با جنگجویان طالبان قرار می‌گیرند.^{۱۵۱} تعدادی از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که اطلاعاتی دریافت کرده‌اند که حاکی از افزایش سطح خشونت خانگی به دلیل وضعیت پراسترس کشور و مصونیت کامل از مجازات است. پناهگاه‌ها بسته شده‌اند و کسانی که آن‌ها را اداره می‌کردند مجبور به تبعید شده‌اند.^{۱۵۲}

درصد قابل توجهی از مدافعان حقوق زنان با توجه به تهدید امنیت و حمله به همکاران خود مجبور به فرار از کشور شدند. این امر تعداد افرادی را که می‌توانند زنگ خطر بین‌المللی را در مورد تأثیر این سیاست‌ها بر حقوق بشر به صدا درآورند، کاهش داد و آن‌ها را در سراسر جهان به مراکز پناهندگی پراکنده کرد. مدافعان حقوق زنان دور از وطن، کمتر قادر به فعالیت خواهند بود.^{۱۵۳} بسیاری از آن‌ها علی‌رغم موانع حمایتی بسیار، سعی و تلاش در انجام این کار دارند.^{۱۵۴}

[response https://perma.cc/S2K9-XQSB]؛ رشیده یوسفزی، آنا هندرسون، آدریان آرچیولی و عبدالله علی-خیل، کریکت بورد افغانستان به عقب‌نشینی طالبان در مورد ممنوعیت کریکت زنان اشاره می‌کند، SBS NEWS، (۱۰ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.sbs.com.au/news/afghanistan-s-cricket-board-signals-taliban-backtrack-on-women-s-cricket-ban/5b917714-3d1a-4dd0-80c2-2326f9447c4c> [https://perma.cc/36XW-F8TU] طالبان احتمالاً با صدور اعلامیه حکومت خواهند کرد و با اعلام تغییرات سیاست منفی در داخل کشور، در سردرگمی پیش خواهند رفت، سپس در صورت مواجهه با انتقادات بین‌المللی نسبت به اعمال آن‌ها ابراز تردید می‌کنند، چنانچه در مورد ممنوعیت ورزش و امکان لغو قوانین انجام داده‌اند.^{۱۴۹} امارت اسلامی افغانستان، کمیسیون امور فرهنگی، دفتر سخنگوی، فرمان ویژه صادر شده توسط امیرالمؤمنین در مورد حقوق زنان، فرمان شماره ۳۹۵ مورخ (۳ دسامبر ۲۰۲۱).

^{۱۵۰} به روزرسانی شفاهی وضعیت حقوق بشر در افغانستان، یادداشت فوق ۱۸.
^{۱۵۱} فیلیپ اسماکر Philip Smucker، ازدواج‌های اجباری طالبان، دیپلمات (۱۲ اکتبر ۲۰۲۱)، <https://thedi diplomat.com/2021/10/the-talibans-forced-marriages/> ([https://perma.cc/Z8HU-BFT8])

^{۱۵۲} فرود بیژن Frud Bezhan، یادداشت فوق ۲۲.
^{۱۵۳} ولسی دارکی Welsey Dockery، فعال حقوق زنان افغان: طالبان «می‌آیند و من را می‌کشند»، DEUTSCHE WELLE (۱۴ آگوست ۲۰۲۱)، <https://www.dw.com/en/afghan-womens-rights-activist-the-taliban-will-come-and-kill-me/a-58861827> [https://perma.cc/S837-LFNB]

^{۱۵۴} این موضوعات در طی مصاحبه با کسانی که مجبور بودند در هوای سرد در کمپ‌های نظامی بیرون بایستند تا از تلفن استفاده کنند یا صحبت کنند و در حالی که در یک اتاق با خانواده‌هایشان در محل اسکان پناهندگان بودند، خاطر نشان گردیده است.

سایر زنان مدافع حقوق بشر در کشور باقی ماندند و اکنون در «خانه‌های امن» پنهان شده‌اند که ممکن است چنین هم نباشند. بسیاری از آن‌ها نگرانی‌های فزاینده‌ای در مورد ظاهرشدن در انتظار عمومی دارند و با درخواست‌های مکرر برای کمک خود که اکنون عمدتاً قادر به پاسخگویی به آن نیستند دست‌وپنجه نرم می‌کنند. کبری بلوچ توضیح داد: «صحبت کردن در مورد وضعیت ما زندگی ما را در معرض خطر قرار می‌دهد.»^{۱۵۵} زنان معترض شجاع که مخالفت خود را در ملأعام ابراز کردند، توسط عساکر مرد طالبان مورد اصابت گلوله، ضرب و شتم، دستگیری و شکنجه قرار گرفتند با این همه هرچند اعتراضات کوچک اما همچنان ادامه دارد.^{۱۵۶} با تأکید بر خطرات موجود، یکی از زنان مدافع حقوق بشر که دور از وطن به سر می‌برد درباره یکی دیگر از فعالان که خانواده‌اش در کشور باقی‌مانده بود صحبت کرد: «خواهر من در تلاش بود به دختران در خانه (در کابل، در اکتبر ۲۰۲۱) آموزش دهد، طالبان از این موضوع باخبر شدند و تهدید کردند: ما تمام خانواده‌ات را جلوی چشم دیگران می‌کشیم تا بدانند به دختران آموزش ندهند.»^{۱۵۷}

در عین حال، یکی از بدترین بحران‌های بشری در جهان در حال آشکارشدن است که میلیون‌ها نفر با گرسنگی و محرومیت و سوءاستفاده‌های ناشی از آن، از جمله گزارش‌های مربوط به فروش کودکان، به‌خصوص دختران، مواجه هستند.^{۱۵۸} این جنبه از بحران کنونی نیز به دلیل تحدید آپارتاید، تأثیرات نامتناسبی بر زنان دارد.^{۱۵۹}

هنگامی که زنان رنج می‌برند، مانند محرومیت از اشتغال در طی یک فاجعه اقتصادی، خانواده‌های آن‌ها نیز آسیب می‌بینند. در مجموع اثرات آپارتاید جنسیتی بر خانواده‌ها، مانند آپارتاید نژادی بسیار گسترده است.

¹⁵⁵ مصاحبه زوم با کبری بلوچ، یادداشت فوق ۱۴۴. |
¹⁵⁶ هیدر بار Heather Barr، فهرست پالیسی‌های طالبان که ناقض حقوق زنان در افغانستان است، دیدبان حقوق بشر (۲۹ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.hrw.org/news/2021/09/29/list-taliban-policies-violating-womens-rights-afghanistan> [https://perma.cc/Y9B6-XE2S]؛ دیوید زوجینو و یعقوب اکبری، در معرض تهدید و ضرب و شتم، زنان افغان با اعتراضات طالبان را به چالش می‌کشند، نیویورک تایمز (۲۶ ژانویه ۲۰۲۲)، <https://www.nytimes.com/2022/01/24/world/asia/afghan-women-taliban-protests.html> (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا). |

¹⁵⁷ مصاحبه زوم با مسعوده کوهستانی، دستیار ارشد پژوهشی، جنسیت، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (۲۹ اکتبر ۲۰۲۱). |

¹⁵⁸ حکیم، یادداشت پیشین ۲۵؛ ۷۸۰ هزار کودک افغان بدون سرپناه: کودکان را نجات دهید، طلوع نیوز (۳ دسامبر ۲۰۲۱)، <https://tolonews.com/afghanistan-175733> [https://perma.cc/K9CU-N87H]. زنان مدافع حقوق بشر افغان در مصاحبه‌های خود خاطرنشان کردند که با وجود گستردگی بحران انسانی، طالبان به عوض پاسخگویی به بحران، زمان بیشتری را صرف تنظیم رفتار زنان کرده است. |

¹⁵⁹ افغانستان در معرض قحطی، دیده‌بان حقوق بشر (۱۱ نوامبر ۲۰۲۱)، <https://www.hrw.org/news/2021/11/11/afghanistan-facing-famine> |

صرفاً در طی چند ماه، بیست سال زحمات و مبارزه سخت و پیشرفت نسبی که در این راه به دست آمده بود همه به طور کامل از بین رفت زیرا آپارتاید جنسیتی دوباره در سرزمین هندوکش فرود آمد. کبری بلوچ ابراز تأسف کرد: «ما در حال پاک شدن هستیم».^{۱۶۰} در مجموع، همه این‌ها وضعیتی وخیم را ایجاد کرده که در این مورد گراهام هریسون روزنامه‌نگار، معتقد است: «افغانستان در حال حاضر بدترین مکان برای یک زن است».^{۱۶۱} در جولای ۲۰۲۲، آنالنا بائربوک، وزیر امور خارجه آلمان، این ارزیابی را تکرار کرد و گفت که افغانستان تحت حاکمیت طالبان «بزرگ‌ترین نقض حقوق زنان روی زمین» را تجربه می‌کند.^{۱۶۲} عفو بین‌الملل به نقل از یک خبرنگار زن افغان، وضعیت زنان تحت حاکمیت طالبان را «مرگ تدریجی» توصیف کرد.^{۱۶۳} حقوق بین‌الملل اگر راه‌حلی برای پیشکش کردن در این وضعیت نداشته باشد، اعتبار خود را از دست خواهد داد. این بار، آپارتاید جنسیتی باید پاسخ مؤثر و هماهنگی را که شایسته آن است دریافت کند.

۳. ارزیابی‌های زنان مدافع حقوق بشر افغان: «شروع از صفر با دستان

خالی»^{۱۶۴}

از مدافعان حقوق زنان افغانی که برای این اثر با آن‌ها مصاحبه شده بود خواسته شد تا وضعیت فعلی کشور خود را ارزیابی کنند و این که آیا استفاده از ساختار «آپارتاید جنسیتی» می‌تواند پاسخی دقیق و سازنده به آن باشد یا خیر؟ اکثراً با توصیف آن به این صورت موافق بودند. به گفته یلدا رویان، «آپارتاید بیان خوبی برای استفاده است. آن‌ها به کلی موجودیت زن را انکار می‌کنند».^{۱۶۵} به گفته زرقا یفتلی،

^{۱۶۰} مصاحبه زوم با کبری بلوچ، یادداشت فوق ۱۴۴.

^{۱۶۱} یلدا حکیم (@BBCYaldaHakim)، توئیتر (۲ دسامبر ۲۰۲۱، ۲:۴۶ بعد از ظهر)،

<https://twitter.com/BBCYaldaHakim/status/1466539333486219272?s=20>

[<https://perma.cc/D7YM-ERZW>]. در طول سال ۲۰۲۲، طالبان به اعمال محدودیت‌های اضافی برای زنان، از جمله محدودیت برای خروج از خانه‌ها و نمونه لباس سخت‌گیرانه ادامه داده‌اند. بیانیه مطبوعاتی، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد، چالش‌های حیاتی حقوق بشر، افغانستان در یک چهارراه، کارشناس سازمان ملل در کابل می‌گوید (۲۶ می، ۲۰۲۲)، (<https://www.ohchr.org/en/press-releases/2022/05/facing-critical-human-rights-challenges-afghanistan-crossroads-says-un>) [<https://perma.cc/6VYJ-YBGD>]

^{۱۶۲} ری فورلونگ Ray Furlong، وزیر امور خارجه آلمان می‌گوید: افغانستان با «بدترین نقض حقوق زنان در روی زمین» مواجه است، رادیو اروپای آزاد (۲۶ جولای ۲۰۲۲)، (<https://gandhara.rferl.org/a/germany-afghanistan-taliban-human-rights-women/>) [<https://perma.cc/356J-MZ99>]

^{۱۶۳} عفو بین‌الملل، یادداشت فوق ۷.

^{۱۶۴} مصاحبه تلفنی با یلدا رویان، سرپرست تیم فنی افغانستان، VOICE Amplified (۲۱ اکتبر ۲۰۲۱).

^{۱۶۵} همان.

«طالبان زن را به عنوان انسان نمی‌پذیرند و نیمی از کشور را نادیده می‌گیرند. این بسیار خطرناک است.»^{۱۶۶} برای پلوشه حسن،

صرفاً تعبیر تبعیض نژادی کافی نیست بلکه «آپارتاید جنسیتی» اصطلاح مناسب است. آن‌ها زنان را کمتر از نیمه دیگر جامعه یعنی مردان می‌دانند. آن‌ها فکر می‌کنند که بر اساس برداشت غلط و تفسیر نادرست خود از اسلام، حق دارند به زنان بگویند چه چیزی خوب است یا نه و از آن به عنوان چهارچوبی برای اداره افغانستان استفاده کنند.^{۱۶۷}

مدافع دیگر حقوق زنان بر ضرورت برجسته کردن تأثیرات شدید تبعیضات سیستماتیک طالبان تأکید کرد زیرا «زنان را از دولت و جامعه حذف می‌کند.»^{۱۶۸}

یکی از وکلای حقوق بشر طی مصاحبه‌ای با استفاده اصطلاح آپارتاید جنسیتی مخالفت کرد، زیرا استدلال می‌کرد که طالبان هنوز قوانین افغانستان را به‌طور رسمی تغییر نداده‌اند و بنابراین اقدامات این گروه عملی است و نه قانونی. این یک یادآوری مفید از ابهام وضعیت فعلی است که مدافعان حقوق بشر با آن روبرو هستند.^{۱۶۹} قوانین رسمی و موجود افغانستان همچنان به الزام برابری همه شهروندان تصریح دارد، با این حال خود مقامات در عمل به‌طور سیستماتیک قوانین را به عنوان یک موضوع سیاسی نقض می‌کنند. همان‌طور که کبری بلوچ مدافع حقوق زنان بیان کرد: «اکنون دسترسی به عدالت صفر است.»^{۱۷۰} با توجه به این واقعیت متناقض، دیدگاه مخالفان بر پافشاری این کتاب بر تعریف آپارتاید جنسیتی برای گنجاندن تبعیض سیستماتیک در قانون و سیاست، توسط دولت‌های به رسمیت شناخته‌شده و مسئولین فعلی تأکید می‌کند. اگرچه ممکن است تفاوت‌های حقوقی مهمی بین این دو وضعیت وجود داشته باشد اما نتیجه در زمینه حقوق بشر زنان در افغانستان مشابه است. در حال حاضر، طالبان قانون هستند.

مدافعان حقوق بشر زنان که با آن‌ها مصاحبه صورت گرفته، در تلاش بودند تا به کار خود علیه آپارتاید جنسیتی ادامه دهند. یکی از آن‌ها زمانی که در اکتبر ۲۰۲۱ با او مصاحبه شد، آشکارا برای

^{۱۶۶} مصاحبه زوم با زرقا یفتلی، مدیر اجرایی، بنیاد تحقیقات حقوقی زنان و کودکان (۱۶ اکتبر ۲۰۲۱).

^{۱۶۷} مصاحبه تلفنی با پلوشه حسن، مدیر مرکز آموزش زنان افغان (۹ اکتبر ۲۰۲۱).

^{۱۶۸} همان.

^{۱۶۹} آپارتاید جنسیتی زمانی اتفاق می‌افتد که «... تبعیض به‌طور سیستماتیک انجام شود. طالبان فاقد سیستم هستند. این‌ها صرف یک گروه تروریستی هستند که بر اساس عقیده و دیدگاه خود از اسلام، تحصیل زنان و دختران را انکار می‌کنند. ما نمی‌توانیم آن را آپارتاید جنسیتی بنامیم؛ زیرا در حال حاضر قوانین افغانستان حقوق زنان را تضمین می‌کند.» مصاحبه زوم با راضیه صیاد، یادداشت فوق ۱۴۶.

^{۱۷۰} مصاحبه زوم با کبری بلوچ، یادداشت فوق ۱۴۴.

تحصیل دختران از شمال افغانستان کارزاری را به راه انداخته و به طور مجازی با ملالی یوسفزی، برندهٔ جایزهٔ نوبل کار می‌کرد. متأسفانه، او از آن زمان به بعد مجبور به تبعید شده است. او تأکید کرد که عمل به آپارتاید جنسیتی حتی برای یک مدت کوتاه عواقب بلندمدت شدیدی دارد و به سرعت خود را تداوم می‌بخشد: «اگر دختران برای یک تا دو سال به مکتب برنگردند، تأثیر آن برای ده تا پانزده سال آینده بسیار مضر خواهد بود. ما نسلی از دختران بی‌سواد خواهیم داشت که نمی‌توانند در کشور نقش ایفا کنند.»^{۱۷۱} اکثر مصاحبه‌شوندگان از دولت‌های سراسر جهان می‌خواستند که در برابر سیاست‌های طالبان موضع قاطعانه‌ای اتخاذ کنند و هر گونه به رسمیت شناخته شدن را به پیشرفت در زمینهٔ حقوق بشر به‌ویژه در مورد آموزش و اشتغال برای زنان و همچنین در مورد نمایندگی آن‌ها در دولت، مشروط کنند. برخی - اما نه همه - از تحریم‌ها حمایت کردند. با این حال، آن‌ها از اعمال فشار به شیوه‌هایی که طالبان را مجبور به تغییر کند، اما به مردم در مواجهه با بحران انسانی آسیب نرساند، ابراز نگرانی کردند. روش‌های پیشنهادی برای انجام این کار شامل ارائه کمک از طریق و مجرای سازمان‌های بین‌المللی و جامعهٔ مدنی، به‌ویژه سازمان‌های تحت رهبری زنان، به جای حکومت طالبان بود.

بسیاری از گفتگوکنندگان از موضع جامعه جهانی در قبال تسلط طالبان بر کشورشان ابراز ناامیدی و حتی خشم کردند. یکی از آن‌ها گفت: «آن‌ها ما را با دو دست به آن‌ها تحویل دادند.»^{۱۷۲} دیگری اظهار داشت: «وقتی پاسخ جامعه بین‌المللی را می‌بینم، ناامید می‌شوم. آن‌ها به آینده زنان افغان اعتقادی ندارند. آن‌ها اعلامیه دارند، اما به طالبان فشار نمی‌آورند.» کلمات کافی نیستند، ما برای حمایت از افغان‌ها به اقدام واقعی نیاز داریم.»^{۱۷۳}

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان از آنچه که آن را به عنوان رضایت جامعهٔ بین‌المللی از سیاست‌های جاری طالبان توصیف می‌کنند، ناراحت بودند و عمیقاً احساس انزوا و تنها رها شدن خود را ابراز نمودند. یکی از آن‌ها تا آن حد پیش رفت که وقتی از او پرسیدند، دوست دارد جهان در مورد وضعیت کشورش از چه چیزی آگاهی یابد، گفت: «من دیگر هیچ پیامی برای جامعهٔ بین‌المللی ندارم.»^{۱۷۴} دیگری واقع‌بین

^{۱۷۱} مصاحبهٔ زوم با زرقا یفتلی، یادداشت فوق ۱۶۶.

^{۱۷۲} مصاحبهٔ تلفنی با ماری اکرمی، مدیر پیشین مرکز توسعهٔ مهارت‌های زنان افغان، (۱۷ اکتبر ۲۰۲۱). مرکز توسعهٔ مهارت‌های زنان افغان، اولین پناهگاه زنان را در کابل راه‌اندازی کرد. شیرین جعفری، پناهگاه‌های زنان در افغانستان با آینده‌ای نامعلوم روبرو هستند، جهان (۳۰ اگوست ۲۰۲۱، ۵:۴۵ بعدازظهر)، <https://theworld.org/stories/2021-08-30/women-s-shelters-afghanistan-face-uncertain-future>. [https://perma.cc/2ARY-RVKB]

^{۱۷۳} مصاحبه از طریق برنامهٔ سیگنال با زهرا سپهر، یادداشت فوق ۱۳۷.

^{۱۷۴} گفتگوی تلفنی با یلدا رویان، یادداشت فوق ۱۶۴.

مانده، تأکید کرد که حتی در حال حاضر «واکنش جامعه بین‌المللی تعیین‌کننده و حیاتی است. تنها نهدی که می‌تواند کمک کند، جامعه بین‌المللی است، زیرا طالبان به حمایت، کمک مالی، به رسمیت شناخته‌شدن و کمک‌های بشردوستانه آن‌ها نیاز دارد.»^{۱۷۵} این واقعیت که بسیاری از بازیگران بین‌المللی در حال حاضر با فرستادن هیأت کاملاً متشکل از مردان جهت گفتگو با طالبان، در آپارتاید جنسیتی سهیم می‌شوند، چیزی که یک تن آن را «جلسات تک جنسیتی»^{۱۷۶} نامید، مایه ناامیدی بود: «آیا در تیم‌های مذاکره‌کننده با طالبان هیچ زنی دیده‌اید؟ طالبان به حقوق زنان اعتقادی ندارند، اما چرا سایر دولت‌ها هیچ زنی را در ترکیب نمایندگان خود وارد نمی‌کنند؟»^{۱۷۷}

یک خبرنگار زن در مصاحبه‌ای خاطرنشان کرد که وقتی سازمان‌های بین‌المللی و دیگر کشورها در ترکیب هیأت خود در مذاکره با طالبان «چهره صرف مردانه داشته باشد و نه زنانه»، به ویژه در مباحث حقوق زنان، در واقع با این عملکرد «به رسمیت شناختن و احترام به ایدئولوژی طالبان» را اذعان می‌کنند.^{۱۷۸} چگونه یک هیأت کاملاً متشکل از مردان می‌تواند از طالبان بپرسد که «زنان کجا هستند؟»^{۱۷۹} تعداد بسیاری از زنان مدافع حقوق بشر برخورد تهاجمی و اصولی‌تری را پیشنهاد کردند. آن‌ها می‌گویند: «هیأتی متشکل از پنج زن بفرستید. این عمل باعث فضاقت و شرمندگی طالبان خواهد شد.»^{۱۸۰} علاوه بر این، آن‌ها به جامعه بین‌المللی در مورد پیامدهای بلندمدت و جهانی سیاست‌های طالبان هشدار دادند، با اشاره به این جمله که: «اکنون ما طرف بازنده هستیم، لیکن برای سایر جهانیان دوران خطرناکی در پیشرو است.»^{۱۸۱}

د. واکنش دولت‌ها در قبال اعمال آپارتاید جنسیتی طالبان

حقوق بین‌الملل در مورد آپارتاید نژادی به دنبال آن بود که سایر دولت‌ها را علی‌رغم سکوت و منافع اقتصادی برخی از آن‌ها به انزوا، اتهام و فشار بر وضعیت آپارتاید سوق دهد.^{۱۸۲} با توجه به برگزاری محکمه

^{۱۷۵} مصاحبه از طریق برنامه زوم با زرqa یفتلی، یادداشت فوق ۱۶۶.

^{۱۷۶} همان.

^{۱۷۷} گفتگوی تلفنی با یلدا رویان، یادداشت فوق ۱۶۴.

^{۱۷۸} مصاحبه از طریق برنامه زوم با مبینا ساعی، مدیر مناطق شمالی، نی [یک مؤسسه غیر حکومتی افغانی] از رسانه‌های آزاد در افغانستان حمایت می‌کند (۱۶ اکتبر ۲۰۲۱).

^{۱۷۹} مصاحبه از طریق برنامه زوم با زرqa یفتلی، یادداشت فوق ۱۶۶.

^{۱۸۰} همان.

^{۱۸۱} گفتگوی تلفنی با مریم اکرمی، یادداشت فوق ۱۷۲.

^{۱۸۲} بچر Butcher، یادداشت فوق ۶۰، ص ۴۲۹. به طور مثال شورای امنیت در سال ۱۹۶۳ م. قطعنامه ۱۸۱ را با رأی ممتنع انگلستان و فرانسه به تصویب رساند. سر پاتریک دین، نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد، اظهار داشت که

بین‌المللی عدالت در دوسیه نامیبیا، دولت‌های طرف، باید غیرقانونی بودن آپارتاید را از طریق اقدامی مشخص در پاسخ به آن و همچنین با خودداری از هر گونه اقدامی که متضمن به رسمیت شناختن، یا حمایت یا کمک به ارتکاب آپارتاید باشد، نشان دهند.^{۱۸۳} بدون محدودیت در چنین معیارهایی، پاسخ‌های دولتی و بین‌المللی به رژیم آپارتاید جنسیتی طالبان مبهم بوده و آن‌ها باید با قواعد مشابه تعدیل شوند.

در حال حاضر، مانند آخرین باری که طالبان قدرت را به دست گرفتند، آن‌ها کرسی افغانستان در سازمان ملل را در اختیار ندارند و تقریباً هیچ دولتی آن‌ها را به رسمیت نشناخته است (اگرچه برخی از آن‌ها به سمت چنین گامی حرکت کرده‌اند)،^{۱۸۴} اما هنوز نگرانی از تغییر این وضعیت وجود دارد. برخی از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به‌طور جدی محرومیت زنان از زندگی عمومی توسط طالبان را محکوم کرده‌اند؛ اما فراتر از این نرفتند.^{۱۸۵} متأسفانه بعضی از دولت‌ها حاضر به مذاکره با گروهی بودند که آشکارا متعهد به چنین رویه‌هایی هستند، بدون این‌که اصرار داشته باشند این اقدامات کنار گذاشته شود تا حداقل مشارکت زنان در آن مذاکرات را بپذیرند و در نهایت جمعیت مردم را عجلولانه به حکومت طالبان رها کردند.^{۱۸۶}

از آن زمان، برخی از دولت‌های قدرتمند دیگر از انتقاد در مورد طالبان خودداری کرده و علی‌رغم تبعیض نهادینه‌شده آن‌ها، به دنبال تجارت با مقامات بالفعل بوده‌اند. به عنوان مثال، وزیر خارجه چین،

کشورش به دلیل همکاری نظامی با آفریقای جنوبی نمی‌تواند در یک تحریم کامل شرکت کند. سوابق رسمی شورای امنیت، سال هجدهم، جلسه ۱۰۵۶، U.N. Doc. S/PV.1056، 33، 8 ¶ ۱۷ (۷ آوریل، ۱۹۶۳).

^{۱۸۳} Butcher، یادداشت فوق ۶۰، ص ۴۲۹. استناد به نظریه نامیبیا، یادداشت فوق ۴۲، ص ۱۲۶.

^{۱۸۴} تس بریجمن و رایان گودمن Tess Bridgeman & Ryan Goodman، کارشناس پیشینه‌شناس: به‌رسمیت‌شناختن و طالبان، فقط امنیت (۱۷ آگوست، ۲۰۲۱)، <https://www.just.security.org/77794/expert-background-identification-and-the-taliban/> [https://perma.cc/C4KN-BNL7]؛ میشل نیکولز، اختصاصی: نماینده نام نهاد طالبان، خواست تا با رهبران جهان صحبت کند، رویترز (۲۱ سپتامبر، ۲۰۲۱)، <https://www.reuters.com/world/asia-pacific/exclusive-taliban-names-afghan-un-envoy-asks-speak-world-leaders-2021-09-21/> [https://perma.cc/DBW2-XV3V] و دیگران، نمایندگی کشورهای عضو در سازمان ملل: چالش‌های اخیر، ۲۶ مین نشست سالانه، جامعه حقوق بین‌الملل آمریکا، بینش (۱۰ آگوست، ۲۰۲۲)، <https://www.asil.org/insights/volume/26/issue/6> [https://perma.cc/XZ56-8A57].

^{۱۸۵} بیانیته مطبوعاتی، سازمان همکاری اسلامی، سازمان همکاری اسلامی در مورد ممنوعیت موقت مکاتب دخترانه توسط حکومت افغانستان ابراز نگرانی کرد، (۲۴ مارس، ۲۰۲۲)، https://www.oic-oci.org/topic/?t_id=33958&t_ref=22699&lan=en [https://perma.cc/93FX-SFB9].

^{۱۸۶} پیتر هیلپولد Peter Hilpold، جنگ افغانستان و مسئولیت بازسازی، EJIL: TALK! (۲۵ آگوست، ۲۰۲۱)، <https://www.cjiltalk.org/the-afghan-war-and-the-responsibility-to-rebuild/> [https://perma.cc/AUC5-TD9F].

طالبان را به عنوان «یک نیروی مؤثر نظامی و سیاسی» توصیف کرد.^{۱۸۷} دولت او توسط کارشناسان دیگر کشورهای آسیایی به دلیل «لابی‌گری فعالانه برای مقامات طالبان در سطح بین‌المللی و پیشبرد اهداف آن‌ها»، مورد انتقاد قرار گرفت.^{۱۸۸} سیاست‌هایی از این قبیل می‌تواند به طور بالقوه تا حد مشارکت با آپارتاید و یا معاونت در اجرای آن افزایش یابد.^{۱۸۹}

دولت روسیه که مدت‌ها پیش تماس‌هایی در سطوح بالا با طالبان داشته است، در ۲۰ اکتبر ۲۰۲۱ نشست مسکو در مورد افغانستان را برگزار کرد. این پروسه شامل چین، ایران، هند، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان و طالبان بود. شرکت‌کنندگان تصمیم گرفتند که در آینده با طالبان کار کرده و بدون توجه به این‌که این گروه توسط جامعه جهانی به رسمیت شناخته شده باشد، با آن همکاری کنند. مقامات روسی تلاش‌های امنیتی این گروه را ستایش کرده‌اند. این در حالی است که صرف انتقاد ملایمی از سوابق حقوقی آن‌ها داشته و حتی ادعاهایی وجود دارد که دولت روسیه به طالبان تسلیحات ارائه کرده است.^{۱۹۰}

|

^{۱۸۷} استیون لی مایرز Steven Lee Meyers. چین ضمن تأکید به گفتگوهای صلح، از طالبان استقبال گرم می‌کند، نیویورک تایمز (۲۱ سپتامبر، ۲۰۲۱)، <https://www.nytimes.com/2021/07/28/world/asia/china-taliban-afghanistan.html> (on file with the Columbia Human Rights Law Review). (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا).

^{۱۸۸} عاصم کاش گریان Asim Kashgarian، با رفتن آمریکا، چین با طالبان افغانستان دوست می‌شود، اخبار صدای آمریکا (اول فوریه، ۲۰۲۲)، <https://www.voanews.com/a/with-us-away-china-gets-friendly-with-afghanistan-s-taliban/6422284.html> [https://perma.cc/55YE-JNUX]

^{۱۸۹} به بحث مشارکت در جرم مراجعه کنید: استیون پاتن رو، جیسون آبرامز، پاسخگویی در قبال جنایات حقوق بشری در حقوق بین‌الملل: فراتر از میراث نومبرگ، ص ۱۲۹-۳۲، چ ۲، ۲۰۰۱. بر اساس تفسیر اساسنامه رم، دادستان [غزنوال] محکمه جزایی بین‌المللی یوگسلاوی سابق اعلام کرده است: «کم‌ترین اقدام کمکی می‌تواند، مشارکت باشد.» ویلیام شاباش، محکمه جزایی بین‌المللی: تفسیری بر اساسنامه رم، ص ۵۷۷، (ویرایش دوم، ۲۰۱۶).

^{۱۹۰} ساموئل رامانی Samuel Ramani، روسیه و طالبان: شرکای آینده؟ RUSI (۱۴ سپتامبر، ۲۰۲۱)، <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/russia-and-taliban-prospective-partners> [https://perma.cc/AUJ9-K6E3]

تعدادی از کشورها و هیأت از جمله چین، اتحادیه اروپا، قزاقستان، قرقیزستان، قطر، روسیه، ترکمنستان، بریتانیا و ازبکستان؛ و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مانند برنامهٔ انکشافی سازمان ملل متحد (UNDP)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF)، کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC) و سازمان‌های غیردولتی مشهور مانند داکتران بدون مرز (MSF)، مکرراً با طالبان به واسطه هیأت مردانه گفتگو کرده‌اند.^{۱۹۱} برخی از این گفتگوهای تک جنسیتی در واقع در مورد حقوق زنان بوده است.^{۱۹۲} شهرزاد اکبر با تندی این موضوع را «شرط جدید اشتراک در گفتگوهای افغانستان: حضور مردان در اتاق» خواند.^{۱۹۳} برخی از سازمان‌های امدادگران ظاهراً مایل به اعمال تفکیک جنسیتی، فرستادن کارمندان زن به خانه‌ها و تحمیل الگوی پوشش طالبان بر آن‌ها بوده‌اند.^{۱۹۴} چنین پاسخ‌هایی ممکن است به جنایت بین‌المللی آپارتاید در نقض مادهٔ سوم کنوانسیون آپارتاید «کمک، حمایت و یا تشویق» کند.^{۱۹۵} حتی کشور نروژ، قهرمان دیرینهٔ حقوق زنان افغانستان، بدون هیچ پیش‌شرطی، میزبان یک هیأت بلندپایه از نمایندگان طالبان، از جمله تروریست‌های تحت تحریم سازمان ملل در پایتخت خود بود. دولت ناروی یک هواپیمای شخصی گران‌قیمت را به منظور گردآوری آن‌ها فرستاد و این امر به طور قابل توجهی مشروعیت (حقوق بین‌المللی) را به چالش کشید.^{۱۹۶} حداقل طالبان می‌بایست با نمایندگان جامعه مدنی افغانستان به شمول زنان مدافع حقوق بشر ملاقات می‌کردند.

^{۱۹۱} مراجعه کنید به: Heather Barr (@heatherbarr1)، برای دیدن تصاویر این جلسات به یادداشت ۱۰ مراجعه کنید.

^{۱۹۲} «Grotesque And Wrong»: دیپلمات‌های خارجی، بدون زنان برای ملاقات با طالبان فراخوانده شدند، GANDHARA، (۱۹ نوامبر، ۲۰۲۱)، <https://gandhara.rferl.org/a/foreign-diplomats-taliban-meetings-no-women/31570045.html> [https://perma.cc/Z28A-8H7K]

^{۱۹۳} شهرزاد اکبر (@ShaharZadAkbar)، Twitter، (۶ اکتبر، ۲۰۲۱؛ ۱۱:۳۳ بعدازظهر)، <https://twitter.com/ShaharZadAkbar/status/144600066385517700?s=20&t=SesQC6AxAzHUHhp1r12w> [https://perma.cc/5N2W-USAR]

^{۱۹۴} مصاحبه در زوم با زبیده اکبر، یادداشت فوق ۱۳۱.

^{۱۹۵} اعمال مشارکت در جرم «به صورت زنجیره‌ای» در حقوق بین‌الملل و ممکن است شامل صرف تسهیلات باشد. بٹ ون شاک و رونالد سی اسلايه، حقوق جزای بین‌الملل و اجرای آن، ص ۷۱۳ (۲۰۰۷).

^{۱۹۶} سمیه ملکیان، فعالان حقوق زن افغانستان دیدار با طالبان را در اسلو تجربه کردند، اما پیشرفت کمی در انتظار است، ABC NEWS، (۳ فوریه، ۲۰۲۲، ۳:۳۱ قبل از ظهر)، <https://abcnews.go.com/International/afghanistans-womens-rights-activists-tested-taliban-oslo-expect/story?id=82584874> [https://perma.cc/3C3Y-U3EL] راه اسلو با هواپیمای شخصی اجاره شده، NORWAY TODAY (۲۲ ژانویه، ۲۰۲۲)، <https://norwaytoday.info/news/photo-taliban-delegation-on-its-way-to-oslo-in-chartered-private-plane/> [https://perma.cc/9R8P-UXRE]

با این حال، برخی از زنانی که در این نشست شرکت کردند، متعاقباً با تهدید مرگ مواجه شدند و نتوانستند به کشور بازگردند. ظلم و ستم طالبان بر زنان مدافع حقوق بشر تنها پس از نشست اسلو با افزایش گزارش‌ها از ربوده شدن زنان مدافع حقوق بشر و خانواده‌هایشان تشدید یافته است.^{۱۹۷}

چنانچه در فوق ذکر شد، استفاده از چهارچوب آپارتاید نه تنها عاملان بالفعل، بلکه تعهدات بین‌المللی همه دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی که با آن‌ها در تعامل هستند را نیز شامل می‌شود.^{۱۹۸} اگر با اراده سیاسی حمایت صورت بگیرد، انجام این کار می‌تواند گزینه‌های خط‌مشی را مشخص کرده، واکنش و هماهنگی‌های لازم را ایجاد کند. اجرتون ریچاردسون، سفیر جامائیکا در سازمان ملل، در سال ۱۹۶۶ در مورد بحث درباره آپارتاید نژادی در کنفرانس جهانی حقوق بشر که در آن زمان برگزار شد، استدلال کرد که «هدف باید بحث آپارتاید باشد... از نقطه نظر کاربرد احتمالی تکنیک‌های حقوق بشر به عنوان ابزاری برای منصرف کردن دولت‌ها از کمک و حمایت از سیاست دولت آفریقای جنوبی.»^{۱۹۹} این رویکرد اکنون باید در مورد آپارتاید افغانستان نیز اعمال شود، در غیر این صورت ممکن است شاهد آن باشیم که آپارتاید جنسیتی، به شدت زنان افغان را زیر پا گذاشته و ارزش معیارهای بین‌المللی حقوق زنان را در سطح جهان کم‌رنگ کند.

هـ نهادهای بین‌المللی حقوق بشر به آپارتاید جنسیتی پاسخ می‌دهند

افغانستان بدون قید و شرط یکی از کشورهای عضو کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و همچنین تمامی معاهدات حقوق بشری است که در ذیل ضمانت برابری زنان از جمله در زمینه تحصیل و اشتغال آنان ذکر شده است. هر نهادی که بخواهد بر کشور حکومت کند، وارث این تعهدات حقوق بشری است. نمی‌توان از چنین تعهداتی طفره رفت؛ زیرا خروج از این معاهدات جواز ندارد.^{۲۰۰}

^{۱۹۷} مصاحبه در زوم با ناشناس [نام مستعار] ۲ (۱۱ فوریه ۲۰۲۲).

^{۱۹۸} به متن فوق همراه با یادداشت‌های ۶۰-۶۴ مراجعه کنید.

^{۱۹۹} استیون ال. بی. جنسن STEVEN L. B. JENSEN، ایجاد حقوق بشر بین‌المللی: ۱۹۶۰، استعمارزدایی و بازآفرینی ارزش‌های جهانی، ۹۹ (۲۰۱۶).

^{۲۰۰} در رابطه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمیته حقوق بشر تصریح کرده است که «هنگامی که مردم از حقوق تحت میثاق حمایت می‌شوند، چنین حمایتی به قلمرو واگذار می‌شود و با وجود تغییر در دولت کشور عضو، همچنان به آن‌ها تعلق دارد.» کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظریه عمومی شماره ۲۶: تداوم و پایبندی به تعهدات، U.N. Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add.8/Rev.1، (۸ دسامبر، ۱۹۹۷). کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان (CEDAW) و میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) هیچ ماده‌ای در مورد خروج ندارند، به این معنی که بر اساس ماده ۵۶ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، خروج تنها در صورتی امکان‌پذیر است که: «(الف) ثابت شود که طرفین قصد داشتند امکان فسخ یا خروج را بپذیرند. (ب) حق فسخ یا انصراف ممکن است به واسطه ماهیت معاهده

با توجه به نقض آشکار و گسترده این قواعد بین‌المللی توسط طالبان، نهادها و مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل به شدت از اقدامات آن‌ها در قبال زنان انتقاد کرده‌اند. با این حال، مکانیسم‌های سازمان ملل، از جمله کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان «کمیته CEDAW»، عمدتاً از استفاده از اصطلاح «آپارتاید جنسیتی» اجتناب کرده‌اند و اغلب به اندازه کافی معانی عمل سیستماتیک تبعیض جنسی و ریشه‌دار شدن آن را در سیاست رسمی، از پیش تعریف نکرده‌اند. هنگامی که آن‌ها از اصطلاح «آپارتاید» استفاده می‌کنند، عمدتاً از آن برای اشاره به تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی استفاده می‌کنند.^{۲۰۱} در حقیقت سخنگویان در سیستم حقوق بشر گاهی از زبان نرم‌تری برای توضیح آپارتاید جنسیتی استفاده می‌کنند که در خصوص تبعیض جنسیتی سیستماتیک قابل قبول نخواهد بود. به عنوان مثال، یک مقام سازمان ملل در نشست کمیته CEDAW در فوریه ۲۰۲۲ به سادگی اشاره کرد: «زنان همچنان از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سراسر افغانستان محروم بوده و تا حد قابل توجهی از کار منع شده‌اند.»^{۲۰۲}

از آنجایی که افغانستان کنوانسیون CEDAW را تا پس از سرنگونی دوره اول حکومت طالبان تصویب نکرد و کمیته CEDAW تنها دو گزارش عضو دولتی را بررسی کرده است که هر دو مربوط به دولت اسبق و منتخب افغانستان بوده است، در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ این کمیته فرصت کافی برای ابراز نظریات خود در این مورد از طریق ملاحظات نهایی نداشته است.^{۲۰۵}

به‌طور ضمنی باشد. «کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، یادداشت فوقی ۸۱، ماده ۵۶ بند (۱). تحلیل کمیته حقوق بشر باید برای منع خروج از این معاهدات اساسی نیز اعمال شود.

^{۲۰۱} مراجعه کنید به مثال: گزارش گروه کاری بر روی تبعیض علیه زنان و دختران، سلامت جنسی و باروری زنان و دختران در بحران، 63. U.N. Doc. A/HRC/47/38 ¶ ۲۸ (۲۸ آپریل، ۲۰۲۱). مقدمه کنوانسیون CEDAW «تأکید می‌کند که ریشه‌کن کردن آپارتاید، همه اشکال نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمار مدرن، تجاوز، اشغال و سلطه خارجی... برای برخورداری کامل از حقوق مردان و زنان ضروری است.» CEDAW، یادداشت فوقی ۳، مقدمه.

^{۲۰۲} بیانیه مطبوعاتی، سازمان ملل، ژنو، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، افتتاحیه جلسه ۸۱، خلاصه نشست (۷ فوریه، ۲۰۲۲). <https://www.unhcr.org/en/news-media/meeting-summary/2022-the-committee-for-the-elimination-of-discrimination-against-people> [https://perma.cc/QSM6-P2H6].

^{۲۰۳} کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ملاحظات نهایی در مورد گزارش‌های دوره‌ای و ترکیبی اول و دوم افغانستان، U.N. Doc. CEDAW/C/AFG/CO/1-2 (۳۰ جولای، ۲۰۱۳). یکی از مراحل که برای ترویج اجرای قواعد معاهدات حقوق بشر استفاده می‌شود، بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو توسط نهادهای متخصص نظارت بر معاهدات سازمان ملل، مانند کمیته CEDAW است.

^{۲۰۴} کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ملاحظات نهایی در مورد گزارش دوره‌ای سوم افغانستان، U.N. Doc. CEDAW/C/AFG/CO/3 (۱۰ مارس، ۲۰۱۳).

^{۲۰۵} خانم گلا دیس آکوستا وارگاس Ms. Gladys Acosta Vargas (رئیس کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان)، سخنان پایانی در هشتادمین جلسه کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ۱ (۹ فوریه ۲۰۲۲) (در پرونده بررسی قانون حقوق بشر کلمبیا). این کمیته یک گروه کاری برای بررسی تأثیرات وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر حقوق زنان و دختران را در کشور ایجاد کرد.

نشانه‌های امیدوارکننده‌ای در رابطه با سیستم واکنش سازمان ملل وجود دارد. پست گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان توسط شورای حقوق بشر در ماه می ۲۰۲۲ احیا شد. بسیاری از رویه‌های خاص دیگر شورای حقوق بشر سازمان ملل به حکومت دوم طالبان در صورت تناقض، واکنش‌های قوی نشان داده‌اند.^{۲۰۷} هرچند سیستم سازمان ملل هنوز هم سیاست‌های طالبان را صرفاً به عنوان تبعیض، غیرقانونی طبقه‌بندی می‌کند. این شیوه تعامل به تنهایی نمی‌تواند به اندازه کافی آسیب خاصی را که یک حکومت مبتنی بر تفکیک سیستماتیک و محرومیت تحمیل می‌کند، تشخیص و تصدیق کند. قواعد معمولی ضد تبعیض به تنهایی کافی نیستند، زیرا آن‌ها عمدتاً بر نقض‌های فردی تمرکز

^{۲۰۶} برای دسترسی به صفحه اصلی مراجعه کنید به: گزارشگر ویژه در مورد افغانستان، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-afghanistan> [https://perma.cc/X4Q6-8T32]، گزارشگر ویژه در بیانیه عمومی خود طی اولین مأموریتش در افغانستان، حذف روزافزون زنان از زندگی عمومی... و طرح تفکیک جنسیتی مطلق... با هدف حذف زنان از جامعه را محکوم کرد... اعلامیه مطبوعاتی، گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، افغانستان در یک چهارراه، کارشناس سازمان ملل در کابل می‌گوید (۲۶ مه ۲۰۲۲)، <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2022/05/facing-critical-human-rights-challenges-afghanistan-crossroads-says-un> [https://perma.cc/GZ22-TZLC] قابل ذکر است که تاکنون هیچ‌گاه یک زن به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور افغانستان تعیین نگردیده است، استفانی فریور، گزارشگر ویژه سازمان ملل افغانستان، INTLAWGRRLS (۳ آوریل، ۲۰۲۲)، <https://ilg2.org/2022/04/03/un-special-rapporteurship-on-afghanistan/> (https://perma.cc/WN6P-QPCT). برای فهرست افرادی که این مأموریت را بر عهده داشته‌اند، به گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان مراجعه کنید، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل برای حقوق بشر، <https://www.ohchr.org/en/special-procedures-human-rights-council/special-rapporteur-situation-human-rights-afghanistan> [https://perma.cc/KQB8-5UFP] ^{۲۰۷} کشتار غیرنظامیان، یادداشت فوق ۲۳؛ کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل، بیانیه در مورد مشارکت کامل زنان در زندگی عمومی و سیاسی افغانستان به عنوان تضمینی برای اساسات حقوق بشر آن‌ها (۱۵ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=27466> (&LangID=E [https://perma.cc/E9HT-WW67] [hereinafter Statement on Women's Full Participation])، تنها نکته واقعاً نگران‌کننده در تعامل صاحبان رویه‌های خاص، ابتکار بی‌سابقه گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان برای استفاده از تفسیر خود از قوانین شریعت به عنوان معیاری برای پاسخگویی طالبان به جای استفاده از معیارهای بین‌المللی حقوق بشر است. (که شیوه کار سیستم سازمان ملل متحد در مورد همه کشورها، از جمله کشورهای که اکثریت مسلمان هستند). نامه گزارشگر ویژه در مورد اعدام‌های غیرقانونی، فوری یا خودسرانه، گزارشگر ویژه در مورد مسائل اقلیت‌ها، گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن به آقای خان متقی (۴ نوامبر، ۲۰۲۱)، <https://spcommreports.ohchr.org/TMResultsBase/DownloadPublicCommunication> (File?gid=26763 [https://perma.cc/5SJL-DAXY])، درحالی که برخی از زنان مدافع حقوق بشر کارهای مهمی را در سراسر جهان در یک چهارچوب مذهبی انجام می‌دهند، این رویکرد گزارشگر ویژه یک انحراف اساسی از عملکرد سیستم حقوق بشر سازمان ملل با پیامدهای بالقوه شدید است و رویکردی که توسط برخی افغان‌ها و زنان مدافع حقوق بشر بین‌المللی مورد انتقاد واقع شده است.

می‌کنند، نه نقض‌های سیستمی یا صنعتی.^{۲۰۸} بر علاوه، حتی مفهوم تبعیض سیستماتیک نیز به اندازه کافی مسئولیت دولت‌های دیگر را برای مشارکت نکردن آن‌ها انعکاس نمی‌دهد. از این رو، اگر فرمول آپارتاید جنسیتی که توسط عبدالفتاح آمور در دهه ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفت، احیا و تقویت شود، می‌توان اثربخشی کار سیستم حقوق بشر سازمان ملل را افزایش داد و در عمل به ثبات بیش‌تری رسید.

و. در نظر گرفتن استدلال‌های متقابل و استراتژی‌های جایگزین

استدلال‌های احتمالی علیه رویکرد آپارتاید جنسیتی شایسته بررسی و پاسخ دقیق است. برای مثال، آنتونی لوستت، محقق اتریشی، پیشنهاد می‌کند که آپارتاید جنسیتی نباید آپارتاید خوانده شود زیرا کسانی که آن را تحمیل می‌کنند «بومی» هستند و نه یک اقلیت، برخلاف کسانی که در قدرت، در سیستم‌هایی که با آپارتاید نژادی مشخص می‌شوند: «در آپارتاید واقعی، مردم از لحاظ قومی پاک‌سازی و جایگزین می‌شوند: از نظر سیاسی، اقتصادی، فیزیکی و قدرت جدید در نهایت توسط متجاوزین [بیگانه] از راه دور ایجاد می‌شود. فرهنگ بومی نیز جای خود را به فرهنگ تازه‌واردین می‌دهد...»^{۲۰۹} چنین نظریاتی به اشتباه آپارتاید را به تجربه خاص آفریقای جنوبی محدود می‌کند، در حالی که اکنون به‌وضوح به عنوان یک مفهوم با ارتباط گسترده‌تر درک می‌شود. این دیدگاه محدود تنها یک محور بالقوه سلب مالکیت را می‌شناسد، محوری که به دست انواع خاصی از اجنبی است. نمی‌توان آن را با تعاریف آپارتاید در اساسنامه روم یا کمیسیون حقوق بین‌الملل که ارتباطی با استعمارگر ندارد، تطبیق داد. بر علاوه، این نمونه دیگری از تفکیک خصوصی-عمومی است که برای مشروعیت‌زدایی از تجربه انقیاد زنان استفاده می‌شود، به اندازه انواع دیگر شدید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا با نام تسلط بیگانگان یاد نمی‌شود. طرفداران حقوق بشر که به راحتی آن را در زمینه‌های دیگر به کار برده‌اند چنین دیدگاهی از آپارتاید ندارند. برای مثال، دیده‌بان حقوق بشر نیز مانند برخی از محققان مایل بوده است که رفتار افراد به اصطلاح طبقات بالاتر در هندوستان را با افراد پایین‌تر یا دالیت‌ها (قشر مظلوم در هند) در همان جامعه به عنوان «آپارتاید پنهان» عنوان کند.^{۲۱۰} در واقع، در یک نشست مقدماتی که برای کنفرانس جهانی در ارتباط با نژادپرستی

^{۲۰۸} توجه داشته باشید که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر خود بر مواد پیش‌نویس در مورد مسئولیت دولت‌ها، هنگام تأکید بر ماهیت جمعی برخی نقض‌ها بیان می‌دارد که: «آپارتاید از نظر نوع با اعمال تبعیض نژادی فردی متفاوت است و نسل‌کشی از اعمال فردی، حتی قتل با انگیزه‌های قومی یا نژادی از هم فرق دارد.» پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها، یادداشت فوق ۱۴، ص ۶۳.

^{۲۰۹} آنتونی لوستت، یادداشت فوق ۹۰، ص ۸۹.

^{۲۱۰} دیده‌بان حقوق بشر، تبعیض طبقاتی: نگرانی جهانی، HRW 6. 13/3(G) 29 (۲۹ آگوست، ۲۰۰۱)؛ سندی رائو، آپارتاید پنهان هند: نظام طبقاتی و جریان آن به سمت کارائیب و آمریکا، ذکر شده در همان.

برگزار شد بیان گردید که «طبقه‌بندی جامعه به عنوان مبنایی برای تفکیک و فشار بر مردم از نظر تبار و اشتغال آن‌ها نوعی آپارتاید است.»^{۲۱۱}

یکی از استدلال‌هایی که لوستت مطرح می‌کند این است که زنان افغان قبل از تحمیل حکومت طالبان در قدرت نبودند و بنابراین سیستم آن را نمی‌توان آپارتاید نامید.^{۲۱۲} این شبیه به این است که بگوییم زنان بسیار زبردست بودند و برای بدترین نوع ظلم و ستم واجد شرایط هستند. (و به همین ترتیب دالیت‌ها و دیگر گروه‌های به حاشیه رانده‌شده را نیز حذف می‌کند). همچنین ترتیب تغییرات بنیادگرایی در فرهنگ افغانستان را که طالبان غالباً بانفوذ خارجی‌ها به دنبال تحمیل آن هستند، نادیده می‌گیرد.^{۲۱۳}

یکی دیگر از استدلال‌های متقابل احتمالی این نگرانی همیشگی را منعکس می‌کند که اگر قواعد گسترش یابند، کم اثر خواهند شد. این به نوبه خود یکپارچگی و اعتبار قوانین بین‌المللی و تعهد دولت‌ها به آن را تضعیف می‌کند.^{۲۱۴} برخی از دولت‌ها به طور معمول در سازمان ملل متحد علیه گسترش حقوق بشر اعتراض می‌کنند. با این حال، هزینه سنگینی را خواهیم پرداخت برای وانمودکردن اینکه می‌توانیم با تفسیرهای قرن بیستم حقوق بشر، به اهداف قرن بیست و یکم و پایان دادن به تبعیض جنسیتی برسیم. هنگامی که بسیاری از این قواعد تصویب می‌شد و تفسیرهای آن‌ها توسعه می‌یافت، زنان حضور چشمگیری در ساختار سازمان ملل متحد نداشتند.^{۲۱۵} اغلب اوقات، حقوق زنان از تفسیر محدود مفاهیمی مانند شکنجه حذف شده است. اصلاح چنین عدم تعادلی حیاتی است. ضرورت انجام این کار بیش‌تر از خطرات روش‌شناسی است. علاوه بر این، موانع که در این رویکرد در حقوق بین‌الملل گنجانده شده است، این امر را به جای توسعه، تفسیری مجدد می‌کند.

^{۲۱۱} اعلامیه نهایی کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی و تبعیض مبتنی بر طبقه‌بندی: تبعیض مبتنی بر اشتغال و نژاد علیه دالیت‌ها، دیدبان حقوق بشر، 45, 44, 2, 11, 1 (۴-۱ مارس، ۲۰۰۱)، (<https://www.hrw.org/>) (legacy/campaigns/caste/final_declaration.htm [<https://perma.cc/HWQ5-JQST>])

^{۲۱۲} لوستت، یادداشت فوق ۹۰، ص ۸۲.

^{۲۱۳} رشید، یادداشت فوق ۱۰۹، ص ۱۷-۳۰. به متن زیر در یادداشت‌های ۲۹۵-۳۰۵ مراجعه کنید.

^{۲۱۴} به عنوان مثال مراجعه کنید به هرست هانوم، نقد کتاب: مایکل ایگناتیف، حقوق بشر و بت‌پرستی، 97 AM. J. INT'L L. 1006, 1007 (۲۰۰۳) (با بیان این که ایگناتیف پیشنهاد می‌کند «که تأکید بیش از حد بر حقوق بشر که به طور کلی تعریف شده است ممکن است منجر به بی‌ثباتی و به طور انحرافی، نقض بیش‌تر حقوق بشر در کوتاه مدت و میان مدت شود.»)

^{۲۱۵} به عنوان مثال، از سال ۱۹۴۶ تا انتخاب هیلاری چارلز ورث در سال ۲۰۲۱، تنها ۳.۷ درصد از قضات محکمه بین‌المللی عدالت (ICJ) زن بودند، فیونولا نی آلین، تعیین جنسیت محکمه بین‌المللی عدالت، فقط امنیت (۲ نوامبر، ۲۰۲۱)، (<https://www.justsecurity.org/78839/gendering-the-international-court-of-justice>) ([<https://perma.cc/RK7B-SSGX>]).

با وجود این، ارزش آن را دارد که جایگزین‌های قابل اجرا برای مفهوم آپارتاید جنسیتی در نظر گرفته شود که به فشار کمتر معیارها نیاز داشته باشد و همچنان راه‌حل‌های مؤثری را در مقابل اقدامات طالبان علیه زنان ارائه دهد. یکی از چهارچوب‌هایی که می‌توان به کار گرفت، نوآوری اساسنامه رم محکمه جزایی بین‌المللی است که آزار و شکنجه بر اساس جنسیت را جنایت علیه بشریت عنوان نمود.^{۲۱۶} تا به امروز، تنها یک مورد تعقیب قضایی برای این جنایت، علیه یکی از فرماندهان گروه مسلح اسلام‌گرای انصارالدین کشور مالی، مطرح شده است.^{۲۱۷} دلیل این اتهام شامل آن است که متهم «زنان و دختران جوان را بر اساس جنسیت هدف قرار داده و بانگیزه تبعیض‌آمیز در مورد وظایف مرتبط با جنسیت، بر آن‌ها محدودیت اعمال می‌کرد».^{۲۱۸} این اتهام همچنان از جمله اتهامات علیه طالبان است که دادستانی [خارنوال] محکمه جزایی بین‌المللی بررسی آن را در سال ۲۰۱۷، زمانی که این گروه به عنوان یک گروه مسلح، صرفاً بخشی از خاک افغانستان را در اختیار داشت، آغاز کرد.^{۲۱۹}

اگرچه قواعد «کم استفاده شده»^{۲۲۰} علیه آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت قبلاً به صراحت در حقوق بین‌الملل تسجیل شده و نیازی به بسط مفاهیم ندارد. با توجه به اینکه افغانستان یکی از طرفین اساسنامه رم است، طالبان می‌تواند در این رویه قضایی جدید گنجانده شود و در حال حاضر این موضوع تحت

^{۲۱۶} الکساندرا باکر Alexandra Bakker، آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت در محکمه جزایی بین‌المللی: پرسش‌ها و پیامدها، نشریه گروه حقوق و پالیسی بین‌الملل (۲۵ نوامبر، ۲۰۲۰) <https://www.publicinternationallawandpolicygroup.org/lawyering-justice-blog/2020/11/25/gender-based-persecution-at-the-international-criminal-court-questions-and-implications> [https://perma.cc/4QSB-KSFM]؛ همچنین مراجعه کنید به لیزا دیویس، گردگیری کتاب‌های قانون: شناخت آزار جنسی در درگیری‌ها و خشونت‌ها، 20 NW. J. HUM. RTS. 2-3 (۲۰۲۱) ^{۲۱۷} دادستان [خارنوال] علیه الحسن، ICC-01/12-01/18، تجدیدنظر در مورد تأیید اتهامات علیه الحسن ال عبدالعزیز محمد ال محمود، 667, 697 ¶¶ ۱۹ (۱۳ نوامبر، ۲۰۱۹). برای به‌روزرسانی محکمه بین‌المللی مالی را ببینید: <https://www.ice-cpi.int/mali> [https://perma.cc/ME87-LAUP] (آخرین بازدید: ۱۹ نوامبر، ۲۰۲۲) وضعیت دو کشور دیگر برای پیگرد قانونی این اتهام در نظر گرفته شده است: اوکراین و نیجریه، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر (FIDH)، پاسخگویی به جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت در دیوان جزای بین‌المللی: تحلیلی از دادستان [خارنوال] BENSOUA'S LEGACY 9 (2021) <https://www.fidh.org/IMG/pdf/cpiproc772ang-1.pdf> [https://perma.cc/9MZX-ES8Y].

^{۲۱۸} این محدودیت‌ها شامل جدایی از مردان، عدم امکان خروج از خانه و برخی ممنوعیت‌های اشتغال بود که تخلف از آن‌ها مجازات شدیدی را در پی داشت. چنین اعمالی با خشونت جنسی نیز همراه بود، همان، ص ۱۳.

^{۲۱۹} همان، ص ۱۶، ۲۲. برای به‌روزرسانی محکمه جزایی بین‌المللی افغانستان مراجعه کنید: <https://www.ice-cpi.int/afghanistan> [https://perma.cc/NK5H-TUYZ] (آخرین بازدید: ۱۹ نوامبر، ۲۰۲۲). بر اساس وبسایت محکمه «در ۳۱ اکتبر ۲۰۲۲، جلسه مقدماتی دوم محکمه جزایی بین‌المللی (ICC) به دادستانی [خارنوال] اجازه داد تا تحقیقات در مورد وضعیت افغانستان را از سر بگیرد، روشی که تعویق تحقیقات محکمه را توجیه می‌کند».

^{۲۲۰} فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، یادداشت فوق ۲۱۷، ص ۱۶.

بررسی است. با این حال، تعامل محکمه جزایی بین‌المللی در قبال افغانستان بحث‌برانگیز است، به خصوص این‌که قاضی عاملان داعش شاخه خراسان و طالبان را به دلیل تحریمشان توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد استثنای قرار داده و در عین حال از ادامه تحقیقات دیگران خودداری کرد.^{۲۲۱} بر علاوه محکمه جزایی بین‌المللی حداکثر می‌تواند چند متهم فردی را محاکمه کند؛ بنابراین به خودی خود به تغییر عمده مورد نیاز در پالیسی، برای پایان دادن به آپارتاید جنسیتی دست نخواهد یافت.

علاوه بر این، رویکرد آزار و شکنجه نمی‌تواند به اندازه کافی ماهیت اصلی و ایدئولوژیک سوءاستفاده‌های مورد بحث را شامل شود یا مسئولیت‌های دیگر بازیگران بین‌المللی را برای واکنش مناسب بازتاب دهد. این نقص با تفاوت فاحش بین تعاریف مربوطه در اساسنامه رم مشخص می‌شود. طبق ماده ۷ بند (۲) فقره (g)، «آزار و شکنجه به معنای محرومیت عمدی و شدید از حقوق اساسی برخلاف قوانین بین‌المللی، به دلیل هویت گروهی یا جمعی است.»^{۲۲۲} این تعریف به خوبی بر شدت و انگیزه تبعیض‌آمیز پالیسی طالبان در قبال زنان تأکید می‌کند؛ مانند هر جنایت علیه بشریت، آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت در چهارچوب یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیرنظامی، زمانی رخ می‌دهد که «پالیسی برای ارتکاب چنین حمله‌ای»^{۲۲۳} وجود داشته باشد. هر چند سلطه‌گری بر زنان یکی از عناصر هسته‌ای ایدئولوژی این گروه و یکی از شاخه‌های کلیدی خط‌مشی حکومت آنان است. تعریف آپارتاید در ماده ۷ بند (۲) فقره (h) این مفاد را بسیار کامل‌تر نشان می‌دهد، اگر جنسیت را برای نژاد در قسمت زیر اثبات کنیم: «اعمال غیرانسانی ... در چهارچوب یک رژیم مستقرشده با ظلم و سلطه سیستماتیک یک گروه نژادی بر هر گروه یا گروه‌های نژادی دیگر و به قصد حفظ آن رژیم ارتکاب یافته است.»^{۲۲۴}

احتمال دیگر، یک رویکرد شمارشی است که به جمع‌آوری نقوض قواعد متفاوت حقوق بین‌المللی از جمله کنوانسیون CEDAW، میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در مورد عدم تبعیض را که افغانستان نیز یکی از کشورهای عضو آن است، پرداخته و کنار هم می‌گذارد.^{۲۲۵}

^{۲۲۱} بیانیه دادستان [= قرار خرنوال] محکمه جزایی بین‌المللی، کریم اسد احمدخان QC، پس از درخواست برای صدور حکم عاجل طبق ماده ۱۸ بند (۲) به دنبال مجوز برای از سرگیری تحقیقات در وضعیت افغانستان، محکمه جزایی بین‌المللی (۲۷ سپتامبر، ۲۰۲۱) <https://www.ice-cpi.int/Pages/item.aspx?name=2021-09-27-otp-statement-afghanistan> [https://perma.cc/PSYB-4SJU]

^{۲۲۲} اساسنامه رم، یادداشت فوق ۷۹، ماده ۷ بند (۲) فقره (g).

^{۲۲۳} همان، ماده ۷ بند (۲) فقره (a).

^{۲۲۴} همان، ماده ۷ بند (۲) فقره (h).

^{۲۲۵} مرجعه کنید به سازمان بین‌المللی کار، کنوانسیون تبعیض (استخدام و اشتغال)، ۲۵ ژوئن، ۱۹۵۸، ILO No.

کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار نیز همانند معاهدات حقوق بشر، دولت‌ها را ملزم می‌کنند که سیاست‌های متعهد به برابری در زمینه اشتغال را دنبال کنند.^{۲۲۶} این کنوانسیون‌ها مجدداً فرض می‌کنند که دولت مایل به اقدام علیه تبعیض شغلی است و دولت را به عنوان موتور اجرای آن می‌پندارند.

در نهایت، همه این رویکردها می‌توانند مکمل نیز باشند و ارزش امتحان کردن را دارند، اما هیچ‌یک از آن‌ها به‌طور یکسان ماهیت این سوءاستفاده‌ها را نشان نمی‌دهند یا به بازیگران بین‌المللی قدرت نمی‌دهند تا مانند رویکرد آپارتاید جنسیتی، نقش مؤثری در توقف آن‌ها ایفا کنند. مسلماً این یک حرکت سیاسی آسان یا تنها رویکرد حقوقی بین‌المللی قابل پیش‌بینی نیست اما نشان‌دهنده یک قدم ضروری و بالقوه امیدوارکننده رو به جلو است.

|

^{۲۲۶} همان، ماده ۲: «هر عضوی که این کنوانسیون برای آن لازم‌الاجرا است متعهد می‌شود که سیاست ملی را اعلام و دنبال کند که با روش‌های مناسب با شرایط و رویه ملی و برابری فرصت‌ها در رابطه با استخدام و اشتغال، با هدف محو هر گونه تبعیض ارتقاء دهد.»

ز. فواید امروزی رویکرد آپارتاید جنسیتی

قانون آپارتاید نژادی آنچه را که قانون تبعیض به تنهایی نمی‌توانست انجام دهد، تکمیل کرد و فرایند به ثمر رسیدن آن را تسهیل نمود. این روند، با گشودن درها به روی مکانیسم‌های اجرایی نوین، قوانین بین‌المللی حقوق بشر را تغییر داد و مسئولیت‌های دولت دوم را به‌طور مستقیم به قانون حقوق بشر وارد کرد.^{۲۲۷} مجمع عمومی نه تنها تخلفات را محکوم کرد بلکه خواستار اعمال تحریم‌ها در پاسخ به آپارتاید شد.^{۲۲۸} رسیدن به این نقطه روند آسانی نبود، زیرا برخی از دول قدرتمند با توسعه چهارچوب قانونی مربوطه مخالف بودند و گاهی اوقات به‌جای آن از «تعامل سازنده» با آپارتاید آفریقای جنوبی (همان‌طور که اکنون در مورد طالبان شنیده می‌شود) حمایت می‌کردند.^{۲۲۹} با این حال، مقابله با آپارتاید نژادی در نیمه دوم قرن بیستم، بدون شک آسان‌تر از مقابله با آپارتاید جنسیتی امروزی بود زیرا آپارتاید نژادی مرتبط با استعمار شناخته‌شده و یک موضوع اساساً بین‌المللی در نظر گرفته شد.

|

|

^{۲۲۷} جنسن Jensen، یادداشت فوق ۱۹۹، ص ۹۷-۹۹. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ECOSOC) قطعنامه ۱۲۳۵ را تصویب کرد که به کمیسیون وقت حقوق بشر اجازه داد تا: «مطالعه کاملی از موقعیت‌هایی انجام دهد که الگوی ثابتی از نقض حقوق بشر را آشکار می‌کند، همان‌طور که سیاست آپارتاید به عنوان نمونه در جمهوری آفریقای جنوبی نشان می‌دهد...»، مصوبه ۱۲۳۵ شورای اقتصادی و اجتماعی، (XLII) ۳ ۹ (۶ ژوئن، ۱۹۶۷). قابل ذکر است که عنوان قطعنامه از عبارت «در همه کشورها» استفاده می‌کند: «مسأله نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، ازجمله سیاست‌های تبعیض نژادی، تفکیک نژادی و آپارتاید، در همه کشورها، با اشاره خاص به کشورهای استعماری و دیگر کشورها و سرزمین‌های وابسته تأکید شده است. سه سال بعد، ECOSOC بر اساس این سابقه عملکرد تا به کمیسیون و نهاد فرعی آن ظرفیت رسیدگی به پرونده‌هایی را بدهد که نشان‌دهنده الگویی ثابت از نقض فاحش و قابل اطمینان حقوق بشر است...»، مصوبه ۱۵۰۳ شورای اقتصادی و اجتماعی (XLVIII)، ۱ ۹ (۲۷ می، ۱۹۷۰)

^{۲۲۸} لوری فیسلر دامورش و سین د. مورفی، حقوق بین‌الملل: موارد و مواد، ۹۱۱ (لوری فیسلر دامورش و سین د. مورفی، چاپ ۷، ۲۰۱۹)

^{۲۲۹} ویلیام بلوم، آفریقای جنوبی: رأی دادن به آپارتاید در سازمان ملل، NEW AFR، ۳۲ (۲۰۰۳)، ۳۲ (۲۰۰۳). برخی کشورهای غربی را «متحدان فعال رژیم‌های برتری طلب سفیدپوست» می‌دانستند. آی کوئی آرما، آفریقای جنوبی: آزدسازی (خاطره ماندلا)، NEW AFR. MAG (۱۸ دسامبر، ۲۰۱۳) (https://newafricanmagazine.com/4106/). به‌عنوان مثال، با ظهور دولت کارتر در ایالات متحده و تأکید آن بر حقوق بشر، [https://perma.cc/4VJU-PL96]. مواضع آن کشورها متحول شد. WELSH & SPENCE، یادداشت فوق ۵۰، ص ۴۳.

قبل از دهه ۱۹۹۰، انقلاب حقوق بشر زنان، حوزه خصوصی را به صحنه بین‌المللی سوق داد، این امر مقدمات اعمال قواعد بین‌المللی حقوق بشر را در محیط عمومی به صورت وسیع فراهم کرد.^{۲۳۰} علاوه بر این، با استعمارزدایی، آرمان ضد آپارتاید نژادی، گروهی از دولت‌ها را بر سر میز سازمان ملل متحد کشاند، به گونه‌ای که به دلیل عدم حضور سیاسی مداوم زنان، جنبش ضد آپارتاید جنسیتی از عهده این کار برنیامد.^{۲۳۱}

با توجه به موفقیت رژیم حقوقی بین‌الملل در قرن بیستم در کمک به پایان‌دادن به آپارتاید نژادی و حمایت صریح از جنبش‌های محلی علیه آپارتاید نژادی^{۲۳۲} و همچنین روشی که در آن جامعه بین‌المللی و سیستم سازمان ملل متحد را تقویت کرد، استفاده از چهارچوبی مشابه برای پاسخ به آپارتاید جنسیتی در قرن بیست و یکم ضروری است. یک خبرنگار زن افغان طی مصاحبه‌ای شکست‌های جامعه بین‌المللی را محکوم کرده و خوش‌بینانه تأکید کرد که شرایط سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی به دلیل واکنش بین‌المللی بهبود یافته است و استدلال کرد که بهترین امید برای زنان افغان استفاده از یک رویکرد مشابه برای مقابله با آپارتاید جنسیتی است.^{۲۳۳} در صورت لزوم بنا به دلایل زیر کنترل مفهوم حقوقی بین‌المللی آپارتاید حایز اهمیت است، اول به دلیل نحوه آشکارسازی ماهیت پیچیده یا سیستماتیک سوء استفاده‌ها، دوم به خاطر الزامات حقوقی گسترده جهانی که به دنبال دارد و سوم به جهت «لکه ننگ»^{۲۳۴} و یا بدنامی که برای [مرتکبین] آن است.

در واقع، اهمیت نمادین و رسای به‌کارگیری مفهوم آپارتاید در وضعیتی مانند طالبان افغانستان اساسی و بنیادین است. استفاده از اصطلاح «آپارتاید» مانند «نسل‌کشی»، باعث افزایش «تحریک

^{۲۳۰} صندوق توسعه سازمان ملل متحد برای زنان (UNIFEM)، ادغام حقوق بشر زنان در کار گزارشگران ویژه (۱۹۹۶)؛ گزارش نشست گروه کارشناسان درباره توسعه دستورالعمل‌هایی برای انسجام دیدگاه‌های جنسیتی در فعالیت‌ها و برنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد، U.N. Doc. E/CN.4/1996/105، (۳-۷ جولای، ۱۹۹۵). حقوق‌دانان بین‌المللی فمینیست از پیشرفت در سایر حوزه‌های حقوق بشر کنار رفتند. به قضیه ولاسکیز رودریگز و. هندوراس، شایستگی‌ها، قضاوت‌ها/مراجعة کنید، Inter-Am. Ct. H.R. (ser. C) No. 4 (۲۹ جولای، ۱۹۸۸)

^{۲۳۱} در سال ۲۰۲۱، ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل در مجموع دوازده سفیر زن در سازمان ملل در نیویورک و هشت سفیر در سازمان ملل متحد در ژنو داشتند که نشان‌دهنده بهبود نسبت به تعداد گذشته است. انستیتوت دیپلماتیک انوار گردش، شاخص زنان در دیپلماسی ۲۰۲۱، ۴ (۲۰۲۱)، (<https://www.agda.ac.ae/docs/default-source/Publications/agda-women-in-diplomacy-mar-2021.pdf?sfvrsn=4>) [<https://perma.cc/A4Z6-G6C8>]

^{۲۳۲} مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، G.A. Res. 32/105, Policies of Apartheid of the Government of South Africa, B ¶ 5.

^{۲۳۳} مصاحبه سیگنال با زهرا سپهر، یادداشت فوق ۱۳۷.

^{۲۳۴} محکمه حقوق بشر اروپا از این اصطلاح برای توصیف شکنجه استفاده کرد. ایرلند علیه بریتانیا، 25 Eur. Ct. H.R. (ser. A) at 59 (۱۹۸۷)

شرمندگی» می‌شود که ابزاری حیاتی برای رعایت قوانین بین‌المللی است. این کار به تنهایی مؤثرتر از استفاده از عباراتی مانند «تبعیض» یا حتی «تبعیض سیستماتیک» است.^{۲۳۵} این چهارچوب، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های فراملی را تحت فشار قرار می‌دهد تا از تعامل با طالبان به شیوه‌هایی که نشان‌دهنده تساهل و کمک^{۲۳۶} به تداوم سوءاستفاده‌های شدید باشد، اجتناب کنند. استفاده از اصطلاح «آپارتاید» به منزله وضعیت منفور عاملان آن است که به عنوان دشمنان بشریت شناخته می‌شوند. همچنین باعث تقویت و حمایت فعالیت معترضان محلی می‌گردد. در مقابل، عدم به‌کارگیری مفاهیم شدیدالحن و پاسخی قوی به رژیمی که سیاست‌های شناخته‌شده‌اش این چنین زن‌ستیزانه است، پیامی وحشتناک به زنان در سراسر جهان مخابره می‌کند که حقوق آن‌ها اهمیتی ندارد.

با شناخت خطرات تبعیض سیستماتیک برای حقوق بشر و فراتر رفتن از کشورهای دخیل در آن، حقوق بین‌الملل مسئولیت می‌یابد تا در مورد تبعیض نژادی در انواع مفاهیم از پیش تعیین‌شده آن، روزنه‌ای بزرگی برای قانون بین‌المللی حقوق بشر ایجاد کند.^{۲۳۷} قانون ضد آپارتاید از قواعد تبعیض نژادی سرچشمه می‌گرفت که با الزامی شدن، تأثیرات آن جهت استعمارزدایی افزایش یافت. تکیه بر این دستاوردها می‌تواند به تقویت حمایت از حقوق بشر برای زنانی که برای مدت طولانی در حاشیه سازوکارهای بین‌المللی بوده‌اند، کمک کند.

ارزش‌های اساسی که آپارتاید نژادی به آن‌ها حمله کرد، از جمله اصول عدم تبعیض و برابری در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، همان ارزش‌هایی است که در آپارتاید جنسیتی در افغانستان دخیل است. نکته مهم این است که فمینیست‌های مختلف آفریقایی جنوبی، از جمله زنان محقق

^{۲۳۵} دامورش DAMROSCH، یادداشت فوق ۹۲، ص ۱۹-۲۰.

^{۲۳۶} به شکایت‌هایی که علیه بانک‌های خارجی مختلف به اتهام تامین مالی آپارتاید در آفریقای جنوبی مطرح شده است توجه کنید. شکایت قربانیان آپارتاید از تجارت بزرگ، بی‌بی‌سی (۱۷ ژوئن ۲۰۰۲)، (<https://perma.cc/D37V-LMK4>) (<http://news.bbc.co.uk/2/hi/africa/2049809.stm>). امروزه، رویکرد آپارتاید جنسیتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، به عنوان مثال، برای تحت فشار قرار دادن توییتر برای توجه به کمپین گسترده BanTaliban# و حذف رهبران این گروه و عاملان آپارتاید از شبکه اجتماعی توییتر. مراجعه کنید به: *افغان‌ها کمپین منع طالبان را در توییتر راه‌اندازی کردند*، حمایت گسترده دریافت کردند، BUSINESS STANDARD (۲۳ جولای، ۲۰۲۲) (https://www.business-standard.com/article/international/afghans-launch-ban-taliban-campaign-on-twitter-receive-massive-support-122072300145_1.html) (<https://perma.cc/E8E8-GGN3>). این احتمال منوط به تحولات در وضعیت غیرقابل پیش‌بینی توییتر است زیرا این اثر در دسامبر ۲۰۲۲ منتشر می‌شود.

^{۲۳۷} برای مثال، معاهدات حقوق بشر به طور سنتی بر تعهدات دولت‌ها و محدود کردن رفتار آن‌ها متمرکز شده بود. با این حال، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی به وضوح رفتار نهادهای خصوصی را در بر می‌گیرد. به بحث مرتبط در استفانی فارپور، به چالش‌های مفاهیم غالب حقوق بین‌الملل، ارائه‌شده توسط قانون بین‌المللی در مورد تبعیض نژادی (در آینده نزدیک) (اسناد ثبت‌شده نزد نویسنده) مراجعه کنید. |

سیاه‌پوست، این برداشت را مناسب یافته‌اند. پنه‌لوپه اندروز در سال ۲۰۱۲ نوشت که: «به رسمیت شناختن فرودستی زنان و تبعیض سیستماتیک علیه آن‌ها در افغانستان به منزلهٔ آپارتاید جنسیتی بوده و نیازمند تلاش و هماهنگی بیش‌تر است...»^{۲۳۸}

پایان دادن به آپارتاید نژادی به درستی به عنوان بخشی ضروری برای تکمیل استعمارزدایی مطرح شد و در سازمان ملل متحد در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ انگیزهٔ بیش‌تری به آن بخشید. به‌طور مشابه، تعهد کشورهای عضو سازمان ملل برای دستیابی به برابری جنسیتی تا سال ۲۰۳۰ در اهداف توسعهٔ پایدار (SDGs)، به همان اندازهٔ محور آزادی انسانی است که منشور سازمان ملل به دنبال دستیابی به آن است.^{۲۳۹} رسیدن به این هدف بدون مقابله با آپارتاید نژادی غیرممکن است؛ چنانچه استعمارزدایی بدون به چالش کشیدن تبعیض نژادی سیستماتیک ممکن نبود. هیچ توضیح منطقی برای رویکرد دیگر وجود ندارد مگر این‌که به واسطهٔ یکی از دلایل ذیل: (۱) منع تبعیض جنسیتی را کمتر از منع تبعیض نژادی برای کرامت انسانی تلقی می‌کند، (۲) توجیهات نسبی‌گرایانه فرهنگی اعمال شده برای آپارتاید جنسیتی را که در سال ۲۰۱۸ در مورد آپارتاید نژادی رد شد، می‌پذیرد، یا (۳) عدم وجود متن خاص در حقوق بین‌الملل را مانعی غیرقابل عبور می‌داند. با توجه به موانعی که نشان می‌دهند، این سه پاسخ احتمالی در قسمت‌های بعدی مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرند.

۱۱. تبعیض جنسیتی و نژادی در حقوق بین‌الملل

سه عنصر جنایت آپارتاید، برگرفته از کنوانسیون آپارتاید و اساسنامهٔ رم را می‌توان به شرح زیر بیان کرد: (۱) قصد حفظ سلطهٔ یک گروه نژادی بر گروه دیگر. (۲) زمینهٔ ستم سیستماتیک توسط یک گروه نژادی بر گروه دیگر؛ و (۳) اعمال غیرانسانی.^{۲۴۰} اگر «جنسیت» و یا «جنس» جایگزین «گروه نژادی» شود، در مورد حکومت اول و دوم طالبان به راحتی هر یک از این موارد صدق می‌کند. پنه‌لوپه اندروز در بازنویسی مجدد مادهٔ تعریفی کنوانسیون آپارتاید شرکت داشت؛ جایگزینی «گروه نژادی» با «گروه جنسیتی» و «آفریقای جنوبی» با «افغانستان» و بیان عملی بودن نتایج را بدیهی و مشهود خواند.^{۲۴۱} آن گونه‌ای که در بالا ذکر شد، کارشناسان دیگر نیز این رویکرد را پذیرفته‌اند.^{۲۴۲} پرسشی که

^{۲۳۸} مرجعه کنید به: اندروز، یادداشت فوق ۳۱، ص ۱۵۹.

^{۲۳۹} مرجعه کنید به: متن و یادداشت زیر ۳۴۱.

^{۲۴۰} عمر شاکر OMAR SHAKIR، دیده‌بان حقوق بشر، عبور از یک مرز ۵-۶ (۲۰۲۱).

^{۲۴۱} مرجعه کنید به: اندروز، یادداشت فوق ۳۱، ص ۱۵۶-۵۷.

^{۲۴۲} به یادداشت‌های ۹۵-۱۰۱ متن فوق مرجعه کنید.

با آن مواجه می‌شویم این است که آیا حقوق بین‌الملل می‌تواند چنین جایگزینی را حفظ کند؟ این مقاله استدلال می‌کند که چنین جابه‌جایی در حقوق بین‌الملل موجه است. برای استدلال در این مورد، اکنون به تعامل حقوق بین‌الملل در مورد تبعیض جنسی و نژادی می‌پردازیم.

الف. «اعتقاد... به حقوق برابر زن و مرد» در حقوق بین‌الملل

ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت، مانند تبعیض نژادی، سنگ بنای نظم حقوق بین‌المللی مدرن است. در واقع، حق عدم تبعیض بر اساس خصوصیات مختلف، از جمله جنسیت، تنها حقوق اساسی بشر است که به‌صراحت در منشور ملل متحد ذکر شده است.^{۲۴۳} کلمات طنین‌انداز مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید دارند که «مردم ملل متحد در منشور،/یمان خود را به حقوق اساسی بشر، به حیثیت و ارزش انسان و به حقوق برابر زن و مرد تأیید کردند.»^{۲۴۴}

با تکیه بر این اساس، اصل متن در منشور بین‌المللی حقوق بشر، برابری جنسیتی را تضمین می‌کند.^{۲۴۵} دو معاهده الزام‌آور که دامنه حقوق را در اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین می‌کنند – میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و میثاق بین‌المللی در مورد حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) – نه تنها شامل ممنوعیت تبعیض جنسیتی است بلکه الزامات مثبتی برای برابری ماهوی مردان و زنان در برخورداری از همه حقوق دارد.^{۲۴۶} ماده (۲) ICCPR بیان می‌دارد که تمامی اعضا باید به کلیه حقوق مندرج در این میثاق «بدون هیچ‌گونه تمایز، مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد یا سایر موقعیت‌ها» احترام

^{۲۴۳} توماس بورگنتال Thomas Buergenthal, سیستم بین‌المللی حقوق بشر در حال تحول, 100 AM. J. INT'L L. 783, 784 (۲۰۰۶) (راجع شده به منشور سازمان ملل متحد. ماده ۱, ۳۹, ۵۵, b) ^{۲۴۴} اعلامیه جهانی حقوق بشر، یادداشت فوق ۳، مقدمه. این زبان به دلیل حمایت مینروا برناردینو از جمهوری دومینیکن گنجانده شد، ربکا آدامی، زنان و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۸ (۲۰۲۰). ^{۲۴۵} این دسته شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو میثاقی که بیش‌تر حقوق موجود در آن را تدوین می‌کند، (ICCPR و ICESCR) و پروتکل‌های اختیاری آن که در درجه اول مکانیسم‌های اجرایی هستند، می‌شود. ^{۲۴۶} میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، یادداشت فوق ۳، ماده ۲ و ۳؛ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یادداشت فوق ۳۱، ماده ۲ و ۳. پیامدهای ماهیت پیچیده برابری جنسی بسیار گسترده است. چنانچه کمیته حقوق بشر که بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نظارت می‌کند، در سال ۲۰۰۰ اشاره داشت: «ماده ۳ بیان می‌کند که در مجموع همه افراد بشر باید به‌طور مساوی از حقوق پیش‌بینی‌شده در میثاق برخوردار شوند». کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظریه عمومی شماره ۲۸: ماده ۳ (برابری حقوق بین زن و مرد)، ۱۲, U.N. Doc. CCPR/C/21Rev. 1/Add.10 (۲۹ مارس، ۲۰۰۰) نظریه عمومی شماره ۲۸: از این رو، برابری جنسیتی عمیقاً در مجموعه قوانین عمومی حقوق بشر و نه فقط در استانداردهای ویژه حقوق زنان گنجانده شده است.

بگذارند و مراقبت کنند.^{۲۴۷} به طور دقیق تر، ماده ۳ بیان می دارد که همه طرف ها باید «حق برابر زن و مرد را در برخورداری از کلیه حقوق مدنی و سیاسی مندرج در این میثاق تضمین کنند.»^{۲۴۸} اضافه شدن شرط ماده (۳)، با تمرکز بر جنسیت به تنهایی در میان مبانی تبعیض، محوریت پروژه حقوق بشر را برای رفع این نوع خاص از تبعیض برجسته می کند.^{۲۴۹} مواد ۲ و ۳ ICESCR تقریباً تضمین های یکسانی را ارائه می دهند.^{۲۵۰} هر یک از این قواعد برای افغانستان و هر نهادی که آن را اداره کند لازم الاجرا است.^{۲۵۱}

در حالی که منشور ملل متحد پایه ها را فراهم می کند و منشور بین المللی حقوق بشر دیوارها را تأمین می کند، کنوانسیون CEDAW سطح بالایی و ساختار حمایت از حقوق در این زمینه است. تمامی این معاهده صرفاً بر پایان دادن به رفتار تبعیض آمیز با زنان متمرکز است.^{۲۵۲} در حال حاضر دارای ۱۸۹ کشور عضو و دو امضاکننده است که آن را به یکی از پرتعدادترین معاهدات بین المللی به اصول حقوق بشر جهانی تبدیل می کند، در حالی که مسلماً دارای بیشترین موارد استثنا و در عمل نیز بسیار نقض شده است.^{۲۵۳} همچنان این معاهده یک معیار بین المللی برای سنجش تلاش های دولت ها در منطقه محسوب می شود.

^{۲۴۷} یادداشت فوقی ۳، ماده ۲.

^{۲۴۸} همان، ماده ۳.

^{۲۴۹} به مبحث ماده ۳ در مانفورد نواک، میثاق سازمان ملل در مورد حقوق مدنی و سیاسی: تفسیر CCPR، ۷۶-۸۲ (۲۰۰۵).

^{۲۵۰} میثاق ICESCR، یادداشت فوقی ۳۱، ماده ۲ و ۳.

^{۲۵۱} مراجعه کنید به: متن و یادداشت فوقی ۲۰۰.

^{۲۵۲} کنوانسیون CEDAW، یادداشت فوقی ۳. کشورهای عضو کاملاً ملزم به اجرای کنوانسیون با حسن نیت هستند. کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات، تبصره فوقی ۸۱، ماده ۲۶. تنها ۶ کشور وجود دارند که به دلیل طیفی از عوامل، از جمله مخالفت ایدئولوژیک و کمبود ظرفیت فنی، هیچ اقدامی در رابطه با این کنوانسیون انجام ندادند: واتیکان، ایران، نیووی [کشوری در اقیانوس آرام]، سومالی، سودان و تونگا. متن کنوانسیون CEDAW توسط گروه کاری از کمیته سوم مجمع عمومی از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ تهیه شده است. تاریخ کوتاهی از کنوانسیون CEDAW، زنان سازمان ملل متحد، <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.htm> [<https://perma.cc/S79R-8P2P>] این یک روند غرب محور نبود، در واقع، بسیاری از کشورهای آسیایی نقش فعالی داشتند. کنوانسیون سازمان ملل در مورد رفع هر گونه تبعیض علیه زنان: یک تفسیر (مارشا ای. فریمن و دیگران، ۲۰۱۲) متن نهایی کنوانسیون توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۷۹ با ۱۳۰ رأی موافق، در مقابل هیچ مخالف و ۱۰ رأی ممتنع در قطعنامه ۱۸۰/۳۴ به تصویب رسید. همان. تنها دو سال بعد، در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱، ۳۰ روز پس از تصویب آن توسط بیستمین کشور عضو، این کنوانسیون سریع تر از هر کنوانسیون قبلی حقوق بشر لازم الاجرا شد. همان.

^{۲۵۳} تصویب ۱۸ معاهده بین المللی حقوق بشر، (U.N. OFF. OF THE HIGH COMM'R FOR HUM. RTS.) <https://indicators.ohchr.org/> [<https://perma.cc/2FJC-BD3N>] تنها کنوانسیون حقوق کودک با ۱۹۶ کشور عضو دارای تصویب بیش تر است. همچنین مراجعه کنید به ربکا کوک، محفوظات مربوط به کنوانسیون رفع هر گونه

کنوانسیون CEDAW شامل بسیاری از مقررات مرتبط است، از جمله موارد مندرج در ماده ۲ که مقرر می‌دارد:

(a) اصل برابری زن و مرد را در قانون اساسی ملی یا سایر قوانین مربوط تجسم کنند... و

از طریق قانون و وسایل مناسب دیگر، تحقق عملی این اصل را تضمین کنند.

(b) اتخاذ تدابیر قانونی مناسب و سایر اقدامات، از جمله تحریم در صورت لزوم، برای منع هرگونه تبعیض علیه زنان؛

(c) ایجاد حمایت قانونی از حقوق زنان بر مبنای برابری با مردان و تضمین حمایت مؤثر

از زنان در مقابل هر گونه اقدام تبعیض‌آمیز از طریق محاکم با صلاحیت ملی و سایر نهادهای عمومی... [و]

(d) از هرگونه اقدام یا عمل تبعیض‌آمیز علیه زنان خودداری کنند و اطمینان حاصل کنند

که مقامات و نهادهای عمومی باید در مطابقت با این تعهد عمل کنند...^{۲۵۴}

همچنین صراحتاً مستلزم مبارزه با تبعیض جنسی در رابطه با بسیاری از مسائل مربوط به حقوق بشر در چهارچوب وابستگی‌های متقابل حقوق بشر بین‌المللی، از جمله حقوق مشارکت سیاسی و دسترسی به فضای عمومی است؛^{۲۵۵} حقوق آموزش، اشتغال، بهداشت و برابری در مقابل قانون؛ و حق «مشارکت در فعالیت‌های تفریحی، ورزش و تمام جنبه‌های زندگی فرهنگی»؛^{۲۵۶} و همچنین حقوق در زمینه‌های ازدواج و زندگی خانوادگی است. کنوانسیون شامل یک الزام کلی‌تر عدم تبعیض در همه عرصه‌ها است که مبتنی بر الفاظ مفصل مواد ۱-۳ می‌باشد. ماده ۵ بند (a) کنوانسیون CEDAW، مؤثرترین ماده از کل مجموعه قوانین بین‌المللی حقوق بشر را ارائه می‌کند، گویا این موضوع قبلاً به اندازه کافی مفصل نبوده است. این ماده ایجاب می‌کند:

تبعیض علیه زنان، 30 VA. J. INT'L LAW 643-44 (۱۹۸۹-۱۹۹۰) با توجه به این که «شمارش و ارقام تصویب با تشخیص مشکل حاد استثنائات ماهوی تعدیل شده است.».

^{۲۵۴} کنوانسیون CEDAW، یادداشت فوق ۳، ماده ۲.

^{۲۵۵} در گزارش ماه جولای ۲۰۱۹ گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی که توسط نویسنده نوشته شده و به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شده است، به شرح زیر است: مشارکت کامل زنان در فضاهای عمومی به آن‌ها اجازه می‌دهد تا شهروندی برابر را به وضوح نشان دهند. در مجموع ماده‌های ۷، ۱۳ و ۱۴ کنوانسیون CEDAW، برابری را در زندگی عمومی و فرهنگی تضمین می‌کند و تأکید می‌کند که زنان از حقوق برابر برای دسترسی و بهره‌مندی از فضاهای عمومی برخوردارند... قواعد عملی و قانونی که زنان را به کلی از برخی فضاهای عمومی محروم می‌کنند... با معیارهای حقوق بشر بین‌المللی ناسازگار است و باید لغو شوند. کریمه بنون (گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی)، نماینده گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی، ¶38-40, U.N. Doc. A/74/255 (۳۰ جولای، ۲۰۱۹) هنگام ارائه این گزارش، هیچ‌یک از اعضای مجمع عمومی سازمان ملل این اظهارات را مورد تردید قرار ندادند.

^{۲۵۶} کنوانسیون CEDAW، یادداشت فوق ۳، ماده ۱۳.

کشورهای عضو تمامی اقدامات مقتضی را انجام دهند: (a) برای اصلاح الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان، به منظور دستیابی به ازبین بردن تعصبات و مسائل عرفی و سایر رویه‌های مبتنی بر ایده حقارت یا برتری هر یک از دو جنس یا در مورد نقش‌های کلیشه‌ای برای مردان و زنان...^{۲۵۷}

زنان مدافع حقوق بشر در سراسر جهان این قاعده دگرگون‌کننده را ضروری می‌دانند.^{۲۵۸} این نشان می‌دهد همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد، به دور از فرهنگ نادیده‌انگاری حقوق زنان در حقوق بین‌الملل، این برابری زنان است که فرهنگ‌های حقوق بشر در آینده را شکل می‌دهد.^{۲۵۹} تفسیر معتبر کنوانسیون CEDAW تأکید می‌کند، کمیته CEDAW، نهاد نظارت بر اجرای معاهده کنوانسیون CEDAW، «بر تعهد دولت‌های عضو برای رسیدگی به موانع فرهنگی برابری به جای اتکا به فرهنگ به عنوان بهانه‌ای برای عدم پیشرفت تأکید کرده است.»^{۲۶۰} حتی فرهنگ (از آنجایی که کنوانسیون CEDAW هیچ اشاره خاصی به آن نکرده است، شامل دین نیز می‌شود).^{۲۶۱} نمی‌تواند «اعتقاد» حقوق بین‌الملل به تساوی زنان را نادیده بگیرد.

با در هم تنیدن این رشته‌ها، پارچه برابری زنان در حقوق بین‌الملل که وضعیت زنان در افغانستان را تحت پوشش قرار می‌دهد، از نظر تمام معیارها محکم بوده و هیچ خللی را نمی‌پذیرد. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR)، نهاد نظارت بر معاهدات سازمان ملل که بر اجرای ICESCR نظارت می‌کند، بدون شک زمانی که در نظریات عمومی شماره ۱۶ خود اظهار داشت که «حقوق برابر مردان و زنان در برخورداری از تمامی حقوق بشر یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل شناخته شده و در اسناد اصلی بین‌المللی حقوق بشر درج شده است.»^{۲۶۲}

^{۲۵۷} همان، ماده ۵ بند (a). در سال‌های اولیه موجودیت کنوانسیون، تئودور مرون این ماده را نقد کرد و استدلال کرد که می‌تواند به نقض حریم خصوصی و آزادی مذهب یا عقیده منجر شود. تئودور مرون، *قانون‌گذاری حقوق بشر در ملل متحد: نقد/بزار و فرایند ۶۶-۶۷* (۱۹۸۶). در عصری که جامعه بین‌الملل پذیرفته است که باورها و فرهنگ دینی توجیهی برای تبعیض و نقض حقوق نیست، این دیدگاه منسوخ است. با این حال مرتبط می‌ماند با این که چطور هزینه‌های احتمالی برنامه متغیر قانون حقوق بشر کاهش یابد. دونا جی. سالیوان، *برابری جنسیتی و آزادی مذهبی: به سوی چهارچوبی برای حل تعارض*، 24 N.Y.U. J. INT'L L. & POL. 795, 805 (۱۹۹۲) (از این پس سالیوان، *برابری جنسیتی و آزادی مذهبی*).

^{۲۵۸} یک مثال، انجمن دموکراتیک زنان سراسر هند هنگام مداخله در پرونده اخیر انجمن وکلای جوان هند علیه ایالت کرالا، به این موضوع اشاره کرد. 38 ¶ 11, 11 SCC 11 (هند).

^{۲۵۹} به یادداشت‌های زیر ۳۱۳-۳۱۸ و متن مربوطه مراجعه کنید.

^{۲۶۰} کنوانسیون سازمان ملل در مورد رفع هر گونه تبعیض علیه زنان: یک تفسیر، یادداشت فوق ۲۵۲، ص ۳۱.

^{۲۶۱} نازیل غانیا NAZILA GHANEA، زنان و آزادی مذهبی: تشریک مساعی و فرصت‌ها ۲-۱ (۲۰۱۷).

^{۲۶۲} نظریات عمومی شماره ۱۶، یادداشت فوق ۸۵، ۱۹.

ب. سلسله‌مراتبی از تبعیضات؟

همانند چهارچوب تبعیض جنسی، ابزارهای بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله منشور ملل متحد و تمام منشور بین‌المللی حقوق بشر، همه آن‌ها تبعیض نژادی را با عبارات صریح و غیرقابل انکار منع می‌کنند.^{۲۶۳} مشابه کنوانسیون CEDAW، یک معاهده کامل، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی (ICERD) به منظور ایجاد جامعه‌ای بین‌المللی عاری از هر گونه تفکیک و تبعیض نژادی تهیه شد.^{۲۶۴} به‌طور مشخص، ICERD در ماده ۳ خود تصریح می‌کند که «دولت‌های عضو مشخصاً تفکیک نژادی و آپارتاید را محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که هرگونه اعمالی از این نوع را در سرزمین‌های تحت قلمروی خود جلوگیری، ممنوع و ریشه‌کن کنند».^{۲۶۵} ICERD در سال ۱۹۶۶ تصویب شد و در سال ۱۹۶۹، یک دهه کامل قبل از کنوانسیون CEDAW که در سال ۱۹۷۹ تصویب شد، لازم‌الاجرا گردید و در سال ۱۹۸۱ به اجرا درآمد.^{۲۶۶} معیارهای نژاد در اولویت قرار گرفتند، احتمالاً به این دلیل که آن‌ها را در سطح بین‌المللی (حداقل بین‌گروهی) مشکل‌ساز می‌دانستند، در حالی که جنسیت به عنوان یک موضوع داخلی، بومی و درون‌گروهی دیده می‌شد. با وجود این، هر کنوانسیون شامل ممنوعیت گسترده‌ای در شکل مربوطه تبعیض است که مفهوم را تقریباً به همان عبارات تعریف می‌کند. در واقع، زمانی که کنوانسیون CEDAW تدوین شد، تعریف تبعیض و ساختار سند از ICERD به عاریت گرفته شد.^{۲۶۷}

برخی از تفاوت‌های مهم در چهارچوب معاهدات وجود دارد، به عنوان مثال، در نحوه رسیدگی به شرایط^{۲۶۸} و شرایط فراوانی که برای کنوانسیون CEDAW در نظر گرفته شده است. با این حال، پروتکل

^{۲۶۳} اعلامیه جهانی حقوق بشر، یادداشت فوقی ۳، ماده ۲؛ ICCPR، یادداشت فوقی ۳، ماده ۲ بند (۱)، ماده ۴ بند (۱)،
ICESCR؛ یادداشت فوقی ۳۱، ماده ۲ بند (۲).

^{۲۶۴} کنوانسیون ICERD، یادداشت فوقی ۹۱.

^{۲۶۵} همان، ماده ۳.

^{۲۶۶} سین دی. مورفی SEAN D. MURPHY، قوانین حقوق بین‌الملل ۴۱۱ و ۴۱۳ (چاپ ۳، ۲۰۱۸).

^{۲۶۷} وید پی. ناندا و داوون ام. مک نایت Ved P. Nanda & Dawn M. McKnight، کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی، در حقوق زنان و حقوق بشر بین‌المللی ۲، ۲۸۵ (کلی دی. آسکین و دورین ام. کونینگ، ۲۰۰۰)؛ لورا ای. دونر، تعصب جنسیتی در تهیه پیش‌نویس کنوانسیون‌های تبعیض بین‌المللی: کنوانسیون ۱۹۷۹ در مقایسه با کنوانسیون نژادی ۱۹۴۵، CAL. W. INT'L L. J. 241, 248 24 (۱۹۹۴).

^{۲۶۸} مقایسه ICERD، یادداشت فوقی ۹۱، ماده ۲۰ بند (۲) همراه با CEDAW، یادداشت فوقی ۳، ماده ۲۸ بند (۲).

اختیاری کنوانسیون CEDAW، عدم تعادل در ابزارهای اجرایی اختصاص داده شده به هر سند را، با ایجاد مکانیزمی برای شکایات و استعلام اصلاح کرده است.^{۲۶۹}

با وجود این، مایر استدلال می کند که کنوانسیون CEDAW تبعیض جنسیتی را آن اندازه محکوم نمی کند که ICERD تبعیض نژادی را محکوم می کند و تبعیض علیه زنان را به عنوان مسأله ای سیاسی که به سطح ستم و سلطه بر زنان می رسد، قرار نمی دهد.^{۲۷۰} این مسأله از دیدگاه او «دری را به روی تصاویر مختلفی از موقعیت زنان باز می کند که تلاش می کنند رفتار با زنان را به عنوان محصول فرهنگ به جای سیاست به تصویر بکشند.»^{۲۷۱} با این حال، هیچ دلیلی وجود ندارد که این نقایص قرن بیستم را نتوان با تفسیری آرمانی که شایسته قرن بیست و یکم است و تعهدات معاصر را در مورد برابری جنسی منعکس می کند، درمان کرد.^{۲۷۲} چنین رویکردهایی همچنین می تواند از موقعیت برابر تبعیض نژادی و جنسیتی در منشور ملل متحد و در واقع تأکید بیش تر بر برابری جنسیتی در منشور بین المللی حقوق بشر ناشی شود.

متأسفانه، در حالی که تبعیض نژادی به درستی یک قاعده آمره تلقی می شود، برخی همچنان پرونده تبعیض جنسیتی را در این دسته به عنوان یک مباحثه تصویب قانون (قانون همان طور که باید باشد) درک می کنند.^{۲۷۳} در سال ۲۰۱۹، کمیسیون حقوق بین الملل (ILC) (نهادی که تعداد کمی از زنان را شامل می شود) از افزودن قواعد آمره جدید به لیست موجود خود که شامل تبعیض نژادی سیستماتیک و نه جنسیتی است، خودداری کرد.^{۲۷۴} با این حال، رویه قضایی محکمه حقوق بشر داخلی

^{۲۶۹} پروتکل اختیاری کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، مصوبه ۶ اکتبر ۱۹۹۹، 2131 U.N.T.S. 83 (از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم الاجرا شد).

^{۲۷۰} مایر، یادداشت فوق ۱۰۳، ص ۲۴۵-۲۴۸.

^{۲۷۱} همان، ص ۲۴۵.

^{۲۷۲} به یادداشت های ۳۴۸-۳۵۱ و متن همراه مراجعه کنید.

^{۲۷۳} چارلز ورث و چینکین Charlesworth & Chinkin، یادداشت فوق ۳۱.

^{۲۷۴} گزارش کمیسیون حقوق بین الملل از کار جلسه هفتاد و یکم، U.N. Doc. A/74/10 (2019) at 146-147.

این رویکرد به شدت توسط پاتریشیا سلرز، مشاور ویژه سابق بخش جنسیت دادستان [خارزوال] سابق محکمه جزایی بین المللی که به رویکرد متفاوت محکمه جزایی بین المللی در پرونده *Ntaganda* استناد کرد، مورد انتقاد قرار گرفت. سلرز، بر روشی که رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل باعث تداوم تعصب جنسیتی غیرقابل قبول در حقوق بین الملل شد، تأکید کرد. پاتریشیا سلرز، *قاعده آمره*: Redux, 116 AJIL UNBOUND 281 (۲۰۲۲) «اساساً هیچ یک از مفاهیم حقوقی قاعده آمره، نه هنجاری و نه اثبات گرای، به طور ماهوی در موضوع جنسیت یا ارزش های دیگر که برای زنان در اولویت قرار دارد، وارد نگردیده اند. به صورت پیش فرض، ظاهراً رویکردی مردانه به قواعد آمره همچنان ادامه دارد، رهایی از تبعیض جنسیتی سلسله مراتب جنسیتی را که هنوز در قواعد آمره وجود دارد، مختل کرده و از بین می برد.»

آمریکا اصول برابری و عدم تبعیض را عموماً به عنوان قواعد آمره تلقی کرده است.^{۲۷۵} و بیان می‌کند که «اصل اولویت برابری پیش از قانون... و عدم تبعیض متعلق به قاعده آمره است، زیرا کل ساختار حقوقی نظم عمومی ملی و بین‌المللی بر آن استوار است و این یک اصل اساسی است که در همه قوانین نفوذ می‌کند.»^{۲۷۶} همان‌طور که مری هانسل در انتقاد خود از روش‌شناسی کمیسیون حقوق بین‌الملل خاطرنشان کرد، رویکرد این نهاد، شواهد مثبت، از جمله معیارهای حقوق بشر برابری جنسیتی که در بالا بررسی شد و همچنین رویه قضایی بین‌المللی در چند دهه گذشته را، نادیده می‌گیرد. این مسأله در «به حاشیه راندن جنسیت و بی‌ارزش کردن علایق و تجربیات زنان [و] دختران...» کمک می‌کند.^{۲۷۷} از این رو، رویکرد آپارتاید جنسیتی نیز به عنوان اصلاحی برای چنین نقایص نهادی مورد نیاز است.

برخی از محققان استدلال کرده‌اند که در نتیجه طبقه‌بندی صریح تبعیض نژادی به عنوان یک قاعده آمره و تفاوت‌های موجود در معاهدات، حقوق بین‌الملل «سلسله مراتبی از انواع تبعیض» را ایجاد کرده است که در آن تبعیض نژادی بر سایر انواع اولویت دارد.^{۲۷۸} با این حال، چنین تفسیری با عبارات صریح منشور ملل متحد که دولت‌ها را ملزم می‌کند برای ترویج رعایت جهانی حقوق بشر، بدون تبعیض

^{۲۷۵} کمیسیون حقوق بین‌الملل، یادداشت فوق ۲۷۴، تبصره ۷۶۰.

^{۲۷۶} شرایط حقوقی و حقوق مهاجران غیرقانونی، نظریه مشورتی OC-18/03, Inter-Am. Ct. H.R. (ser. A) No. 18, ¶101 (۱۷ سپتامبر، ۲۰۰۳). در این رأی آمده است: امروزه هیچ عمل حقوقی مغایر با این اصل اساسی قابل قبول نیست و رفتار تبعیض‌آمیز با هر فردی به دلیل جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب یا عقیده، عقاید سیاسی یا غیر آن، ملی، قومی، ریشه اجتماعی، ملیت، سن، وضعیت اقتصادی، دارایی، وضعیت مدنی، تولد یا هر وضعیت دیگری غیرقابل قبول است. این اصل (برابری و عدم تبعیض) بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی را تشکیل می‌دهد. در مرحله موجود توسعه حقوق بین‌الملل، اصل اساسی برابری و عدم تبعیض وارد قلمرو قاعده آمره نیز شده است. همان‌طور که برخی کشورها نیز این رویکرد را تأیید کرده‌اند. به عنوان مثال، واحد برابری جنسیتی محکمه عالی ملی مکزیک، تصمیم‌گیری قضایی با دیدگاه جنسیتی: پروتکل ۲۶ (۲۰۱۳) [https://www.unodc.org/res/ji/import/guide/judicial decision making_gender_protocol.pdf](https://www.unodc.org/res/ji/import/guide/judicial%20decision%20making_gender_protocol.pdf) [https://perma.cc/N2XV-EL2H] (تأیید این که حق برابری یک قاعده اجباری است)؛ همچنین مراجعه کنید به پاتریشیا پالاسیوس زولواگا، مسیر عدالت جنسیتی در محکمه حقوق بشر داخلی آمریکا، 17 TEX. J. WOMEN & L. 227 (۲۰۰۸)

^{۲۷۷} مری اچ. هانسل Mary H. Hansel، «جادو» یا دود و آینه؟ توهم جنسیتی قاعده آمره در قواعد اجباری حقوق بین‌الملل عمومی (قاعده آمره): تحقیقات و اختلافات ۴۷۱ و ۴۹۰ (دایر تلادی، ۲۰۲۱)

^{۲۷۸} آلیس ادواردز Alice Edwards، خشونت علیه زنان به عنوان تبعیض جنسی: قضاوت در مورد رویه قضایی نهادهای متعهد حقوق بشر سازمان ملل متحد، 14, 18 TEX. J. WOMEN & L. 1, 14 (۲۰۰۸). این استدلال برای به حداقل رساندن آسیب شدید و تداوم تبعیض نژادی است، از طرفی این یک موضوع را حل شده در حقوق بین‌الملل حقوق بشر دانسته و تبعیض نژادی و جنسیتی را معادل یک تجربه قلمداد نمی‌کند. در مورد خطرات (و تعهد) مقایسه سایر عوامل به حاشیه راندن نژاد به عنوان یک استراتژی حقوق بشر، مراجعه کنید به راسل رابینسون، پیوند برابری و پسانژ/دگرایی، 61 UCLA L. REV. 1010 (۲۰۱۴).

بر اساس جنسیت و همچنین نژاد اقدام کنند، در تضاد است.^{۲۷۹} اعلامیه بین‌المللی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی جدیدتر شامل عباراتی است که صراحتاً تبعیض نژادی و جنسیتی (و سایر انواع) را در یک موقعیت قرار می‌دهد.^{۲۸۰} یکی از شاخه‌های مهم علوم فمینیستی، رویکرد نسبیست هنجاری که تبعیض نژادی را فاحش‌تر از تبعیض جنسیتی می‌داند، را رد می‌کند و اساس این سلسله‌مراتب را زیر پرسش می‌برد.^{۲۸۱}

باید فهم عمیق از تداخل مبانی به حاشیه راندن،^{۲۸۲} نفی بن‌بست‌های درک ممنوعیت تبعیض نژادی و جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر و امتناع از قرارداد آن‌ها در برابر یکدیگر، توصیه گردد. همان‌طور که زنان پژوهشگر آفریقای جنوبی اشاره کرده‌اند، آپارتاید نژادی هم شامل بخش مهمی از تبعیض جنسی یا «فرعیت جنسی نژادی»^{۲۸۳} بود که زنان غیر سفیدپوست را با لایه‌های متعدد زیان‌بار مواجه می‌کرد.^{۲۸۴} اعمال طالبان در مقابل اقلیت‌های قومی-مذهبی افغان بسیار تبعیض‌آمیز است و این مسأله زنان اقلیت‌ها، مانند آن‌هایی که شیعه هزاره هستند را در معرض خطر خاص قرار می‌دهد.^{۲۸۵} به جای از منظر «المپیک ظلم»^{۲۸۶} درک شود، انواع متعدد تبعیض را می‌توان به‌طور مفیدتر به عنوان

^{۲۷۹} مواد منشور سازمان ملل متحد، ۵۵ و ۵۶.

^{۲۸۰} به عنوان مثال، در معاهده عملکرد اتحادیه اروپا (TFEU)، ماده ۱۹ چنین می‌گوید که کمیسیون اروپا ممکن است برای مبارزه با «تبعیض بر اساس جنسیت، منشأ نژادی یا قومی، مذهب یا اعتقاد، معلولیت، سن یا گرایش جنسی اقدام کند». نسخه تلفیقی از معاهده عملکرد اتحادیه اروپا، art. 19, December 13, 2007, 2016 O.J. (C 202) 47.

^{۲۸۱} الیزابت هولزلیتسر Elisabeth Holzleithner، جریان اصلی برای: دلایل پیچیده تبعیض، ۱۴، TRANSNAT'L L. AND CONTEMP. PROBS. ۹۴۳ و ۹۲۷ (۲۰۰۵).

^{۲۸۲} کیمبرل کرینشاو Kimberle Crenshaw، ترسیم حواشی: روابط متقابل، سیاست هویت و خشونت علیه زنان رنگین‌پوست، 43 STAN. L. REV. 1241 (۱۹۹۱). دیدگاه‌های مشابهی اکنون توسط نهادهای حقوق بشر سازمان ملل متحد اتخاذ شده است. به عنوان مثال، به کمیته سازمان ملل متحد برای رفع تبعیض نژادی، توصیه‌نامه عمومی شماره ۲۵: ابعاد تبعیض نژادی مرتبط با جنسیت، 3, U.N. Doc. A/55/18, annex V (۲۰۰۰) (با اذعان به این که برخی از انواع تبعیض نژادی تأثیر منحصربه‌فرد و خاصی بر زنان دارند، کمیته در کار خود تلاش خواهد کرد تا عوامل یا مسائل جنسیتی را در نظر بگیرد که ممکن است با تبعیض نژادی مرتبط باشد).

^{۲۸۳} پنه‌لوپه ای. اندروز Penelope E. Andrews، از آپارتاید جنسیتی تا عدم تبعیض جنسی: پیگیری حقوق زنان در آفریقای جنوبی، 26 N.C. J. INT'L L. & COM. REG. 693, 698 (۲۰۰۶): همچنین مراجعه کنید به شیرین حسیم، استعمارزدایی از برابری: ریشه‌ی رادیکال بند برابری جنسیتی در قانون اساسی آفریقای جنوبی، 34 S. AFR. J. ON HUM. RTS. 342 (۲۰۱۸). (جزئیات تلاش‌های مختلف زنان مدافع حقوق بشر آفریقای جنوبی برای طرح سؤالاتی در مورد محرومیت‌های نژادی و جنسیتی در دوران آپارتاید).

^{۲۸۴} پنه‌لوپه ای. اندروز، یادداشت فوق ۳۱، ص ۱۰۰-۱۰۲.

^{۲۸۵} مصاحبه تلفنی با یلدا رویان، یادداشت فوق ۱۶۴ («زنان هزاره باید دو برابر رنج بکشند»).

^{۲۸۶} گزارش شده است که این اصطلاح برای اولین بار در آنجلا وای. دویس و الیزابت مارتینز، ائتلاف بین رنگین‌پوستان، مورد استفاده قرار گرفته است. (۱۲ می، ۱۹۹۳)، UC SANTA CRUZ CTR. CULTURAL STUDIES <https://culturalstudies.ucsc.edu/inscriptions/volume-7/angela-y-davis-elizabeth->

به هم پیوسته در حقوق بین الملل حقوق بشر توصیف کرد^{۲۸۷} که هر شاخه از قواعد عدم تبعیض از رویکردی دقیق و جامع برای اجرای سایرین بهره می برد. هیچ قرائت معتبری از حقوق بین الملل در قرن بیست و یکم نمی تواند منعکس کننده سلسله مراتبی در میان دلایل مختلف غیرمجاز برای تبعیض باشد. معیارهای تبعیض به خودی خود نمی توانند تبعیض قائل شوند. هر گونه تمایز در رویکرد به این موضوعات تا حد قابل توجهی بازتاب اراده سیاسی در سطح بین المللی بوده است.

شاید به این دلیل که تبعیض جنسیتی مانند آنچه توسط طالبان اعمال می شود اغلب به اشتباه به عنوان «فرهنگی» نامیده شده است، در حالی که تبعیض نژادی به درستی به عنوان پروژه ای سیاسی استنباط می شود. در نظام بین الملل تأمل کمتری در مورد پیامدهای حقوق بشری تبعیض سیستماتیک علیه زنان وجود دارد.^{۲۸۸} این چهارچوب نادرستی است که پیامدهای سیاسی تابع بودن زنان و تعهد سیاسی برخی از دولت ها و حاکمان بالفعل به تبعیض علیه زنان را نادیده می گیرد. این دیدگاهی است که به طور فزاینده ای کنار گذاشته می شود. همان طور که آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد در روز جهانی زن در سال ۲۰۱۹ اشاره کرد، «برابری جنسیتی اساساً مسأله ای مربوط به قدرت است.»^{۲۸۹} جنایات سیستماتیک علیه زنان بهتر است سیاسی و ساختاری توصیف شوند تا صرفاً فرهنگی. حقوق بین الملل باید عبارات و مفاهیم مناسبی را برای تشخیص این مسأله ارائه دهد.

(martinez/ [https://perma.cc/D9H5-7LPN])، «ایده کلی این است که هیچ رقابت سلسله مراتبی نباید پیروز شود.»

^{۲۸۷} کمیسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل متحد، نظریات عمومی شماره ۳ در مورد زنان و دختران دارای معلولیت، 10, 13 and 16, U.N. Doc CRPD/C/GC/3 (۲ سپتامبر، ۲۰۱۶).

^{۲۸۸} جدیدترین نمونه آن فراخوان دسامبر ۲۰۲۱ عمران خان، نخست وزیر وقت پاکستان، یکی از حامیان طالبان، از جامعه بین المللی خواست که نسبت به «سنت های فرهنگی» افغانستان، از جمله در بحث در مورد دختران، حساس باشد، آموزش و پرورش در اجلاس سران سازمان همکاری اسلامی، افغانستان اینترنشنال (@AFIntlBrk)، توئیتر (۱۹ دسامبر، ۲۰۲۱، ۴:۱۶ قبل از ظهر) (https://twitter.com/AFIntlBrk/status/1472541273139597314?s=20) این اظهارات به طور گسترده توسط مدافعان حقوق بشر افغانستان در شبکه های اجتماعی مورد تمسخر قرار گرفته است. به عنوان مثال، نیلوفر سخی (@NilofarSakhi) توئیتر (۱۹ دسامبر، ۲۰۲۱، ۷:۲۲ قبل از ظهر)،

(https://twitter.com/NilofarSakhi/status/1472588035225235458?s=20) ([https://perma.cc/VZ5A-FZR4])

^{۲۸۹} آنتونیو گوترش (@antonioguterres)، توئیتر (۲۷ فوریه، ۲۰۲۰، ۳:۴۳ بعد از ظهر)، (https://twitter.com/antonioguterres/status/1233175874138230789?s=20&t=iOZjd1)

ملل متحد، UN NEWS (۲۷ فوریه، ۲۰۲۰) (https://news.un.org/en/story/2020/02/1058271) FAXBqOpPRgr1O8Nw [https://perma.cc/CAY3-ECSC]؛ این قرن را قرن برابری زنان بسازید: رئیس سازمان ([https://perma.cc/YJU3-LTWH])

همانند آپارتاید آفریقای جنوبی و معیارهای برابری نژادی، نقض قواعد تبعیض جنسی توسط طالبان چنان فراگیر و آشکار است که مدارا با آن‌ها آسیبی به کل سیستم بین‌المللی حامی حقوق زنان است و این حقوق را در همه‌جا تضعیف می‌کند. طالبان در گذشته نشان داده‌اند که عمدتاً از انتقاد صرف باکی ندارند. این به آن معنا است که برای حمایت از حقوق در صحنه و همچنین برای حفظ یکپارچگی (به هر دو معنای کلمه) سیستم بین‌المللی که حقوق زنان را در همه‌جا تضمین می‌کند، به یک واکنش شدید بین‌المللی نیاز است.

«تصویب قانونی نابرابری نژادی «در همهٔ حوزه‌های زندگی» بود که آفریقای جنوبی را از سایر رژیم‌های سرکوبگر متمایز کرد.»^{۲۹۰} ماهیت آپارتاید، تبعیضات سیستماتیک تحت حمایت و محافظت شده توسط دولت است. غیرقانونی بودن آن ابتدا به دلایل نژادی در آفریقای جنوبی به رسمیت شناخته شد، اما این اصل می‌تواند و باید بر اساس دلایل دیگر ممنوعیت تبعیض، از جمله سیستماتیک کردن نابرابری جنسی در همهٔ حوزه‌ها، حفظ شود. علی‌رغم ادعاهای مخالف، هیچ استثنایی به نام فرهنگ از چنین ممنوعیت‌هایی وجود ندارد، موضوعی که اکنون کتاب به آن پرداخته است.

۱۷. عدم پذیرش توجیهات نسبی‌گرایی فرهنگی برای آپارتاید جنسیتی^{۲۹۱}

الف. آیا فرهنگ افغانستان تبعیض علیه زنان را توجیه می‌کند؟

مهناز افخمی در جریان کار دهه ۱۹۹۰ خود در مورد آپارتاید جنسیتی تأکید کرد: «اسلام‌گرایان از استدلال نسبیت فرهنگی که اکنون در غرب رایج است، برای انکار حقوق زنان به واسطهٔ معرفی رژیم‌های تفکیک جنسیتی، استفاده می‌کنند.»^{۲۹۲} وضعیت در افغانستان یقیناً این‌گونه است.^{۲۹۳} رهبران طالبان به این شایعات متوسل شده‌اند. در یکی از نمونه‌های اخیر، انس حقانی، یکی از اعضای گروه مذاکره‌کننده

^{۲۹۰} ولش و اسپنس WELSH & SPENCE، یادداشت فوق ۵۰، ص ۱۹۰.

^{۲۹۱} بخشی از گزارش کریمه بنون (گزارشگر ویژه در زمینهٔ حقوق فرهنگی)، گزارش در مورد جهانی بودن، تنوع فرهنگی و حقوق فرهنگی، U.N. Doc. A/73/227 (۲۵ جولای، ۲۰۱۸) (از این پس گزارش بنون)

^{۲۹۲} افخمی، یادداشت فوق ۹۸، ص ۱۸.

^{۲۹۳} دکتر سیمما سمر Dr. Sima Samar (وزیر سابق امور زنان در افغانستان)، نظریات در مورد حقوق بشر و امنیت زنان در افغانستان: گفتگو در مورد گام‌های بعدی، مشارکت آموزشی زنان (۸ دسامبر ۲۰۲۱)، <https://learningpartnership.org/resource/womens-human-rights-afghanistan-dialogue-> (next-steps [<https://perma.cc/8XNU-6QX3>])

طالبان در دوحه، در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی، تنوع فرهنگی را به عنوان توجیهی به کاربرد: «[اما] به عنوان هیولا به تصویر کشیده شده‌ایم... یک چیز باید روشن شود، افغانستان اروپا یا آمریکا نیست.»^{۲۹۴}

چنین ادعاهایی مبنی بر این که ویژگی‌های فرهنگی افغانستان تبعیض را توجیه می‌کند، به شدت محل مناقشه و مخالفت است. گزارشات در مورد مردان افغان، از جمله مناطق روستایی، در دفاع از حقوق زنان و دختران برای تحصیل - مانند اعتراضات موتورسیکلت^{۲۹۵} - قانع‌کننده است، اما به اندازه کافی زمان برای نشر دریافت نمی‌کند.^{۲۹۶} مدافعان حقوق زن در افغانستان که برای این تحقیق با آن‌ها مصاحبه شده است، تلاش‌های طالبان برای معرفی خودشان به عنوان مدافعان فرهنگ افغانستان را رد می‌کنند و با برخی خارجی‌ها در انتساب رویکرد این گروه به فرهنگ افغانستان مخالف بودند. پلوشه حسن، مدافع حقوق زنان، با قاطعیت اظهار داشت: «طالبان مدعی هستند کشوری را که از قبل اسلامی بوده و ۹۹ درصد آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، دوباره تغییر می‌دهند.»^{۲۹۷} وی همچنان تأکید کرد: «علی‌رغم درصد بالای مسلمانان، فرهنگ افغانستان متجاسس و یکدست نبوده است. ما تنوع فرهنگی زیادی داریم که باید به آن احترام گذاشت. فرهنگ افغانستان تنها توسط یک گروه از جنگجویان تعریف نمی‌شود.»^{۲۹۸} در واقع، او این پرسش را در تقابل با ذهنیت‌های نادرست و کلیشه‌ای بین‌المللی از افغان‌ها دید: «به نظر

^{۲۹۴} یلدا حکیم (@BBCYaldaHakim)، توییت (۵ دسامبر، ۲۰۲۱، ۱۱:۴۶ قبل از ظهر)، <https://twitter.com/BBCYaldaHakim/status/1467581188533633034?s=20>

[<https://perma.cc/EGW7-VBDU>]؛ همچنین مراجعه کنید به اظهارات «وزیر معارف» طالبان، عبدالباقی حقانی مبنی بر این که آموزش مختلط نه تنها اسلام را نقض می‌کند بلکه «با ارزش‌های ملی در تضاد است و با آداب و سنن افغان‌ها مخالف است». *افغانستان: طالبان قوانین جدیدی را برای آموزش زنان و دختران اعلام کرد*، DW (۱۲ سپتامبر، ۲۰۲۱)، <https://www.dw.com/en/afghanistan-taliban-announce-new-rules-for-women-and-girls-/education/a-59157395> [<https://perma.cc/R2X7-BKR9>]

^{۲۹۵} امید سبحانی، *کمپین موتورسیکلت برای بازگشایی ۱۰۰ مکتب در مناطق جنگ خیز افغانستان*، TRANSCON. TIMES (۲ می، ۲۰۲۱) (<https://www.transcontinentaltimes.com/a-motorcycle-campaign->) reopens-100-schools- in- afghanistans- war- prone- regions/ [<https://perma.cc/AL7Q-95L9>]

^{۲۹۶} به عنوان مثال، معاون سابق وزیر امور زنان داستان یک مرد پشتون افغان در روستاهای ولایت پکتیا را خاطرنشان کرد که دخترانش را هر روز سه ساعت پیاده به مکتب می‌برد. حسنا جلیل (@hosnajibil)، توییت (۱۹ دسامبر، ۲۰۲۱، ۱۱:۱۱ قبل از ظهر)، (https://twitter.com/hosnajibil/status/14726459044_40172544?s=20) [<https://perma.cc/C2HY-M6XB>]، در همین راستا، به کار مطیع الله ویسا، مردی که برای تحصیل دختران در جنوب افغانستان کمپین می‌کند، توجه کنید. مطیع الله ویسا (@matiullahwesa)، توییت (۱۹ دسامبر، ۲۰۲۱، ۲:۲۴ بعدازظهر)، (<https://twitter.com/matiullahwesa/status/1472694338270466051?s=20>) [<https://perma.cc/ZPT4-2WRR>]

^{۲۹۷} گفتگوی تلفنی با پلوشه حسن، یادداشت فوق ۱۶۷.

^{۲۹۸} همان.

می‌رسد تعریف یک افغان، یک مرد با اسلحه و یک زن با برقع باشد. اگر یک زن از جانب خود صحبت کند، گویا افغان نیست.^{۲۹۹}

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان افغان، مدعی حق برابر برای تفسیر دین و فرهنگ خود بودند و آشکارا ادعاهای مذهبی طالبان را مورد مناقشه قرار دادند. یک وکیل حقوق بشر گفت: «اسلام با افرادی که می‌گویند زنان نباید آموزش ببینند یا زنان را هدف قرار می‌دهند، مخالف است. ما همه مسلمانیم. این موضوع ناشی از تفاسیر [اشتباه از اسلام] است.»^{۳۰۰} یکی از فعالان آموزش دختران که با افتخار تعریف می‌کرد که به فرزندانش آموزش‌های دینی اسلامی در خانه می‌داد، درباره طالبان گفت: «نمی‌دانم از کدام اسلام صحبت می‌کنند.»^{۳۰۱}

زنی که اولین پناهگاه زنان در کابل را اداره می‌کرد، اصرار داشت که:

ما به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنیم؛ اما طوری که آن‌ها این بنیادگرایی را به ما تحمیل می‌کنند، این واقعیت افغانستان نیست، ما قبول داریم که آن‌ها بخشی از افغانستان هستند، اما آن‌ها تمام کشور نیستند. در هر کشوری می‌توانید تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی را مشاهده کنید.^{۳۰۲}

یکی از زنان جوان مدافع حقوق بشر بیان کرد که او مذهبی نیست و افراد دیگری را نیز در نسل خود با همین دیدگاه‌ها می‌شناسد که نمی‌توانند علناً این را بیان کنند. او از تلاش طالبان برای تحمیل یک تفسیر خودساخته از دین، بر کسانی که عقاید متفاوتی دارند - مذهبی یا غیرمذهبی - متنفر بود. این یک یادآوری مهم است که ماهیت عقاید همه افغان‌ها را نمی‌توان به طور کلی یکسان فرض کرد. آزادی مذهب یا عقیده - اکثریت مسلمان، بلکه اقلیت‌های مذهبی و افراد غیرمذهبی - برای افغان‌ها به همان اندازه ضروری است که برای دیگران است.

یک زن فعال حقوق بشر بحث فرهنگی را با پرسشی مهم در دفتر نمایندگی مطرح کرد: «چه کسی فرهنگ را می‌سازد؟ مردم یک جامعه فرهنگ را می‌سازند. فرهنگ افغانستان همیشه مردسالارانه بوده است، اما به زنان نیز احترام گذاشته شده است. من می‌دانم که از نظر فرهنگی موانع مختلفی وجود

^{۲۹۹} همان.

^{۳۰۰} مصاحبه تلفنی با حمیرا رسولی، وکیل حقوق بشر، پژوهشگر مهمان، دانشکده حقوق ویلیام و مری (۱۶ اکتبر، ۲۰۲۱).

^{۳۰۱} مصاحبه زوم با زرقا یفتلی، یادداشت فوق ۱۶۶.

^{۳۰۲} گفتگوی تلفنی با مریم اکرمی، یادداشت فوق ۱۷۲.

دارد، اما زنان اجازه کار داشتند.^{۳۰۳} برخی، سیاست‌های طالبان را کاملاً بیگانه می‌دانستند: «این فرهنگ افغانستان نیست. این فرهنگ طالبان است.»^{۳۰۴} با این حال، یکی از مصاحبه‌شوندگان، ترکیب پیچیده‌ای از فرهنگ، مذهب و سیاست‌های بنیادگرا را به عنوان منشأ سیاست‌های طالبان تشخیص داد. او خاطرنشان کرد که در برخی مناطق، برخی از مردم دختران خود را قبل از به دست گرفتن قدرت طالبان، از تحصیل بازمی‌داشتند و این را «مسائلی تا حدی فرهنگی و تا حدودی سیاسی» می‌خواندند.^{۳۰۵} او همچنین تأکید کرد که «بیش‌تر مردم مذهبی هستند، اما... آن‌ها می‌خواهند دخترانشان به مدرسه بروند. آن‌ها می‌خواهند اعضای زن خانواده، مستقل باشند و کار کنند و در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند. آن‌ها ایده‌های طالبان را نمی‌خواهند. آن‌ها می‌خواهند دخترانشان تحصیل کنند.»^{۳۰۶} علی‌رغم این واقعیت‌ها، تعدادی از مصاحبه‌شوندگان گزارش دادند که با پذیرش توجیهات فرهنگی برای سوءاستفاده‌های طالبان از سوی بازیگران بین‌المللی - از جمله با برخی حمایت‌ها [از طالبان] در وزارت خارجه ایالات متحده - مواجه شده‌اند که در مورد آن بسیار ابراز ناامیدی کردند.

ب. نسبی‌گرایی فرهنگی در مقابل حقوق فرهنگی

نسبی‌گرایی فرهنگی،^{۳۰۷} که حقوق را وابسته به فرهنگ می‌داند تا به جهانی و نظریه نزدیک به آن یعنی حساسیت فرهنگی،^{۳۰۸} اغلب هم توسط عاملان و هم مدافعان برای توجیه آپارتاید جنسیتی و تبعیض

^{۳۰۳} گفتگوی تلفنی با یلدا رویان، یادداشت فوق ۱۶۴.

^{۳۰۴} مصاحبه زوم با زرqa یفتلی، یادداشت فوق ۱۶۶.

^{۳۰۵} مصاحبه زوم با راضیه سعید، یادداشت فوق ۱۴۶.

^{۳۰۶} همان.

^{۳۰۷} نسبی‌گرایی فرهنگی همچنین ممکن است نشان دهد که حقوق فراقهرنگی نمی‌تواند وجود داشته باشد. جک

دانلی، نسبی‌گرایی فرهنگی و حقوق جهانی بشر، (1984) 6 HUM. RTS. Q. 400

^{۳۰۸} همچنین یک چالش مهم حقوق بشر ناشی از تبعیض علیه مسلمانان است که کار پرداختن به آپارتاید جنسیتی را در سطح بین‌المللی پیچیده می‌کند، در حالی که بدنام‌ترین (اما نه تنها) عاملان آن امروز بنیادگرایان مسلمان هستند. استفاده از یک چهارچوب چندجهته مهم در امتداد چندین محور به‌طور هم‌زمان و حساس به تبعیض جنسیتی و تبعیض بر اساس مذهب، ضروری است. تعداد بسیاری از حمایت‌کنندگان استفاده از چهارچوب آپارتاید جنسیتی، فمینیست ضدنژادپرستی هستند که اغلب از گروه‌های به حاشیه رانده شده‌اند. پراگنا پاتل، داستان یک پیروزی فمینیستی در برابر بنیادگرایان و تفکیک جنسیتی در مدارس بریتانیا، OPENDEMOCRACY (۱۱ ژانویه، ۲۰۱۸)

<https://www.opendemocracy.net/en/5050/feminist-victory-fundamentalists-gender-segregation-uk-schools/> [https://perma.cc/PP7N-93RY]

که گاهی حساسیت فرهنگی برای رسیدگی به آن به کار گرفته می‌شود، نمی‌تواند با کمرنگ کردن حقوق بشر نیمی از جمعیت مسلمان، یعنی زنان حل شود. متأسفانه حرکت برخی از نظریه‌پردازان مهم دقیقاً به همین اندازه بوده است. نقد این رویکرد را در فاتحه آگاک - بود جهلات، انحراف بزرگ: فمینیسم، مدارا، نژادپرستی، فرهنگ (۲۰۱۷) ببینید.

جنسی به کار گرفته می‌شوند. استدلال‌های مشابه به وضوح و به درستی در زمینه آپارتاید نژادی و تبعیض نژادی غیرقابل قبول شناخته شده‌اند.^{۳۰۹} با این حال، بسیاری از اعمال و قواعد تبعیض آمیز علیه زنان ظاهراً با ارجاع به فرهنگ، مذهب و سنت توجیه می‌شوند و کارشناسان به این نتیجه می‌رسند که «هیچ گروه اجتماعی بیش‌تر از زنان، از نقض حقوق بشر خود به نام فرهنگ رنج نبرده است» و این «غیرقابل تصور» است که تعدادی از چنین شیوه‌ها «توجیه خواهد شد اگر آن‌ها بر اساس طبقه‌بندی حفاظت شده دیگری مانند نژاد پیش‌بینی شوند».^{۳۱۰}

کمیته مشورتی سازمان ملل خاطرنشان کرد «کسانی بیش‌تر از وضعیت موجود سود می‌برند که بیش‌تر به سنت متوسل می‌شوند تا قدرت و امتیاز خود را حفظ کنند و همچنین به نمایندگی از سنت صحبت کنند، در عین حال آن‌هایی که بیش‌تر به حاشیه رفته‌اند... بیش‌ترین ضرر را از رویکرد ارزش‌های سنتی به حقوق بشر دارند».^{۳۱۱} بسیاری از سوءاستفاده‌هایی که امروزه کاملاً منفور تلقی می‌شوند، مانند برده‌داری و تبعیض نژادی سیستماتیک، با توسل به «ارزش‌های سنتی» توجیه می‌شوند.^{۳۱۲} امروزه چنین استدلال‌هایی صرفاً در سطح بین‌المللی در رابطه با مسائل جنسیتی شنیده می‌شوند.

^{۳۰۹} کورتنی هاولند (Courtney Howland) استدلال کرده است که محکمه بین‌المللی عدالت به‌طور ضمنی از ارائه توجیهات مذهبی برای آپارتاید نژادی - که در آپارتاید آفریقای جنوبی در جریان بود - در نظریات مشورتی نامبیا خودداری کرد. او می‌نویسد: آفریقایی‌ها بر این باور بودند که مردم برگزیده‌ای هستند که مأموریت الهی برای حکومت بر دیگران دارند و از این رو اعتقاد آن‌ها به برتری سفیدپوستان و سیاست تفکیک نژادی به وجود آمد. محکمه بین‌المللی عدالت به عنوان یک موضوع قانونی دریافت که قصد و انگیزه دولت در مورد تبعیض سیستماتیک آن بی‌ربط است... بر اساس منشور هیچ انگیزه یا قصدی، از هر منبعی که باشد، نمی‌تواند چنین تبعیض سیستماتیک را توجیه کند... مراجعه کنید به کورتنی هاولند، چالش بنیادگرایی مذهبی در برابر آزادی و حقوق برابر زنان: تحلیلی بر اساس منشور ملل متحد، COLUM. 35 J. TRANSNATL. L. 271 و ۳۴۷ (۱۹۹۷) (نقل قول‌ها حذف شده است).

^{۳۱۰} فریده شهید Farida Shaheed (گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی)، گزارش در مورد حقوق فرهنگی، ¶3، U.N. Doc. A/67/287 (۱۰ آگوست، ۲۰۱۲). چنین سوءاستفاده‌هایی از ادعاهای فرهنگی اغلب شامل «فرهنگ‌ها، سنت‌های خیالی [و] رسوم مذهبی آمیخته با سیاست» است. ماریز تادروس و عایشه خان، چالش‌های مقدماتی برای ترویج برابری زنان، ۳ مخالفت فمینیستی ۴.۱ (۲۰۱۸).

^{۳۱۱} کمیته مشورتی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مطالعه کمیته مشورتی شورای حقوق بشر در مورد ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از طریق درک بهتر ارزش‌های سنتی نوع بشر، ¶40. U.N. Doc. A/HRC/22/71 (۶ دسامبر، ۲۰۱۲).

^{۳۱۲} در مورد تلاش‌های برخی از دولت‌ها برای استفاده از «ارزش‌های سنتی» برای نادیده گرفتن حقوق بشر جهانی در سازمان ملل، مراجعه کنید به مگی مورفی، ارزش‌های سنتی در مقابل حقوق بشر در سازمان ملل، OPENDEMOCRACY (۱۳ فوریه، ۲۰۱۳) <https://www.opendemocracy.net/en/5050/traditional-values-vs-human-rights-at-un/> [https://perma.cc/84CW-CPMG]

مفیدترین رویکردها نشان می‌دهد که دستیابی به برابری زنان مسأله انتخاب بین فرهنگ و حقوق نیست بلکه تعامل هر دو به روشی یکپارچه است. حقوق فرهنگی و تنوع فرهنگی برای حقوق بشر زنان به اندازه حقوق دیگران مهم است. حقوق بین‌الملل و چهارچوب جهانی حقوق بشر نیز از این حقوق و تنوع‌ها حمایت می‌کنند.^{۳۱۳} با این حال، «حقوق فرهنگی توجیهی برای نقض حقوق بشر یا حمله به جهان‌شمولی نیست» و باید در چهارچوب گسترده‌تر حقوق بشر رعایت شود.^{۳۱۴} رأی محکمه قانون اساسی آفریقای جنوبی پس از آپارتاید در مورد قضیه *Bhe* [نام دختر] این نکته را با تأکید بر لزوم احترام و به رسمیت شناختن هنجارهای عرفی بومی که دارای ابعاد مثبت هستند، نشان می‌دهد؛ اما تأکید می‌کند که این هنجارها توسط تضمین‌های قانون اساسی، از جمله برابری زنان، محدود شده است.^{۳۱۵}

در زمینه حقوق فرهنگی، یک تغییر پارادایم از دیدگاه فرهنگ عمدتاً به عنوان مانعی در برابر حقوق زنان به دیدگاهی که به دنبال تضمین برخورداری برابر زنان از حقوق فرهنگی است، صورت گرفته است.^{۳۱۶} زنان از حقوق برابر برای دسترسی، همکاری و مشارکت در تمام جنبه‌های زندگی فرهنگی برخوردارند. حقوق آنها شامل حق شرکت و یا عدم آن در اقدامات فرهنگی و سهم برابر در انتخاب بر توقف و یا ادامه آن می‌شود، زیرا آنها دیگر با درک ما از کرامت انسانی مطابقت ندارند. این «حقوق دگرگون‌کننده» می‌توانند به تأمین سایر حقوق بشر کمک کنند.^{۳۱۷} این نکته در مورد زنان مدافع حقوق بشر افغانستان از بین نرفته است. به عنوان مثال، بسیاری از زنان افغان از تصاویری از لباس‌های سنتی افغانستانی متنوع و چندرنگ خود که هیچ شباهتی به برقع ندارد، برای حمایت از محدودیت‌های لباس طالبان در کمپین (#به لباس من دست نزنید)، استفاده کردند.^{۳۱۸}

نسبی‌گرایی فرهنگی در بسیاری از مناطق به اشکال مختلف مطرح می‌شود، اما به ویژه در بحث‌های مربوط به حقوق زنان در محیط‌های اکثریت مسلمان رایج است که اغلب به آنچه افخمی آن را

^{۳۱۳} اعلامیه جهانی حقوق بشر، یادداشت فوق ۳، ماده ۲۷؛ ICESCR، یادداشت فوق ۳۱، ماده ۱۵.

^{۳۱۴} به گزارش بنون مراجعه کنید، یادداشت فوق ۲۹۱، ص ۶.

^{۳۱۵} بیهی علیه خایلیشیا مگیستریٹ *Bhe v. Khayelitsha Magistrate* ۲۰۰۴، 50-51 (CC) 580 (S. Afr.) (1).

^{۳۱۶} شهید، یادداشت فوق ۳۱۰، ۵.

^{۳۱۷} همان.

^{۳۱۸} طوقا خالد *Tuqa Khalid*، اعتراض زنان افغان به الگوی لباس تعیین‌شده از طرف طالبان: به لباس من دست

نزنید، العربیه (۱۴) سپتامبر، (۲۰۲۱).

(<https://english.alarabiya.net/News/world/2021/09/14/Afghan-women-rebel-against-Taliban-strict-dress-code-Do-not-touch-my-clothes-> [https://perma.cc/9CQS-QQEE]).

«استثنائگرایی اسلامی» می‌نامد، تبدیل می‌شود.^{۳۱۹} همان‌طور که تحقیقات این مقاله نشان می‌دهد، چنین توجیهاتی برای دیگران خوشایندتر از بسیاری از خود زنان مسلمان تلقی می‌شود.^{۳۲۰} چنان‌که فاتحه آگاک بودجهلات می‌پرسد: «چرا برخی از زنان باید آنچه را دیگران برای خود و دخترانشان رد می‌کنند، بپذیرند؟»^{۳۲۱} استدلال‌های نسبیتی که چنین وضعیت درجه دوم را به برخی از زنان ارائه می‌دهد، با افزایش حملات به جهانی بودن حقوق بشر، از جمله از درون حوزه علمی حقوق بشر، تسهیل شده است.^{۳۲۲}

با این حال، حقوق بین‌الملل به‌طور کامل این‌گونه بهانه‌های فرهنگی را رد می‌کند و هر دو نفر از اولین دارندگان مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق فرهنگی، یکی پاکستانی و دیگری الجزایری تبار، آن‌ها را محکوم کرده‌اند.^{۳۲۳} این گزارشگران تنها نبودند. کمیته حقوق بشر در نظریات عمومی شماره ۲۸ خود تعیین کرد که: «ماده ۱۸ [تضمین آزادی مذهب یا عقیده] را نمی‌توان برای توجیه تبعیض علیه زنان مورد استناد قرار داد.»^{۳۲۴} گزارشگر ویژه سابق در مورد آزادی مذهب یا عقیده هاینر بلیفلد خاطرنشان کرده است که: «آزادی مذهب یا اعتقاد هرگز نمی‌تواند توجیهی برای نقض

^{۳۱۹} بنون، یادداشت فوق ۱۰۸، ص ۱۹۷.

^{۳۲۰} برای انتقادات شدید از رفتار بنیادگرایان با زنان. نوشته‌شده توسط محققین فمینیست و وکلای جامعه میراث اسلامی (از جمله برخی از مسلمانان عمل‌گرا)، مراجعه کنید به: جمیله بن حبیب، سربازان خدا در حال حمله به غرب (۲۰۱۱). امیل گرامی، ارتداد در اندیشه نوین اسلامی (۲۰۱۸)؛ الهام منیا، زنان و قانون شریعت (۲۰۱۶)؛ وسیلا تمزلی، یک زن خشمگین (۲۰۰۹).

^{۳۲۱} مراجعه کنید به فاتحه آگاک بودجهلات (Fatima Agag-Boudjahlat)، یادداشت فوق ۳۰۸، در ۸۶ (ترجمه مؤلف).

^{۳۲۲} مراجعه کنید به کریمه بنون، در دفاع از حقوق بشر، 52 VAND. J. TRANSNAT'L L. 1209, 1231 (2019)، با این استدلال که «حامیان حقوق بشر و کارشناسان باید تلاش خود را برای دفاع از جهانی بودن حقوق بشر چندین برابر افزایش دهند.»

^{۳۲۳} شهید، یادداشت فوق ۳۱۰، ¶ ۵۶ («لازم به یادآوری است که معیارهای بین‌المللی حقوق بشر پاسخ منفی واضحی به این سؤال ارائه می‌دهد که آیا محدودیت‌های حقوق فرهنگی زنان ... ممکن است به‌طور مشروع تحت قوانین بین‌المللی برای حفظ تنوع فرهنگی اعمال شود.»)، مراجعه کنید به: همان، ¶ ۶۰، ۷۵؛ کریمه بنون (گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی)، گزارش گزارشگر ویژه در زمینه حقوق فرهنگی، 27, U.N. Doc. A/HRC/31/59 ¶ ۳ (فوریه، ۲۰۱۶) («[حقوق فرهنگی] مساوی با نسبیت فرهنگی نیست. آن‌ها بهانه‌ای برای نقض سایر حقوق نیستند... آن‌ها کاملاً در چهارچوب جهانی حقوق بشر گنجانده شده‌اند.»)

^{۳۲۴} نظریات عمومی شماره ۲۸، یادداشت فوق ۲۴۶، ¶ ۲۱.

حقوق بشر زنان و دختران باشد.^{۳۲۵} جانشین او، احمد شهید (یک مسلمان اهل مالدیو) نیز از همین رویکرد پیروی نمود.^{۳۲۶}

آزادی مذهب یا عقیده، مانند برابری جنسیتی، یکی از حقوق اساسی بشر است که توسط قوانین بین‌المللی تضمین شده است. بر اساس اسناد حقوقی بین‌المللی، مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، برای هر فرد حق داشتن عقاید مذهبی و پیروی از دینی که انتخاب می‌کنند تضمین شده است.^{۳۲۷} با این حال، قوانین بین‌المللی به دولت‌ها این اجازه را می‌دهد تا بر اجرای اعمال مذهبی محدودیت‌هایی را وضع کنند که «برای محافظت از... حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران لازم است.»^{۳۲۸} از این رو، «در صورتی که برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان لازم باشد، ممکن است محدودیت‌هایی بر قوانین و رفتار دینی اعمال شود.»^{۳۲۹}

به همین ترتیب، کمیته CEDAW، هنگام مواجهه با باورها و رفتار فرهنگی مضر، همیشه به دولت‌های عضو ماده ۵ [کنوانسیون CEDAW] را یادآوری می‌کند، اغلب در ترکیب با ماده ۲ بند (f) استدلال می‌کند: «نمی‌توان اجازه داد که ویژگی‌های فرهنگی، اصل جهان‌شمول حقوق بشر را که تغییرناپذیر و بی‌چون و چراست، تحت الشعاع قرار دهد و همچنین مانع از اتخاذ تدابیر مناسب به نفع زنان شوند.»^{۳۳۰}

کمیته CEDAW همچنان نوشته است:

مهم‌ترین عوامل بازدارنده توانایی زنان برای مشارکت در زندگی عمومی، چهارچوب فرهنگی ارزش‌ها و باورهای دینی است... در همه کشورهای، سنت‌های فرهنگی و اعتقادات

^{۳۲۵} هاینر بلیلفلد Heiner Bielefeldt (گزارشگر ویژه در مورد آزادی مذهب یا عقیده)، محو هر گونه تعصب مذهبی، 30, U.N. Doc. A/68/290 ¶ (۷ آگوست، ۲۰۱۳)

^{۳۲۶} احمد شهید (گزارشگر ویژه آزادی مذهب یا عقیده)، خشونت و تبعیض مبتنی بر جنسیت به نام دین یا عقیده، 68, U.N. Doc. A/HRC/43/48 (۲۴ آگوست، ۲۰۲۰) («گزارشگر ویژه... تأکید می‌کند که حق جهانی برابری، فاقد صلاحیتی است که بتواند حق ابراز مذهب و عقیده را حمایت کند، به گونه‌ای که در صورت لزوم برای حمایت از حقوق دیگران قادر به اعمال محدودیت باشد.»)

^{۳۲۷} مراجعه کنید به: سالیوان Sullivan، برابری جنسیتی و آزادی مذهب، یادداشت فوق ۲۵۷، ص ۸۰۵؛ انت اسکولنیکف، حق آزادی مذهب در حقوق بین‌الملل: میان حقوق جمعی و حقوق فردی، ۱۲۶-۲۹ (۲۰۱۱).

^{۳۲۸} میثاق ICCPR، یادداشت فوق ۳، ماده ۱۸(۳).

^{۳۲۹} سالیوان، برابری جنسیتی و آزادی مذهب، یادداشت فوق ۲۵۷، ص ۸۱۰.

^{۳۳۰} ریکی هولتماات Rikki Holtmaat، ماده ۵، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد رفع هر گونه تبعیض علیه زنان: یک تفسیر، یادداشت فوق ۲۵۲، در ۱۴۱، ۱۵۹ (به نقل از کمیسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان، نظریات نهایی کمیته مراکش، 64, U.N. Doc. A/52/38/Rev.1 ¶ (۱۳-۳۱ ژانویه، ۱۹۹۷))

مذهبی در محدود کردن زنان به حوزه‌های خصوصی فعالیت و محروم کردن آن‌ها از مشارکت فعال در زندگی عمومی نقش داشته است.^{۳۳۱}

اعمال مذهبی (و آنچه به عنوان عملکرد مذهبی ادعا می‌گردد) که مانع از توانایی زنان برای مشارکت کامل در زندگی عمومی می‌شود، مانعی است که باید بر آن غلبه کرد، نه چیزی که آن را برای حمایت از آزادی مذهب، تحمل کرد. مجمع عمومی سازمان ملل متحد این رویکرد را در اعلامیه سال ۱۹۹۳ خود در مورد رفع خشونت علیه زنان تأیید کرده است: «دولت‌ها باید خشونت علیه زنان را محکوم کنند و برای اجتناب از تعهدات خود در رابطه با محو آن، نباید به هیچ عرف، سنت یا ملاحظات مذهبی استناد کنند.»^{۳۳۲} برابری و حقوق بشر جهانی تحت تأثیر فرهنگ یا آنچه به عنوان فرهنگ ادعا می‌شود، نیست.

علاوه بر آن، برخی از محققان این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا نوع سیاست‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی مورد بحث در طالبان افغانستان منشأ واقعاً مذهبی دارند یا خیر؟^{۳۳۳} اغلب، آن‌ها در سیاست‌های بنیادگرا قرار دارند تا این که در حمایت از آزادی مذهبی شهروندان باشد. به هر حال، زنان و مردان در بسیاری از فضاها اکثریت مسلمان، نسبتاً آزادانه با هم ترکیب می‌شوند.^{۳۳۴} در شرایط حاکمیت طالبان، این مسأله شکل خشنی از سیاست فرهنگی اسلام‌گرایان است، نه فرهنگ مسلمان فی‌نفسه.^{۳۳۵} کوفی عنان؛ دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ استدلال کرد که: «سیاسی‌شدن فرهنگ در قالب (بنیادگرایی‌های دینی) در انواع مختلف... زمینه‌های مذهبی، به چالشی جدی در زمینه تلاش‌ها برای تأمین حقوق بشر زنان تبدیل شده است.»^{۳۳۶} این امر همچنان صادق است.

مبادا طرفداران آکادمیک نسبی‌گرایی فرهنگی یا دولت‌هایی که به طور تصادفی مدافع آنند، فکر کنند که موفق شده‌اند قوانین بین‌المللی حقوق بشر را از مقررات شفاف استانداردهای قدیمی‌تر جهانی

^{۳۳۱} کمیته محو خشونت علیه زنان، توصیه‌نامه عمومی، No. 23, ¶ 10, U.N. Doc. A/52/38/Rev.1 (1997)

^{۳۳۲} قطعنامه مجمع عمومی، ۱۰۴/۴۸، اعلامیه محو خشونت علیه زنان، U.N. Doc A/RES/48/104، ماده ۴ (۲۰۰۴) دسامبر، ۱۹۹۳.

^{۳۳۳} مریام هلی-لوکاس Marieme Hélie-Lucas، «قبیله شما چیست؟: مبارزات زنان و ساختار مسلمانی، زنانی که تحت قوانین مسلمانان زندگی می‌کنند، پرونده ۲۴/۲۳ (هارش کاپور، ویرایش، ۲۰۰۱).

^{۳۳۴} آن الیزابت مایر Ann Elizabeth Mayer، «ملاحظات مذهبی به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان: آن‌ها واقعاً به چه معنا هستند؟» در بنیادگرایی دینی و حقوق بشر زنان، یادداشت فوق ۹۸، ص ۱۰۵.
^{۳۳۵} همان.

^{۳۳۶} دبیرکل سازمان ملل متحد، مطالعه عمیق در مورد هرگونه خشونت علیه زنان، ¶81, U.N. Doc. A/61/122/Add.1 (۶ جولای، ۲۰۰۶)

بودن حقوق بشر مندرج در منشور بین‌المللی آن، دور کنند. یادآوری این نکته حیاتی است که همهٔ معاهدات حقوق بشر اخیراً تدوین شده به‌طور خاص جهانی بودن را مجدداً تأیید می‌کنند.^{۳۳۷} دارندگان صلاحیت طرزالعمل‌های خاص، نهادهای نظارت بر معاهدات و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز به‌طور مستمر این اصل را مورد تأکید قرار داده و بر اهمیت حصول اطمینان از این که «سنت‌ها»، «نگرش‌ها» و «عادات و رسوم» بالاتر از قواعد جهانی حقوق بشر نیستند، پافشاری نموده‌اند.^{۳۳۸}

در واقع، تلاش‌هایی برای پیشبرد جهانی‌شدن حقوق در هر بخش از جهان صورت گرفته است، اگرچه برخی از آن‌ها بیش‌تر از سایرین به رسمیت شناخته شده‌اند. همان‌طور که چیتان بهات استدلال می‌کند: «فراموش کردن این جنبش‌ها بسیار آسان است... [جنبش‌هایی مانند] علیه برده‌داری، علیه استعمار، برای تعیین سرنوشت ... و ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی احیا گردیدند و با استفاده از زبان جهانی حقوق و برابری، چیزی که امروز آن را حقوق بشر می‌نامیم، بیان شد.»^{۳۳۹}

بنابراین، منطقی است که برنامهٔ ۲۰۳۰ اهداف توسعهٔ پایدار،^{۳۴۰} سند اساسی بحث توسعهٔ جهانی معاصر، پیش‌بینی کند:

^{۳۳۷} به‌طور مثال مراجعه کنید به: قطعنامهٔ مجمع عمومی سازمان ملل. ۱۰۶/۶۱، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، U.N. Doc. 61/106، مقدمه، 3-2، ۱۱/۱۱ (۱۳ دسامبر، ۲۰۰۶) («تأکید مجدد بر جهان شمول بودن... همهٔ حقوق بشر و آزادی‌های اساسی...»).

^{۳۳۸} قطعنامهٔ شورای اقتصادی و اجتماعی، 2006/61/Add.5، ۱۱/۱۱ 9, 20, 76, 80 (۱۵ فوریه، ۲۰۰۶): قطعنامهٔ شورای حقوق بشر، 47/4، 4/34 (۱۷ ژانویه، ۲۰۰۷): قطعنامهٔ شورای حقوق بشر، 67/۱۱، 18/35/Add.5، ۱۱ جولای، ۲۰۱۱): دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، ورقهٔ معلوماتی شمارهٔ ۲۳، شیوه‌های سنتی مضر اثرگذار بر سلامت زنان و کودکان (آگوست ۱۹۹۵).

^{۳۳۹} چیتان بهات Chetan Bhatt، ارائهٔ پرزنتیشن در مورد چالش‌های جهانی‌شدن در مشاورهٔ متخصصان که توسط گزارشگر ویژه در زمینهٔ حقوق فرهنگی برگزار شد (۲۸ فوریه، ۲۰۱۸).

^{۳۴۰} قطعنامهٔ مجمع عمومی ۱/۷۰. تغییر جهان ما: برنامهٔ ۲۰۳۰ اهداف توسعهٔ پایدار (۲۵ سپتامبر ۲۰۱۵). یک چهارچوب بلندپروازانهٔ توسعهٔ جهانی، اهداف توسعهٔ پایدار (SDGs) امروزه مرجع غالب در بحث‌های سازمان ملل در مورد توسعه است. OHCHR و برنامهٔ ۲۰۳۰ /اهداف توسعهٔ پایدار، دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر، (<https://www.ohchr.org/en/issues/SDGS/pages/the2030agenda.aspx>) ([<https://perma.cc/9BDL-UPVG>]).

آن‌ها توسط بسیاری از کشورها حمایت می‌شوند که ممکن است با اقدامی برای انطباق قانون آپارتاید نژادی برای به چالش کشیدن آپارتاید جنسیتی مخالفت کنند. اگرچه به‌طور رسمی الزام‌آور نیست، اما SDGs نوعی «حقوق نرم ممتاز» را نشان می‌دهد که می‌تواند به «پیاده‌کردن زمینه برای تدوین و کمک به تشکیل قوانین بین‌المللی عرفی جدید کمک کند». مارکوس کالتنبورن و هایکه کوهن، پذیرش، عدم فشار، توسعه و همکاری (۶ آوریل، ۲۰۱۷).

جهانی با احترام فراگیر به حقوق بشر و کرامت انسانی... برابری و عدم تبعیض؛ احترام به نژاد، قومیت و تنوع فرهنگی؛ و از فرصت‌های برابر همگانی که در آن هر زن و دختر از برابری کامل جنسیتی برخوردار بوده و تمامی موانع قانونی، اجتماعی و اقتصادی بر سر راه توانمندسازی آنان برداشته شده است.^{۳۴۱}

برنامه ۲۰۳۰، ۲۹ بار به مفهوم «جهانی» اشاره دارد. اهداف توسعه پایدار تعیین شده در آن، بدون دفاع اکید از جهان شمول بودن، نمی‌توانند محقق شوند. علاوه بر این، یکی از اهدافی که دولت‌ها متعهد به آن هستند، «پایان دادن به تبعیض علیه زنان و دختران» تا سال ۲۰۳۰ است.^{۳۴۲} این هدف نمی‌تواند بدون از بین بردن آپارتاید جنسیتی، از جمله در افغانستان، روندی که قوانین بین‌المللی می‌تواند سهم قابل توجهی در آن داشته باشد، محقق شود.

۷. استراتژی‌های تفسیری قواعد بین‌المللی برای مقابله با آپارتاید جنسیتی

حتی امروز برخی ممکن است در برابر رویکرد آپارتاید جنسیتی مقاومت کنند؛ زیرا این رویکرد فاقد مبنای متنی صریح به زبان کنوانسیون آپارتاید است که تقریباً پنجاه سال پیش تصویب شد. از نظر آن‌ها، ما به اندازه کافی متن مورد نیاز خود را نداریم. برای چنین منتقدانی، طرح آپارتاید جنسیتی نشان‌دهنده ضمیمه قواعدی است که خارج از محدوده پذیرش و رضایت دولت‌ها است. در اینجا این پرسش مطرح است که آیا در مواجهه با الگوهای معاصر تبعیض سیستماتیک، ما می‌خواهیم نسخه قرن بیست و یکمی از حقوق بین‌الملل داشته باشیم یا خیر؟ و اگر شهادت آن را داشته باشیم، تصور ما از آن چگونه می‌تواند باشد؟^{۳۴۳} اجزای سازنده آن در قوانین موجود گنجانده شده است و صرفاً نیاز به شناسایی و همت بلند

(<https://www.dandc.eu/en/article/2030-agenda-largely-reflects-and-reinforces-existing-international-law> [https://perma.cc/PK5M-3P2S]).

وزیر سابق همکاری اقتصادی و توسعه آلمان آن‌ها را «قراردادی برای آینده جهان» خواند. همان.

^{۳۴۱} قطعنامه مجمع عمومی [سازمان ملل متحد] ۱/۷۰، یادداشت فوق ۸۹.۳۴۰.

^{۳۴۲} همان، ص ۱۸.

^{۳۴۳} از نظر روش‌شناسی، آموزنده است که تحلیل روزالین هیگینز Rosalyn Higgins (اولین زنی که در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و در محکمه بین‌المللی عدالت خدمت کرد) در مورد مرزهای استدلال حقوقی در نظر گرفته شود:

گزینش‌های حقوقی به عدالت کمکی نمی‌کند، اگر به مفهوم نادیده گرفتن کامل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی باشد. «قانونی» ماندن به معنی نادیده گرفتن هر چیزی نیست که جزئی از «قوانین» نباشد. قانونی ماندن به معنای اطمینان از این است که تصمیمات توسط افرادی که مجاز به انجام آن هستند، با

تفسیری کافی دارد.^{۳۴۴} علاوه بر این، این رویکرد خلع قانونی و ناهماهنگی در تعامل با مسئله نژاد و جنسیت را اصلاح می‌کند. راهبردهای متعددی هم می‌توان در نظر داشت.

قانون موجود در مورد آپارتاید می‌تواند الگویی برای روشی آینده‌نگر و شامل جنسیت برای تحقق اهداف توسعه پایدار برابری جنسیتی مورد توافق همه دولت‌ها ارائه دهد. به عبارت دیگر، کنوانسیون‌ها و قواعد مربوط به آپارتاید نژادی را می‌توان مستقیماً در مورد آپارتاید جنسیتی اعمال کرد.^{۳۴۵} بیانیه‌ای که من طی مذاکره، زمانی که گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق فرهنگی بودم، با گروه کاری سازمان ملل در مورد تبعیض علیه زنان و دختران^{۳۴۶} و گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد آزادی مذهب یا عقیده، استاد حقوق و وزیر امور خارجه سابق مالدیو احمد شهید، انجام دادم، در راستای این مسیر

تکیه بر تصمیمات گذشته و با انتخاب‌های موجود بر اساس منافع جامعه و برای ارتقای ارزش‌های مشترک اتخاذ می‌شود.

روزالین هیگینز، مشکلات و فرآیند: حقوق بین‌الملل و نحوه استفاده ما از آن، ۹ (۱۹۹۴)
^{۳۴۴} در گذشته به دلیل تفسیرهای غیرجنسیتی از قوانین حقوق بشر، اشتباهات جدی وجود داشته است. برای مثال تا سال ۱۹۹۲ طول کشید تا گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد شکنجه تصریح کند که تجاوز به زنان در بازداشت مقامات دولتی می‌تواند نوعی شکنجه باشد. پیترو کویجمناس (گزارشگر ویژه در مورد شکنجه)، گزارش شکنجه و بدرفتاری، 35، U.N. Doc. E/CN.4.1992/SR.21 (۲۱ فوریه، ۱۹۹۲). حتی برخی از سازمان‌های حقوق بشر قبلاً این را متفاوت از سایر انواع سوءاستفاده‌ها از زندان می‌دانستند. مراجعه کنید به: [بخش] گفتگو در [گزارش] کریمه بنون، تنش‌های سازنده: سازمان‌های غیردولتی حقوق زنان، «جریان اصلی» جنبش حقوق بشر و قانون‌گذاری بین‌المللی، در بازیگران غیردولتی، حقوق نرم و رژیم‌های محافظه‌کار: از حاشیه‌ها ۱۲۵، ۱۳۶-۴۰ (ویرایش سیسیلیا ام. بیالیت، ۲۰۱۲) علاوه بر این، مبارزات طولانی‌مدت برای انواع خاصی از خشونت جنسیتی توسط بازیگران غیردولتی که دولت با دقت لازم به آن‌ها پاسخ نمی‌دهد، به عنوان انواع شکنجه یا بدرفتاری به رسمیت شناخته شد. مکینون، یادداشت فوق ۳۱، ص ۲۸-۴۰؛ رادیکا کوموراسوامی (گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن)، نماینده گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن، 42-50، U.N. Doc. E/CN.4/1996/53 (۵ فوریه، ۱۹۹۶). متأسفانه این پیشرفت در حال حاضر به خطر افتاده است. مراجعه کنید به: فلیس گیر، ایجاد شکنجه: تجربه کمیته مبارزه با شکنجه، 27 AUSTL. J. HUM. RTS. 554 (۲۰۲۱).

^{۳۴۵} این یک نمونه شبیه‌سازی‌شده قدیمی از استراتژی‌های اول و دوم شارلوت آنه بانچ از فعالان فمینیست آمریکایی [Charlotte Anne Bunch] برای پیشبرد حقوق بشر زنان در نظام بین‌المللی حقوق بشر است: متناسب با ملاحظات حقوق بشر زنان در چهارچوب‌های تعیین‌شده حقوق مدنی و سیاسی و به ترتیب در حقوق اقتصادی و اجتماعی. مجموع این تلاش‌ها می‌تواند به چهارمین و جامع‌ترین رویکرد او منجر شود که تغییر فمینیستی حقوق بین‌الملل است. مراجعه کنید به: شارلوت بانچ، یادداشت فوق ۳۴. به جز از موارد ذکر شده، همین امر در مورد بسیاری از استراتژی‌های ممکن که در این بخش از کتاب توضیح داده شده، صادق است.

^{۳۴۶} گروه کاری سازمان ملل در مورد تبعیض علیه زنان و دختران، نهادی متشکل از وکلای برجسته بین‌المللی از بسیاری از مناطق جهان است. گروه کاری تبعیض علیه زنان و دختران، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/wg-women-and-girls>

(<https://perma.cc/MR64-FTB8>)

حرکت کرد. این سازمان استدلال کرد که روحیه اعلامیه و کنوانسیون آپارتاید در ورزش باید در مورد ممنوعیت طالبان برای زنان و دختران در فعالیت‌های ورزشی اعمال شود.^{۳۴۷}

چنین اقدامی در حقوق بین‌الملل بی‌سابقه نیست. به عنوان مثال، کمیته CEDAW طی صدور توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹، خشونت علیه زنان را در چهارچوب کنوانسیون CEDAW، آن را نوعی تبعیض علیه زنان قلمداد کرد، حتی اگر کنوانسیون دهه ۱۹۷۰ هرگز کلمه «خشونت»^{۳۴۸} را ذکر نکرده باشد. هیچ دولتی با این وسعت قابل توجه به تعهدات خود مخالفت نکرده است، هرچند باید پذیرفت که این تعهدات در حوزه جنسی باقی می‌مانند.^{۳۴۹} سابقه مرتبط دیگر نشان می‌دهد که حتی معرفی یک گروه جنسیتی خاص به معاهده غیرمتمرکز جنسیتی از طریق تفسیر ممکن است. محکمه جزایی بین‌المللی رواندا، در پرونده آکایسو، کنوانسیون نسل‌کشی را به گونه‌ای تفسیر کرد که تجاوز جنسی را وسیله‌ای برای ارتکاب نسل‌کشی می‌داند، علی‌رغم این واقعیت که این موضوع به‌طور خاص در متن کنوانسیون ۱۹۴۸ بر شمرده نشده است و زنان نیز در بخش‌های حفاظت‌شده مشخصی نیستند.^{۳۵۰}

در حالی که تفسیر مجدد در این‌جا مسلماً مستلزم تغییر بزرگ‌تری در تعاریف موجود نسبت به هر یک از این نمونه‌ها است، اما می‌تواند بر اساس روش‌های تغییر شکل فمینیستی حقوق بین‌الملل، بنا

^{۳۴۷} بیانیه مطبوعاتی دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، افغانستان: کارشناسان سازمان ملل از ممنوعیت ورزش زنان ابراز تأسف کرده و خواستار واکنش شدید شدند، The Sydney Morning Herald (۱۴ سپتامبر، ۲۰۲۱).

([https://www.ohchr.org/SP/News_Events/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=27454&](https://www.ohchr.org/SP/News_Events/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=27454&LangID=E) [https://perma.cc/54WB-H5FM])؛ همچنین مراجعه کنید به: اندرو وو، آپارتاید جنسیتی: کارشناسان سازمان ملل خواستار ممنوعیت بین‌المللی تیم‌های ورزشی افغان هستند، THE SYDNEY MORNING HERALD (۱۵ سپتامبر، ۲۰۲۱) (<https://www.smh.com.au/sport/cricket/gender-apartheid-un-experts-call-for-international-ban-on-afghan-sporting-teams-20210915-p58ryr.html> [https://perma.cc/8DDU-FYDS]).

^{۳۴۸} کمیته رفع تبعیض علیه زنان، توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹: خشونت علیه زنان، U.N. Doc. A/47/38 (۱۹۹۲).
^{۳۴۹} مراجعه کنید به: تأیید مجدد و توسعه پیشرفت‌های توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹ در کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان، توصیه‌نامه عمومی شماره ۳۵: در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان، به‌روزرسانی توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹، U.N. Doc. CEDAW/C/GC/35 (۱۴ جولای، ۲۰۱۷). («بیش از ۲۵ سال است که دولت‌های عضو در عمل خود تفسیر کمیته را تأیید کرده‌اند. نظریه حقوقی و رویه دولتی نشان می‌دهد که ممنوعیت خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان به یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است. توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹ یک تسریع‌کننده کلیدی برای آن مراحل بوده است.») این نمونه بسیار موفقی از به کارگیری تکنیک‌های پیش‌بینی شده اول و دوم بنچ [Bunch] بود که شامل تفسیر حقوق بشر زنان در چهارچوب‌های حقوقی موجود حقوق بشر می‌شد که منجر به یک دگرگونی فمینیستی قابل توجهی در حقوق بین‌الملل شد. بنچ، یادداشت فوق ۳۴.

^{۳۵۰} دادستان [خارنوال] علیه ژان پل آکایسو Jean-Paul Akayesu پرونده شماره ICTR-96-4-T، حکم محکمه (۲ سپتامبر، ۱۹۹۸). مراجعه کنید به: بحث در مک کینون، یادداشت فوق ۳۱، ص ۲۰۹.

شود. یک راه حل ممکن برای کمیته CEDAW این است که یک توصیه نامه عمومی برای تعریف و تعیین تعهدات بین المللی برای جلوگیری از آپارتاید جنسیتی و چگونگی نشئت گرفتن آن ها از کنوانسیون CEDAW که در پرتو قوانین بین المللی آپارتاید نژادی خوانده می شود، صادر کند.^{۳۵۱} با توجه به این که دادستان [خاروال] کریم خان نگرانی خود را در مورد این موضوعات نشان داده است، گزینه دیگر برای پیشبرد این مفهوم، تعقیب ابتکاری برای آپارتاید جنسیتی در افغانستان در محکمه جزایی بین المللی است.^{۳۵۲} همان گونه که چارلی کارپنتر، دانشمند علوم سیاسی، در مورد شرایط افغانستان اشاره می کند: «آپارتاید جنسیتی باعث ایجاد انواع دیگر جنایات علیه بشریت نیز می شود. به عنوان مثال، ازدواج اجباری اکنون شایع شده است.»^{۳۵۳}

در آینده، ممکن است به یک معیار خاص در مورد آپارتاید جنسیتی، چه به عنوان یک پروتکل اختیاری برای معیارهای قبول شده آپارتاید نژادی موجود^{۳۵۴} یا به عنوان کنوانسیون CEDAW و یا به صورت مستقل نیاز داشته باشیم.^{۳۵۵} این امر مستلزم اراده سیاسی و صرف سرمایه سیاسی در سیستم سازمان ملل متحد است، چنانچه کشورهای استعمارزدایی شده اخیر، موضوع آپارتاید را در سازمان ملل در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مطرح کردند. کشورهایی که مدعی سیاست های خارجی فمینیستی هستند،

^{۳۵۱} این عمل مشابه با کار کمیته برای وارد کردن تأثیر تغییرات آب و هوا بر زنان در محدوده کنوانسیون خواهد بود. کمیسیون رفع تبعیض علیه زنان، توصیه نامه عمومی شماره ۳۷: ابعاد مرتبط با جنسیت کاهش خطر بلایا در زمینه تغییرات آب و هوا، U.N. Doc. CEDAW/C/GC/37 (۱۳ مارس، ۲۰۱۸)

^{۳۵۲} چارلی کارپنتر Charli Carpenter، آپارتاید جنسیتی طالبان یک دوسیه برای محکمه جزایی بین المللی است، بررسی سیاست جهانی (۲۹ اکتبر، ۲۰۲۱)، <https://www.worldpoliticsreview.com/articles/30079/for-women-afghanistan-s-gender-> (<https://perma.cc/2NQC-ZWfQ>) [apartheid-is-a-case-for-the-ice]. شایان ذکر است که اساسنامه خود ICC ایجاب می کند که «کاربرد و تفسیر قانون... باید... بدون هیچ گونه تمایز نامطلوبی مبتنی بر دلایلی مانند جنسیت [آن گونه که در اساسنامه تعریف شده است] باشد». اساسنامه رم، تبصره ۷۹، ماده ۲۱ بند (۳). به بحث فرصت ها و چالش های مربوط به مشارکت ICC در مورد افغانستان به متن فوق در یادداشت های ۲۱۶-۲۲۴ مراجعه کنید.

^{۳۵۳} کارپنتر، یادداشت فوق ۳۵۲.

^{۳۵۴} در پروتکل ۱۹۶۷ کنوانسیون پناهندگان، سابقه ای برای گسترش دسته بندی های حمایت از این طریق وجود دارد که «محدودیت های زمانی و جغرافیایی کنوانسیون پناهندگان را حذف کرد تا کنوانسیون به طور جهانی اعمال شود.» صفحه معلومات پروتکل ۱۹۶۷، اندرو و رناتا کالدور، 1 CTR. FOR INTL REFUGEE L. (سپتامبر ۲۰۱۸) https://www.kaldorcentre.unsw.edu.au/sites/kaldorcentre.unsw.edu.au/files/Factsheet_1967%20Protocol_Sep2018.pdf [<https://perma.cc/2XZH-G7W9>]

^{۳۵۵} برخلاف استراتژی های دیگر که در این جا بررسی شد، چنین گام جسورانه ای، سومین روش بانچ [Bunch] در جریان سازی حقوق بشر زنان (و یکی از دشوارترین آن ها) را به کار خواهد گرفت: ایجاد مکانیسم های قانونی جدید برای مبارزه با تبعیض جنسی. بانچ، یادداشت فوق ۳۴.

یا با رؤسای دولت‌های زن و یا کشورهای با اکثریت مسلمان و متعهد به برابری جنسیتی مانند آلبانی و تونس، می‌توانند این نقش را ایفا کنند.

به گونه‌ای که زبیده اکبر تأکید کرد: «جامعه بین‌المللی اصولی را که مدعی رعایت آن است، باید مورد ملاحظه قرار دهد.»^{۳۵۶} این به آن معناست که آپارتاید جنسیتی، مانند آپارتاید نژادی، باید به عنوان یک جنایت بین‌المللی، به ویژه جنایت علیه بشریت شناخته شود. همچنین به این معنی است که دولت‌های دیگر نباید در این جنایت سهیم، یا با ارتکاب آن در افغانستان و یا هر جای دیگر شریک باشند و باید عاملان آن را به دست عدالت بسپارند. دولت‌ها با عاملان آپارتاید جنسیتی بدون تحمیل شرط پایان دادن به این عمل، نمی‌توانند وارد تعامل شوند. همچنین آن‌ها مجاز نیستند وضعیتی را که در اثر نقض جدی این اصول ایجاد شده است، قانونی تشخیص داده و در حفظ چنین شرایطی کمک کنند. تنها چنین رویکرد محکمی به حقوق بشر می‌تواند تعهدات بنیادین حقوق بین‌الملل را در مورد برابری زنان به اندازه کافی برآورده کند و تنها در این صورت است که می‌تواند به قانونی مناسب برای قرن بیست و یکم تبدیل شود. اولین دوره‌ای که دولت‌ها به‌طور جمعی متعهد شده‌اند که تا در یک تاریخ مشخص واقعاً به این برابری دست یابند.

نتیجه‌گیری: «آپارتاید آینده‌ای ندارد.»^{۳۵۷}

این اثر ثابت می‌کند که طالبان با نقض قوانین بین‌المللی که معیارهای اساسی حقوق بشر و برابری زنان به شمار می‌رود و همچنان با نقض منشور سازمان ملل، در حال بازسازی آپارتاید جنسیتی در افغانستان است. این نمونه‌ای آشکار از سیر قهقراپی در زمینه حقوق بشر است، سیری که به طور خاص نگران‌کننده است.^{۳۵۸} بر علاوه، این کتاب ساختار پیچیده حقوق بین‌الملل را بررسی کرده، نه تنها اعمال مشابه آپارتاید نژادی را ممنوع می‌کند بلکه دولت‌های دوم را نیز ملزم می‌کند تا در راه مبارزه با آن گام بردارند.^{۳۵۹} امروز، سوءاستفاده از حکومت به منظور مشارکت در تبعیض سیستماتیک، چه بر اساس نژاد یا جنسیت، باید جرم انگاشته شود. آپارتاید جنسیتی در افغانستان باید از طریق تحریم‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند بین‌المللی، مانند آپارتاید آفریقای جنوبی، رفع گردد.

^{۳۵۶} مصاحبه زوم با زبیده اکبر، یادداشت فوقی ۱۳۱.

^{۳۵۷} ماندلا، یادداشت فوقی ۴۱، ص ۱۳۹.

^{۳۵۸} کارشناسان سازمان ملل در بیانیه مشارکت کامل زنان، نگرانی‌های خود را در مورد پس‌رفت ابراز کردند، یادداشت فوقی ۲۰۷.

^{۳۵۹} در مورد مشارکت، مرجعه کنید به راتنر، یادداشت فوقی ۹.

عدم شمولیت جنسیت در فهم آپارتاید معاصر را نمی‌توان با تعهدات حقوقی بین‌المللی در مورد برابری زنان تطبیق داد. من نظر پزشک فقید نیجریه‌ای باباتونده اوسوتیمهین، مدیر اجرایی سابق صندوق جمعیت سازمان ملل و معاون دبیرکل سازمان ملل را در این‌جا با خود دارم: «علی‌رغم وعده‌های جهانی که در بالاترین سطوح داده شده است... برابری جنسیتی یک برنامه ناتمام برای قرن بیست و یکم باقی می‌ماند، قرنی که باید به عنوان دوره‌ای که به آپارتاید جنسیتی پایان داد، وارد تاریخ شود.»^{۳۶۰}

تبعیض سیستماتیک علیه زنان، استعمارگرایی قرن بیست و یکم است. من این ادعا را ساده نمی‌دانم. من یک پدر بزرگ و دو عموی خود را در مبارزه با استعمار در الجزایر از دست دادم و پدرم به خاطر مقاومتش توسط مقامات استعماری زندانی و شکنجه شد. در واقع، او به من گفت زمانی که به دلیل شرکت در مبارزات ضد استعماری بازداشت شده بود، در ابتدا شروع به تفکر عمیق در مورد وضعیت زنان در الجزایر کرد زیرا وضعیت او در محرومیت از آزادی، مانند وضعیت آن‌ها شد.^{۳۶۱} در حالی که یک شکل سلطه نشان‌دهنده سلب مالکیت تمام گروه‌های ملی توسط بیگانگان است، شکل دیگر نشان‌دهنده انکار سیستماتیک تعیین سرنوشت نیمی از جمعیت توسط هژمون‌های محلی است. از لحاظ جغرافیایی و جمعیت متفاوت است اما هر دو به طور گسترده و قاطع انکارکننده حق برابری انسانی و مخالف آشکار با منشور ملل متحد هستند. منشور یک فرمان با فوریت یکسان برای پایان دادن به هر دو [آپارتاید] ارائه می‌دهد. دبیرکل سازمان ملل شخصاً تأکید کرد: «همان‌طور که برده‌داری و استعمار لکه‌ای بر قرن‌های گذشته بود، نابرابری زنان باید همه ما و شما را در قرن بیست و یکم شرم‌نده کند.»^{۳۶۲} این موضوع به معنی است که آپارتاید جنسیتی را نمی‌توان کمتر از آپارتاید نژادی مورد مخالفت شدید قرار داد و به‌طور مؤثری از بین برد، مگر این‌که مفاد اساسی حقوق بین‌الملل که به رسمیت شناختن برابری انسانیت زنان را تضمین می‌کند، چیزی بیش از یک سراب پذیرفته شود.

چنین پذیرش غیرقابل قبولی تمام چهارچوب را به ضرر همه زنان تضعیف می‌کند. این در هیچ کجا به اندازه سایر کشورهای با اکثریت مسلمان و جمعیت‌های پراکنده صادق نیست که در آن پیروزی طالبان، آب را در آسیاب بنیادگرایان قرار داد. این زنان مدافع حقوق بشر مسلمان هستند که در برابر آن

^{۳۶۰} باباتونده اوسوتیمهین Babatunde Osotimehin، مقابله با آپارتاید جنسیتی در قرن ۲۱، رویترز (۱ مارس، ۲۰۱۱)، (<https://www.reuters.com/article/uk-women-unfpa/confronting-gender->apartheid-in-21st-century-idUSLNE72007J20110301 [<https://perma.cc/K43M-FHGZ>]).

^{۳۶۱} مهفود بنون MAHFOUD BENNOUNE، زنان الجزایری: قربانیان یک جامعه پدرسالار مدرن: یک مطالعه اجتماعی-مردم‌شناسی (۱۹۹۹).

^{۳۶۲} گوترش، یادداشت فوق ۲۸۹.

مقاومت می‌کنند.^{۳۶۳} واکنش فراملی به آپارتاید جنسیتی در افغانستان بازتاب ملی، منطقه‌ای و جهانی دارد. همان‌طور که هیدر بار، محقق دیده‌بان حقوق بشر به‌درستی بیان کرد: «۲۰۲۱ سال بدی برای حقوق زنان بود. واکنش ضعیف بین‌المللی به بازگشت طالبان در افغانستان پیامدهایی برای زنان در همه‌جا دارد. این به ما می‌گوید که هنوز چه میزان به ما و حقوق ما کم احترام گذاشته می‌شود.»^{۳۶۴}

شکست مداوم در اجرای اصول حقوق بین‌المللی زنان، کل پروژه را تضعیف می‌کند. مشارکت مؤثر با قوانین بین‌المللی منع تبعیض علیه زنان، ضروری است.

این نیز مسأله‌ای مؤثر است، اصل تفسیر معاهده که برای تضمین اهداف منشور ملل متحد و ابزارهای حقوق بشر استفاده شده، درک گردد.^{۳۶۵} با توجه به وضعیت کنونی افغانستان، احتمالاً هیچ راه دیگری برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل، جز هماهنگ کردن تلاش‌های جامعه بین‌المللی وجود ندارد.^{۳۶۶}

شورا در قطعنامه ۲۰۲۱ خود در مورد افغانستان، بر تعهد تزلزل‌ناپذیر خود به بهره‌مندی کامل و برابر حقوق بشر برای همه زنان، دختران و کودکان در افغانستان، از جمله حق آزادی، حق آموزش، حق برخورداری از بالاترین استانداردهای قابل دسترسی سلامت جسمی و روانی، از جمله سلامت جنسی و باروری، حق کار و حق دسترسی به عدالت بر مبنای برابری با دیگران، تأکید می‌کند.^{۳۶۷}

^{۳۶۳} طالبان در همه‌جا، MPV (سپتامبر ۲۰۲۱) <https://app.robly.com/archive?id=4e88c42718cc87e76d0f847219977b22&v=true> [https://perma.cc/G5GH-4WWY]

^{۳۶۴} هیدر بار (@heatherbarr1) توییت (۱۹ دسامبر، ۲۰۲۱، ۱۰:۱۹ بعدازظهر) <https://twitter.com/heatherbarr1/status/1472813860017029122?s=20> [https://perma.cc/c/5NHY-L8DG]

^{۳۶۵} جبران آسیب‌های وارده در خدمات‌رسانی سازمان ملل متحد، نظر مشورتی، (1949) 174 I.C.J. 174, at 182؛ جین مارک سورل و والری بور اوانو، ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹، اولین کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات: یک تفسیر ۸۰۴، ۳۷-۸۰۴ (اولیویر کورتن و پیر کلین، ویرایش ۲۰۱۱)

^{۳۶۶} این شورا بالاترین نهاد سیاسی در زمینه حقوق بشر در سیستم سازمان ملل است و متشکل از دولت‌ها است. به شورای حقوق بشر خوش‌مدید، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، <https://www.ohchr.org/en/hr-bodies/hrc/about-council> [https://perma.cc/LZ87-UXL9]

^{۳۶۷} مصوبه شورای حقوق بشر، 3، 48/1, U.N. Doc. A/HRC/48/1.24/Rev.1، (۱۳ اکتبر، ۲۰۲۱). در جولای ۲۰۲۲، شورا قطعنامه دیگری را بدون رأی‌گیری به تصویب رساند که این الفاظ را تکرار و تأکید می‌کند که «ستم جاری بر زنان و دختران در افغانستان شدید، نهادینه‌شده، گسترده و سیستماتیک است.» مصوبه شورای حقوق بشر ۱۴/۵۰، وضعیت حقوق بشر زنان و دختران در افغانستان، U.N. Doc. A/HRC/50/L.62، مقدمه (۸ جولای، ۲۰۲۲). این

این کلمات بدون چهارچوبی که بتواند به وعده‌های آن جان بخشد، بی‌معنی است. به رسمیت شناختن آپارتاید جنسیتی می‌تواند چنین چهارچوبی را ارائه دهد.

یکی از زنان مدافع حقوق بشر افغان که برای این اثر مصاحبه کرده بود در سال ۲۰۱۱ در کابل به من گفت: «من واقعاً امیدوارم روزی افغانستان کشوری باشد که در آن همه بتوانند احساس کنند که یک انسان هستند.»^{۳۶۸} تنها راهی که این آرزوی کوچک امکان‌پذیر می‌شود این است که جامعه بین‌المللی روشن کند که زنان افغان اعضای برابر آن چیزی هستند که اعلامیه جهانی حقوق بشر آن را «خانواده انسانی» می‌نامد و آپارتاید جنسیتی در افغانستان را به همان اندازه جدی می‌گیرد که انواع دیگر آپارتاید در جاهای دیگر وجود دارد.^{۳۶۹} این بهترین راه برای تحقق بخشیدن به آرزوی نلسون ماندلا است که هنگام خروج از زندان اظهار داشت: به عنوان یک شیوه حکومت، «آپارتاید آینده‌ای ندارد».^{۳۷۰}

قطعه‌نامه «به ویژه از طالبان می‌خواهد تا سیاست‌ها و اقداماتی را که در حال حاضر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان و دختران افغان را محدود می‌کند، مسترد نماید.» همان، ¶ ۴.

^{۳۶۸} بنون، یادداشت فوق ۱۰۸، ص ۲۶۴.

^{۳۶۹} در خزان ۲۰۲۲، به مفهوم آپارتاید جنسیتی در بحث‌های مربوط به افغانستان در سازمان ملل و فراتر از آن، از جمله توسط سازمان‌های حقوق بشر افغانستان، سایر نمایندگان جامعه مدنی، کارشناسان سازمان ملل و حتی نمایندگان دولت، اشاره فزاینده‌ای شد. مراجعه کنید به: هیدر بار (@heatherbarr1)، توییت (۲۱ اکتبر، ۲۰۲۲، ۸:۲۱ قبل از ظهر) (<https://twitter.com/heatherbarr1/status/15834332889>)

(جزئیات [https://perma.cc/PPY5-VUUV] 15783681?s=20&t=Anllp8DkMNRpxy121g03MA)

استفاده از اصطلاح توسط زنان مدافع حقوق بشر، گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در افغانستان و نمایندگان کانادا و امارات متحده عربی).

^{۳۷۰} ماندلا، یادداشت فوق ۴۱، ص ۱۳۹.

Karima Bennoune

The International Obligation to Counter Gender Apartheid in Afghanistan

از ماه اگوست ۲۰۲۱، زمانی که طالبان به قدرت بازگشتند، مانند عملکردشان در دهه ۱۹۹۰، دوباره رژیم آپارتاید جنسیتی را در افغانستان، بر خلاف قوانین بین‌المللی تحمیل کردند. آپارتاید جنسیتی به طور فراگیر تبعیض‌آمیز بوده و مشکلات حقوق بشری خاصی را ایجاد می‌کند که نیاز به واکنش‌های ویژه و جدی دارد. نظام حکومتی مبتنی بر فرودستی زنان، تبعیض جنسیتی را در زیرساخت‌های سیاسی، قانونی و فرهنگی دولت نهادینه می‌کند که این امر مستلزم استراتژی‌های متقابل متفاوتی است.

این کتاب ساختار مفهومی را برای تحلیل و پاسخ به این جنبه از بحران کنونی افغانستان پیشنهاد می‌کند. مشخصاً، چهارچوب حقوقی قدرتمند بین‌المللی که برای پایان دادن به آپارتاید نژادی کمک کرد، باید فوراً برای رسیدگی به آپارتاید جنسیتی در افغانستان و هماهنگ نمودن واکنش‌های سایر کشورها نسبت به آن، تطبیق داده شود.



انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

Afghan Institute for Strategic Studies (AISS)

ISBN 978-1-9167960-1-0



9 781916 796010 >